

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ٿڌ پېر ۾ ۾

نگاندگی ولی فقیہ در ساہ
پ

دفتر تائید شرعی ضوابط و برنامہ ها

نام نشریه:	تدبیر ماه
تنظیم و نشر:	نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نوبت چاپ:	دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها
شماره:	اوّل
تاریخ چاپ:	(خرداد و تیر ۹۴) ۹۵
شمارگان:	۱۳۹۴ شهریور
چاپ:	۳۰۰۰ نسخه
چاپ:	مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فهرست

موضع	صفحه
مقدمه	٧
حدیث	٩
تادابیر تربیتی و معنوی	١٣
تادابیر آموزشی	٣٧
تادابیر فرهنگی و هنری	٤٩
تادابیر مدیریتی	٧١
تادابیر سیاسی و اجتماعی	٨٥
تادابیر اقتصادی و مالی	١٥٣
تادابیر نظارت و بازرگانی	١٦٣
تادابیر حقوقی و قانونی	١٦٧
تادابیر پژوهشی، تحقیقاتی	١٧١
تادابیر نیروی انسانی	١٨٣
تادابیر برون مرزی	١٨٥
تادابیر ویژه	٢٢٣
سایر تادابیر	٢٤٩
پی‌نوشت‌ها	٢٧٢

معاونت تادابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۷۱۲ و ۳۳۹۳۹

پایگاه داخلی: www.pasdar.org

سبت‌گالی

تداوی حركت انقلاب اسلامی و پاییندی به اصول و مبانی طراحی شده از سوی معمار بزرگ نظام جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی تئذیل موجب شد بیداری اسلامی و تقویت جبهه مقاومت در برابر زیاده‌طلبی رژیم جعلی صهیونیستی و خیانت دولت‌های مرتاج در منطقه شده است. به‌طوری که استکبار جهانی با ایجاد گروه‌های تکفیری و تروریست‌های اجاره‌ای بیش از پنج سال است که در سوریه و سپس در عراق به جنایت و آدم‌کشی پرداخته‌اند و به حول و قوه الهی نتوانسته‌اند جبهه مقاومت را از پای در آورند.

ضمن بزرگ داشت دهه مبارک کرامت
میلاد با سعادت حضرت امام رضا ع
و خواهر بزرگوارش حضرت فاطمه معصومه ع
در آستانه یوم الله دحوالارض، نود و پنجمین شماره
نشریه «تدبیر ماه» برگزیده رهنمودها و تدبیر مقام
معظم رهبری ع در تیر و مرداد سال جاری، به
شما مجاهدان راه خدا و دفاع از مرزهای ولایت و
امامت تقدیم می‌شود.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

* * *



حَدِيث

عَنْ الصَّادِقِ الْكَاظِمِ:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ حَيَّرًا زَهَدَةً فِي الدُّنْيَا
وَفَقَهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَرَهُ عَيْوَبَهَا وَمَنْ أُوتِيَهُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ
خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.^۱

الشافعی ص ۵۳۳

توضیح مقام معظم رهبری علیه السلام:

این سه خصوصیت را خداوند به هرکس داد،
نشانه این است که به آن بندۀ محبت دارد.
اول اینکه: خدای متعال این شخصی را که
مورد محبت اوست، در دنیا تزهید می‌کند. یعنی
بی‌رغبتی به دنیا را به او می‌دهد.

۱_ امام صادق علیه السلام فرمود:

چون خدا خیر بندۀ‌ای را خواهد، او را نسبت به دنیا بی‌رغبت،
نسبت به دین دانشمند و به عیوب‌هایش بینا سازد
و به هرکه این خصلت‌ها داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است.

دوم اینکه: او را در دین فقیه می‌کند. یعنی عالم به دین و عارف به احکام دین می‌شود.
 البته مراد فقط احکام فرعی و فقه اصلاحی نیست، بلکه توحید و معارف دینی که فقط الله اکبر است، در درجه اول قرار دارد. یعنی نسبت به دین بصیرت پیدا می‌کند. معارف دینی و احکام دینی برای او روشن می‌شود.

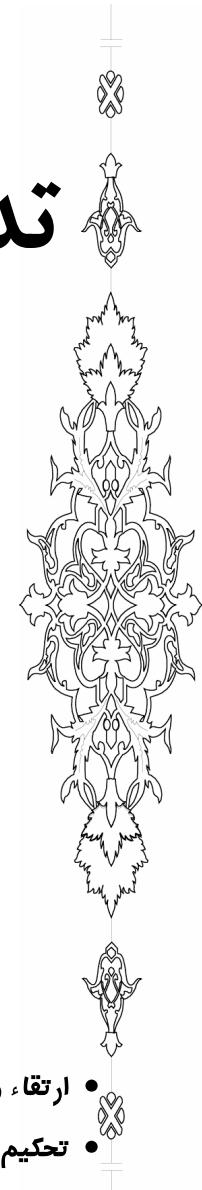
سوم: «وَبَصَرَهُ عُيُوبَهَا». عیوب دنیا را به او نشان می‌دهد. ما غالباً از عیوب دنیا غفلت داریم. مثل بچه‌ای که یک ظرف شیرینی مثلاً یا یک عروسکی، اسباب‌بازی جلوی چشمش است. این دیگر هیچی نمی‌فهمد. غیر از اینکه آن را بدست بیاورد، راه می‌افتد به طرف آن، سر راهش تنگ آب را چپه می‌کند. آنچه را در اتاق است بهم می‌ریزد. حواسش نیست. فقط دنبال اوست. بعد هم که آن را بدست می‌آورد، از اینکه خوردنش برای او ضرر دارد غافل است. مجنوب و دلباخته این شیء است. وضع ما مردم معمولی نسبت به دنیا همین است. نگاه می‌کنیم به همین ظاهر قضیه. ثروتی، جاه و جلالی، وسیله تعیشی، زر و

زیورهایی، از این چیزهایی که در زندگی معمول است. تمام هم نمی‌شود. یعنی انسان از این چیزها سیری هم ندارد. مثل آب دریا، در روایت دارد که هرچه انسان بنوشد تشنه‌تر می‌شود. عیوبش را نمی‌فهمیم، لکن کسی که مورد لطف خداست و تفضل الهی شامل حال او شده است، عیوب دنیا را می‌فهمد. بله، پیداست. این غذا چرب و شیرین است. لذیذ است. این حسننش است. عیش این است که وقتی انسان خورد، چربی بدنش زیاد می‌شود. سکته می‌کند. کبدش از کار می‌افتد. ملتفت عیوبش نیستیم. اما کسی که عارف به حقایق است و خدای متعال به او محبت ورزیده است، او عیوبش را هم می‌فهمد. حسننش را دیدی عیش را هم بفهم و اگر کسی این سه چیز را داشته باشد، یعنی زهد در دنیا، فقه در دین، بصیرت نسبت به عیوب دنیا، خیر دنیا و آخرت به این شخص داده شده است. خیر آخرتش معلوم است.

دنیا هم به خاطر اینکه اهل دنیا و کسانی که عرق می‌ریزند برای کسب دنیا، اینها به مراتب در زحمت بیشتری هستند از آن کسی که خیالش

آسوده است. چیزی گیرش آمد به کفافش
صرف می‌کند. خدا را هم شکر می‌کند. نیامد هم
به فکرش نیست. از دستش رفت، محزون و
اندوهگین نمی‌شود. این راحت است در دنیا.
اینهایی که بیشتر دارند، دغدغه بیشتری و غصه
بیشتری دارند.

جلسهٔ دویست و سی و هفتم درس خارج فقههٔ ۸۷/۷/۳۰



تداپیر

تریتی

و معنوی

- ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
- تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

فرصت ماه مبارک رمضان

و ضرورت توجه به گرفتاری‌های بعد از مرگ یکی از مضامین تکرارشونده در ادعیه ماه مبارک رمضان توجه دادن انسان‌ها به عوالم بعد از حیات دنیوی است؛ توجه دادن به عالم مرگ، عالم قبر، عالم قیامت، گرفتاری‌های انسان در دوران مواجهه با حساب و کتاب و سؤال الهی؛ این یکی از موضوعات مطرح در ادعیه ماه مبارک رمضان است. برای ما که بر مستندهای مسئولیت تکیه زدیم، توجه به این معنا بسیار مهم است؛ عامل کنترل‌کننده و مراقب برای انسان از جمله عبارت است از توجه به همین عوالم. اینکه بداییم «لا يعزُّبْ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ»^(سبا ۳) یک حرکت کوچک، یک سکون کوچک،

یک اقدام کوچک، یک حرف کوچک از دید
محاسبه‌کننده دوران بعد از مرگ بیرون نیست واز ما
سؤال خواهد شد؛ این خیلی تأثیر می‌گذارد در رفتار
ما، در گفتار ما، در حرکات ما.

در دعای شریف ابی حمزه می‌خوانیم: «اِرْحَمْنِي
صَرِيعًا عَلَى الْفِراشِ تُقْبَلْنِي آیدی أَحِبَّتِي»؛ (صبح
المتہجد، ج ۲، ص ۵۹۳) این حالتی که برای همه پیش
می‌آید و شاید خیلی‌ها این حالت احتضار و
لحظات نزدیکی مرگ را در دیگران دیده‌اند؛ من
و شما در آن لحظات از خودمان اختیاری نداریم؛
هیچ‌کس در آنجا به ما نزدیک‌تر از خدا نیست.

«وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكُنْ لَا تُبَصِّرُونَ»؛ (واقعه ۸۵)
و ما به آن [محضر] از شما نزدیک‌تریم ولی نمی‌بینید» هیچ‌کس
نمی‌تواند ما را در آن حالت، از آن ورطه‌ای که در
مقابل ماست نجات بدهد، مگر عمل صالح و فضل
الله‌ی. عرض می‌کنیم در این دعا که «اللَّهُمَّ
اِرْحَمْنِي»؛ در آنجا ما را رحم کن. «وَ تَفَضَّلْ عَلَى
مَمْدوِدًا عَلَى الْمُغَسَّلِ يَقْبَلْنِي صالحُ جِيرَتِي»؛ در
هنگامی که بعد از مرگ ما را غسل می‌دهند،

خدای متعال در آن حالت، رحمت خود را، فضل خود را شامل حال ما کند و به ما ترحم کند.
بی اختیار در اختیار دستهای غسل‌دهنده هستیم؛ این مال یکایک من و شماست؛ هیچ‌کدام‌مان از این حالت دوری و فراغت نداریم؛ این برای همه ما پیش می‌آید. به یاد آن لحظه باشید.

«وَ تَحْنَنَ عَلَىٰ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي»؛ ما را بلند می‌کنند، سر دوش می‌گیرند، می‌برند به سمت جایگاه همیشگی و ابدی ما. «وَ جُدْ عَلَىٰ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي»؛ ما را سرازیر قبر خواهند کرد. این یادآوری است؛ از این حالات نبایستی غافل بود؛ باید جلوی چشم ما باشد. اینکه سفارش می‌کنند به ما که به قبرستان بروید، به زیارت اموات بروید، یک علت و وجه آن این است. بعضی بدشان می‌آید از اینکه کسی آنها را به یاد مرگ بیندازد؛ نه، این درمان است، این دارو است؛ علاج خودخواهی‌های ما، علاج غفلت‌های ما، علاج هوسرانی‌های ماست. در جای

دیگری از دعای شریف ابی حمزه می‌خوانیم:

«اللهِ اِرْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كَلَّ عَنْ جَوَابِكَ
لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ اِيَّاهُ لُّبِّي»؛ آن وقتی که
در مقابل سؤال الهی کم می‌آوریم و در می‌مانیم،
استدلال ما تمام می‌شود؛ مثل اینجا نیست که
بتوانیم طرف مقابل را با استفاده از جهش، از
غفلتش، از عواطفش از واقعیت دور کنیم. آنجا
همه‌چیز آشکار است برای آنکسی که از ما سؤال
می‌کند. به یاد آن لحظه باید بود. در یک فقرة
دیگر: «أَبَكَى لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرِيبًا» - این دعا را
در سحرهای ماه رمضان با توجه بخوانید -

«ذَلِيلًا حَامِلاً ثَقْلَى عَلَى ظَهَرِي أَنْظُرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ
أُخْرَى عَنْ شِمَالِي اِذْ الْخَلَائِقُ فِي شَأنٍ غَيْرِ شَأنِي»؛
هر کسی به فکر خودش است؛ هیچ‌کس از من آنجا
دستگیری نمی‌کند.

«لِكُلِّ اَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذْ شَأنُ يَغْنِيهِ، وُجُوهٌ يَوْمَئِذْ
مُسْفَرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبَشِّرةٌ»؛ مؤمنین، متّقین، آن
کسانی که مراقب خودشان بودند و از جاده حق

و انصاف و ادائی تکلیف الهی خارج نشدن، مصدق این جمله‌اند: «وَجْهُ يوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبَشِّرَةٌ»؛ چهره‌های باز، خندان، درخشنان، بعضی این جوری‌اند. «وَ وُجُوهٌ يوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَيْرَةٌ، تَرَهُقُهَا قَتَرَةٌ». (عبس ۳۷ تا ۴۱) آیه قرآن تا اینجاست؛ در دعا این کلمه هم اضافه شده: «وَ ذَلَّةٌ». البته فقط این مضمون نیست؛ دعاهای ماه رمضان مثل همه دعاهای دیگر، ما را می‌کشاند به سمت آن سرچشمۀ لطیف مطبوع گوارای رحمت الهی.

این ماه، ماه خشوع است، ماه استغفار است، ماه تقواست، ماه بازگشت به خداست، ماه خودسازی است، ماه اخلاق است. در خطبه جمعه آخر ماه شعبان رسول مکرم، فقراتی هست که نشان‌دهنده این است که این ماه فقط ماه عبادت نیست، ماه اخلاق هم هست؛ فraigیری فضایل اخلاقی و به کار گرفتن فضایل اخلاقی. اینها چیزهایی است که ما در این ماه بایستی توجه کنیم.^۱

نقش شهدا در تقویت روحیه ملت ایران

امروز هم شهدا در حال تقویت روحیه ملت
ایران‌اند. همین چند روز قبل از این، ۲۷۰ شهید
وارد تهران شدند و شما دیدید چه حادثه‌ای
درست شد؛ چه شوری، چه هیجانی! نقطه مقابل
دلسردی‌ها، نقطه مقابل نومیدی‌ها، نقطه مقابل
رکود و رکون‌ها؛ (ستون) تحرّک، آمادگی، شوق،
عشق، آرمان‌گرایی؛ این کار شهداست.^۲

دعا اکسیر منقلب کننده دل‌ها

برای ورود در بهشت ذکر و انس و شوق،
بهترین وسیله دعا‌هایی است که در این ماه وارد
شده؛ چه دعا‌هایی که مخصوص این ماه است، چه
دواهایی که در همه اوقات حساس می‌شود آنها را
خواند، مثل مناجات شعبانیه، مثل دعا‌های صحیفه
سجادیه؛ استفاده از اینها خیلی با ارزش است.
 «وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا
 نَادَيْتُكَ، وَاقْبِلْ عَلَى إِذَا نَاجَيْتُكَ»؛ (مناجات شعبانیه) اینها
 را دل‌های لطیف شما با حضور بیشتری، با توجه
 بیشتری می‌تواند بیان کند. «فَقَدْ هَرَبَتُ إِلَيْكَ وَ
 وَقَفَتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»؛ اینها تعبیراتی است، کلماتی است
 که از لطیف‌ترین دل‌ها و فصیح‌ترین زبان‌ها صادر
 شده. چه کسی باید اینها را تلقی کند، درک کند،
 استفاده کند، بهتر از شما، بهتر از این دل‌های پاک و
 لطیف. از دعا در این ماه غفلت نکنید. در دعای
 مناجات شعبانیه، «هَبْ لِي قَلْبًا يَدِنِيهِ مِنْكَ شَوْقًا وَ
 لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَةً وَ نَظَارًا يَقْرِئُهُ مِنْكَ حَقَّهُ»؛
 این دلی که شوق او، او را ارتفاع بینشد، بالا برد،

نزدیک به ذات ریوبی بکند، این را از خدا انسان طلب می‌کند. خب! کدام دل آماده‌تر است از آن دل حسّاس و لطیف؟ که خب بحمدالله در شما این هست.

در دعای ابی حمزهٔ ثمالی: «بِكَ عَرَفْتُكَ وَ أَنْتَ دَلَّلتَنِي عَلَيْكَ وَ دَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَ لَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ ما أَنْتَ»؛ این ارتباط لطیف معنوی با حضرت حق، با مبدأ محبت و عزّت؛ اینها خیلی با ارزش است، اینها خیلی مهم است؛ اینها دل‌هایی را که دارای حسّاسیت‌اند حقیقتاً گرم می‌کند، نگه می‌دارد، امید می‌بخشد، برای آنها پناه و تکیه‌گاه می‌شود. من کاری ندارم مرحوم اخوان این شعر را برای چه کسی گفته و برای چه گفته؛ من این شعر را خطاب به صحیفه سجادیه می‌خوانم؛ من این شعر را خطاب به دعای ابی حمزهٔ ثمالی می‌خوانم؛ «ای تکیه‌گاه و پناه زیباترین لحظه‌های پر عصمت و پرشکوهِ تنها‌یی و خلوت من ای شطّ شیرین پر شوکت من». دعا این است. از این دست بر ندارید، از دعا رو برنگردانید؛ دعا خیلی با ارزش

است. دعا همان اكسیری است که می‌تواند دل‌هایی را که آلوده نامیدی، آمیخته به بدینی، یا آلوده به احساسات غلط هستند، منقلب کند، به راه راست هدایت کند؛ دعا یک‌چنین چیزی است. از این شب‌ها استفاده کنید، شما شایسته‌ترین کسانی هستید که می‌توانید دعا بخوانید و از دعا بهره واقعی ببرید، استفاده کنید. البته الفاظ دعا را خواندن، یک مرحله نازلی از دعا خواندن است - که همین الفاظ را انسان بخواند و معنایش را هم درست نفهمد، یا ظاهری از معنا را بفهمد - اما با دعا آمیخته شدن، با آن مضامین آمیخته شدن و در آنها فرو رفتن، خیلی با ارزش است.^۵

راههای کسب اعتلای روحی

عزیزان! ماه رمضان، فصل معنویت، بهار معنویت، بهار صفا تمام شد؛ روزهای آخر ماه رمضان را می‌گذرانیم. اگر سرزمین حاصلخیز دلهای شما و جانهای پاک شما ان شاء الله تحت تأثیر باران لطیف رحمت و لطف الهی در این ماه قرار گرفته باشد، در آینده میوه‌های خودش را خواهد داد. البته برای جوان‌ها فصل رویش معنوی هیچ وقت تمام نمی‌شود؛ بله، ماه رمضان ویژگی‌ای دارد، اختصاصی دارد، لکن رویش معنویت در جوان‌ها همیشه امکان‌پذیر است. جوان‌ها مکرّر از من سوال می‌کنند – در نامه‌ها و همین وسایل ارتباطی که وجود دارد – و در مورد معنویت و تعالی روحی و مانند اینها نصیحت می‌خواهند؛ خب! کسانی هم هستند، بساط ارشاد و این چیزها را هم پهن می‌کنند؛ همه اینها مورد اعتماد نیستند؛ بعضی‌هایشان دکان‌دارند، به اینها نمی‌شود اعتماد کرد. آن چیزی که من از بزرگان شنیدم و به شما عرض می‌کنم، یک کلمه است؛ مهم‌ترین کار برای

اعتلای معنوی و روحی، پرهیز از گناه است؛ این مهم‌ترین کار است. سعی کنید از گناه پرهیز کنید. گناه‌ها هم مختلف‌اند؛ هم گناه زیان هست، هم گناه‌های مربوط به چشم هست، هم گناه‌های مربوط به دست هست، انواع گناهان هست؛ گناه‌ها را بشناسید، خودتان را مراقبت کنید. تقوا! تقوا یعنی همین؛ تقوا یعنی مراقبت. در یک جاده خطرناک وقتی دارید حرکت می‌کنید، دقیق مراقبید، این تقوا است؛ مراقبت کنید، از گناه پرهیز کنید؛ این مهم‌ترین راه اعتلای معنوی است. البته بلافاصله بعد از این، انجام فرائض است؛ در میان فرائض هم از همه مهم‌تر نماز است؛ نماز اوّل وقت، با حضور قلب. حضور قلب یعنی اینکه شما وقتی نماز می‌خوانید، بدانید دارید با کسی حرف می‌زنید، مخاطب دارید. توجه به این داشته باشید. گاهی هم حواس انسان پرت می‌شود؛ عیوبی ندارد، به مجرد اینکه باز حواس انسان جمع شد، همان حالت و احساس داشتن مخاطب را در خودش احیاء کند و زنده نگه دارد؛ این حضور قلب است.

نماز با حضور قلب، نماز اوّل وقت، حتی المقدور
نماز به جماعت، اين چيزها را رعایت کنید، شما
اعتلای روحی پیدا خواهید کرد، فرشته خواهید
شد، از فرشته بالاتر خواهید شد؛ اين را شما
بدانيد. شما جوانيد، دلهايتان پاک است،
روحهايتان پاک است، آلدگی نداريد یا خيلي کم
داريد؛ به سن ما که انسان برسد مشکلاتش خيلي
زياد می شود؛ بنابراین اگر اين را رعایت بکنيد،
هیچ نصیحت دیگری لازم نیست؛ ذکر خاص و
مانند اینها هیچ لزومی ندارد. البته خيلي خوب
است با قرآن مأнос باشيد، هر روز حتماً ولو چند
آيه‌ای قرآن بخوانيد؛ اينها خيلي خوب است. به
^۷ فرائض اهمیت بدھيد.

لزوم بهره‌گیری از پشتوانه نهج‌البلاغه

فرمان حضرت علی‌ابن‌ایطالب علی‌الله‌هیم به مالک، از ذخائر فوق‌العاده فرهنگی است. ... پشتوانه روحی، معنوی و فکری، عامل اصلی حل همه مشکلات است و تأمل و تدبیر در نهج‌البلاغه مولای متقیان، چنین پشتوانه‌ای را فراهم می‌سازد.^۸

خودسازی مسئولان

«توصیه حاکمان اسلامی به تقوای الهی در هر شرایط و موقعیت»، «جدیت کامل در انجام دادن فرائض و سنن و مستحبات»، «نصرت پروردگار در قلب و در زبان و در عمل»، «و مهار کردن نفس در مقابل همه شهوت» ... «مراقبت حریصانه و بخیلانه از نفس برای جلوگیری از انحراف و ضایع شدن آن»، و «ترجیح دادن تکلیف الهی به هر چیز دیگر»، ... از فرامین مهمی است که مولای متقیان در زمینه خودسازی به

مالک اشتر نگاشته‌اند.^۸

نشانه‌های رحمت الهی

و کارنامه قبولی ملت ایران

ماه رمضان امسال به معنای واقعی کلمه، یک ماه مبارک بود؛ برکات الهی بر این ملت فرو بارید و نشانه‌های آن در روزه‌داری روزهای بلند و گرم، در محافل قرآنی گسترده در همه جای کشور، در مجالس عظیم دعا و توسل - که هزاران جوان و پیر و مرد و زن، دست تضرع و دعا بلند می‌کردند، با خدای خود مخلصانه و خاشعانه سخن می‌گفتند - در انفاق‌ها، در افطاری‌های گسترده‌ای که خوشبختانه چند سالی است رواج پیدا کرده است در مساجد، در معابر، در خیابان‌ها، و بالاخره در راه‌پیمایی عظیم روز قدس دیده شد؛ اینها نشانه‌های رحمت الهی است؛ مردم روزه‌داری که شب قبل را به مناسبت احیاء بیست و سوم ماه مبارک رمضان و شب قدر تا صبح بیداری کشیده بودند، در روز گرم تابستان، با زبان روزه در این راه‌پیمایی عظیم شرکت کردند. اینهاست راه درست شناخت ملت ایران؛ این ملت ایران است. این ملت ایران

است که ماه رمضان در محراب عبادت آنجور، و در صحنه مقابله و مبارزه با استکبار اين جور، خود را عرضه می‌کند و نشان می‌دهد. ملت ما را از زبان معرضِ دیگران باید شناخت؛ ملت ما را از خودش، از شعارش، از حرکتش، از اين جلوه‌های عظيم باید شناخت؛ اين است ملت ايران. آنچه دشمن با فضاسازی سعی می‌کند از ملت ايران نشان بدهد و بعضی کج فهم‌ها هم متأسفانه همان را تکرار می‌کنند، انحراف و غلط است. ملت اiran همان ملتی است که ابعاد و اجزاء گوناگون خود را در اين ماه رمضان نشان داد. ان شاء الله امروز، همه‌tan کارنامه قبولی می‌گيريد؛ امروز ان شاء الله به مناسبت عيد، ملت اiran کارنامه قبولی اين عبادات را از منبع لطف و رحمت پروردگار خواهد گرفت؛ ان شاء الله بعضی از شما علاوه بر کارنامه قبولی، جايزيه هم می‌گيريد، درجه هم می‌گيريد، اعتلای معنوی و روحی هم پیدا می‌کنند.^{۱۰}

جنبه‌های فردی حج

حج متعلق به اسلام است، متعلق به امت اسلامی است، ضامن تداوم اسلام است. ... جالب است که حج دو رویه متفاوت و مکمل یکدیگر دارد: یک رویه فردی، یک رویه اجتماعی؛ هر دو را باید رعایت کرد و توجه داشت. رویه فردی حج متعلق به یکایک حجاج است؛ هر کدام از حجاج در این برهه از زمان - این برهه حج و عمره - خود را باید با خدای متعال مرتبط کند، استغفار کند، زاد و توشه برای شخص خود فراهم کند. در آیات کریمه مربوط به حج دارد «وَتَزَوَّدُوا فَانَّ خَيْرَ الرِّادِ التَّقْوَىٰ»؛ (بقره ۱۹۷) «وَبِرَأْيِ خُودِ توشه برگیرید که در حقیقت، بہترین توشه پرهیزکاری است.» تو صیه شده است به تقوا؛ هر کدام از حجاج محترم که این نعمت بزرگ نصیب شان می‌شود، باید به فکر باشند که ظرف خودشان را پُر کنند، کوله‌بار خودشان را پُر کنند «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ» (هود ۳) «وَ اینکه از پروردگار قران آمرزش بخواهید.» استغفار کنند، انا به کنند، دعا کنند، از خدای متعال بخواهند، در مقابل خدای متعال تعهد

کنند برای آینده خود و زندگی خود و فعالیت‌های خود؛ این کار فردی است.

در این رویه فردی حج، هر حاجی درواقع با این حرکت، با این سفر، باید خود را به خدا نزدیک‌تر کند، باید باطن خود را تطهیر کند، باید برای بقیه عمر توشہ بگیرد؛ سرچشمۀ برکات و معنویات برای فرد، در این سفر است، در این اعمال است، در این ایام است؛ حجاج قدر باید بدانند. چیزهایی وجود دارد که فقط در این سفر قابل تحقق است برای فرد؛ مشاهده کعبه عبادت است، طواف دور کعبه عبادت است، نمازخواندن در مسجدالحرام عبادت است، زیارت قبر نبی مکرم عبادت است، عرفات عرصه مناجات با خدا است، مشعر عرصه توجه به پروردگار است، منا همین‌جور؛ از تک‌تک این اعمال، حاجی باید استفاده کند برای تطهیر باطن خود، برای علو درجات خود، برای ذخیره‌سازی خود در تمام طول عمر. این جنبه فردی حج است.^{۱۵}

اهتمام نسبت به جنبه‌های فردی حج

و اجتناب از بازارگردی

يکی از کارهای مهم در حج، همان جنبه‌های شخصی و فردی است. ... تضرع، خشوع، خشیت، دعا. فرصت خوبی است؛ هیچ‌جا مثل مسجدالحرام نمی‌شود؛ هیچ‌جا مثل مسجدالنّبی نمی‌شود؛ این فرصت در اختیار شماست، در اختیار حاجی است. خیلی بی‌سعادتی می‌خواهد که کسانی این را رها کنند بروند در بازار، در این دکان، در آن دکان. حالا فرمودند که جلوی بازارگردی را گرفته‌اند، اما خب! گزارش‌هایی که به من می‌رسد، این است که متأسفانه نه، بعضی از حجاج ما باز گرفتار این بیچارگی هستند: برو در این بازار پهلوی این دکان‌دار، پهلوی آن کاسب - زن یک‌جور، مرد یک‌جور - یک جنس بُنچُلی را به دو برابر قیمت بخر، سوار هوایپما کن بردار بیاور تهران یا فلان شهر دیگر؛ این غلط است؛ خیلی غلط است. مردم ما باید این را توجه کنند که کار غلطی است. خرید را همه‌جا می‌شود کرد، بازار را همه‌جا

می شود رفت، جنس را همه جا می شود خرید، پول را اين جوری همه جا می شود دور ریخت - اين پول دور ریختن است دیگر؛ همه جا می شود پول را انسان دور بريزد - برو سراغ آن کاري که جاهای دیگر نمی شود کرد و آنجا می شود کرد؛ آن، نگاه کردن به کعبه است؛ آن، نماز گزاردن در مسجدالحرام است؛ آن، بوسیدن جای پای پیغمبر است. پیغمبر اکرم در اين شهر راه رفته است، حرف زده است، اين فضا پر از امواج صداینبي مکرم اسلام است؛ حيف نیست انسان در اين فضا تنفس نکند! اين دیگر کجای دنيا پيدا می شود؟ اينها را حجاج ما قدر بدانند، والاً بازار رفتن و گرددش کردن و مانند اينها که خب! همه جاي دنيا می شود اين کارها را انجام داد؛ در تهران هم می شود انجام داد، در اصفهان هم می شود انجام داد، در تبريز هم می شود انجام داد، در مشهد هم می شود! همه جاي دنيا می شود اين کارها را انجام داد. برو سراغ آن کاري که در اين جاها نمی شود انجام داد و مخصوص حج است.^{۱۵}

تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

الزامات پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام

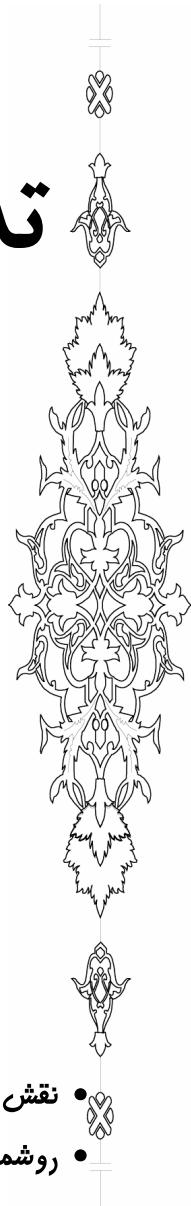
در مورد مجمع جهانی اهل بیت، اهمیت این مجمع انتساب به اهل بیت علیهم السلام است؛ چون خداوند متعال درباره اهل بیت پیغمبر با صراحة تمام در قرآن بیانی دارد که این بیان درباره کمتر مجموعه‌ای در قرآن تکرار شده است و آن این است: «أَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا». (احزاب ۳۳) «خدا فقط می‌خواهد آلوگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» معرف اهل بیت، طهارت آنها و تطهیر الهی نسبت به آنهاست؛ خب! این تطهیر ابعاد زیادی دارد. اگر مجموعه‌ای خود را متسب به اهل بیت علیهم السلام می‌داند، باید لوازمی را ملتزم باشد - این عرض ماست - لوازمی هست که باید به این لوازم ملتزم شد. تلاش ائمه علیهم السلام عبارت بود از مجاهدت در این چند هدف: اولاً زنده نگه داشتن معارف حقّه اسلامی، اصول و مبانی اسلامی؛ اینها را زنده نگه دارد. سعی حکومت‌های ظالم و طواغیت امت این

بوده است که معارف اسلامی را یا نابود کنند یا قلب بکنند، عوض کنند، تحریف کنند. یکی از مهم‌ترین رشته‌های حرکات ائمّه علیهم السلام ایستادگی در مقابل این بوده؛ حفظ معارف اسلامی، احیاء معارف اسلامی.

یکی از کارهای دیگر ائمّه علیهم السلام اقامه احکام الهی بوده است. سعی در اقامه احکام الهی؛ چه در زمانی که حکومت دستشان بود، چه آن زمانی که از حکومت و از قدرت برکنار بودند. تلاششان مصروف بود برای اینکه بتوانند احکام الهی را در جامعه محقق کنند. یک کار دیگر ائمّه علیهم السلام مجاهدت فی سبیل الله بود که شما در زیارت ائمّه می‌خوانید: «أَشْهَدُ أَنِّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقًّا جِهَادِهِ»؛ حقّ جهاد؛ یعنی هیچ کم نگذاشته‌اند در مجاهدت در راه خدا؛ با همه وجود، با همه توان، با همه ظرفیت در راه خدا مجاهدت کردند.

یک بخش مهم از این مجاهدت که خود یک سرفصل جداگانه‌ای است، مبارزه با ظلم و مبارزه با ظالم بوده است. زندگی ائمّه علیهم السلام سر تا پا

عبارة است از مبارزة با ظلم، مبارزة با ظلم.
 علت آن فشارها و مسموم شدنها و شهید شدنها
 و مانند اينها هم همه‌اش همين بوده است؛ چون
 با ظلم و ظالم مبارزه می‌کردند. اين زندگی ائمه
 است. ما حالا می‌خواهيم پیروان اهل‌بیت باشیم؛
 باید این چيزها را رعایت کنیم. بایستی معارف
 اسلامی را ترویج کنیم؛ بایستی اقامه احکام الهی را
 جزو اهداف خودمان بدانیم؛ باید در راه خدا با
 همه وجود مجاهدت کنیم؛ باید با ظلم بجنگیم، با
 ظالم بجنگیم، مبارزه کنیم؛ این وظیفه ماست. خب!
 مجاهدت فقط جنگ نظامی نیست؛ مجاهدت اعم
 است از انواع مبارزات، از مبارزات فرهنگی گرفته
 تا مبارزات سیاسی تا مبارزات اقتصادی؛ اينها همه
 داخل در عنوان مجاهدت است. ذهن فقط نرود به
 جنگ نظامی؛ يك وقتی هم ممکن است در
 يك جایی جنگ نظامی پیش بیايد لكن همه
 مجاهدت آن نیست.^{۱۴}



تدابیر آموزشی

- نقش مرتبان و اساتید
- روشنمندی و پویایی علمی و آموزشی

نقش مربّیان و اساتید

نقش استاد در تعلیم و تربیت

استاد فقط به معنای معلم نیست، بلکه به معنای مربّی نیز هست؛ این یک راز طبیعی مکشوف برای همه است. کسی که ما از او چیزی یاد می‌گیریم بابی از دانش را به روی ما باز می‌کند،

به طور طبیعی یک نفوذی در قلب ما و روح ما ایجاد می‌کند؛ می‌توانیم بگوییم یک حالت تأثیرپذیری در متعلم ایجاد می‌شود به برکت همین تعلیم؛ این یک فرصت بسیار بزرگ و استثنائی است. جوان‌هایی که حاضر نیستند از نصیحت پدر و پدربزرگ و مادر و خانواده چیزی به گوش و به دل بگیرند و در عین حال یک حرف استاد و یک اشاره استاد در آنها یک اثر عمیق می‌گذارد، کم نیستند. استاد این جور است. به طور طبیعی تعلیم با امکان تربیت همراه است؛ از این فرصت باید استفاده کرد. اگر استاد ما متدين باشد، دارای غیرت ملی باشد، دارای انگیزه انقلابی باشد، دارای روحیه سخت‌کوشی باشد، به طور طبیعی اینها به متعلم منتقل می‌شود. اگر عکس اینها هم باشد، همین‌جور. اگر آن استاد، یک انسان با انصاف و با اخلاق باشد، امکان تربیت دانشجوی با انصاف و با اخلاق بالا خواهد رفت؛ عکسش هم همین‌جور است.^۶

رسالت فرماندهان در برابر افسران جنگ نرم

امروز کشور به جوان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُرقدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام، اعتماد به نفس، اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»، امید به آینده، افق‌های آینده را روشن و درخشنان دیدن، روح استغناء – نه به معنای اعراض از فraigیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمی‌کنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلدند – روحیه استغناء از تأثیرگذاری، تحمیل و سوءاستفاده از انتقال دانش که امروز در دنیای دانشمند که دنیای قدرت استکباری است این معنا رایج است – این روحیه استغناء باید در جوان وجود داشته باشد – روحیه فهم درست از موقعیت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برسیم و چگونه می‌توانیم این راه را طی کنیم ... قاطع بودن در برابر دستاندازی، تجاوز و خدشه‌دار کردن استقلال ملّی؛ ما به جوان‌هایی با

یک چنین روحیه‌هایی نیاز داریم. این روحیه‌ها را، این امتیازات را استادها می‌توانند در نسل جوان مشغول تحصیل و علم آموز کشور، القا کنند و تزریق کنند و به وجود بیاورند؛ استاد این است؛ البته با روش، با منش، نه با درس اخلاق. توصیه نمی‌کنم که اساتید علمی، کلاس اخلاق بگذارند برای دانشجو؛ این یک کار دیگری است. اساتید ما با رفتار خودشان، با اظهارات خودشان، با منش خودشان، با اظهار عقیده‌هایی که در زمینه‌های مختلف می‌کنند، می‌توانند این تأثیرات را در دانشجوی خود، در جوان امروز القا کنند و به وجود بیاورند و خلق کنند. اینکه ما گفتم اساتید فرماندهان جنگ نرم‌اند، این به این معناست. اگر آن جوان - همچنان‌که ما عرض کردیم - افسر جوان جنگ نرم است، استاد، فرمانده اوست و این فرماندهی به این صورت است.

در جنگ‌های سخت هم همین جور بود: هر وقت خود فرمانده - فرمانده گردان، فرمانده گروهان، فرمانده تیپ - در وسط میدان در نقطه حساس حضور داشت، یعنی خود او اگر چنانچه می‌جنگید،

تأثیر فوق العاده‌ای در سربازان هم داشت.

مخصوصاً ما هم نیست، دیگران هم همین جور هستند. ناپلئون پهلوی سربازهای خودش با لباس روی خاک می‌خوابید. راز پیشرفت‌های جنگی ناپلئون در دوران خودش که یک چیز فوق العاده‌ای است، این است: سربازها از او فقط به زبان دستور نمی‌گرفتند، در عمل دستور می‌گرفتند. جوان‌های ما هم در دوران دفاع هشت‌ساله همین جور عمل کردند؛ فرمانده لشکر، گاهی اوقات جلوتر از عناصر عادی در میدان جنگ حضور داشت؛ در خطوط مقدم حضور داشت و حتی گاهی به شناسایی می‌رفت؛ خود فرمانده لشکر می‌رفت شناسایی! که این در ارتش‌های دنیا یک چیز بی‌معنی و غیر قابل قبولی است، اما این اتفاق افتاد و همین بود که پیشرفت‌ها و شگفتی‌های عظیم دوره دفاع مقدس را به وجود آورد. در جنگ نرم هم همین جور است. استاد خودش باید وسط میدان این مبارزه عمیق، حیاتی و مقدس - یعنی همین چیزی که اسمش را می‌گذاریم «جنگ نرم» که این هم یک دفاع مقدسی است - حضور داشته باشد.^۶

لزوم قدرشناسی مسئولان از اعضای هیئت علمی

امروز ما در حدود هفتاد هزار عضو هیئت علمی در کشور داریم که این مایه افتخار است. ... خوشبختانه بخشن عظیمی از این نیروی بزرگ و گسترده، انسان‌های مؤمن، متدين، مذهبی، انقلابی و معتقد به مبانی دین و انقلاب‌اند؛ این هم چیز بسیار مهمی است؛ این هم یک پدیده‌ای است. باید عناصر مؤمن و انقلابی در هیئت‌های علمی، قدر دانسته شوند. این را من خطاب به مدیران عزیzman، به مسئولین وزارت آموزش عالی و وزارت بهداشت و آموزش پزشکی می‌گوییم: قدر بدانید! وزرای محترم و هیئت‌های مدیره وزارتخانه‌ها، باید از حضور این اساتید مؤمن و اساتید پایبند به ارزش‌های دینی که ایستاده‌اند پای حرف حق خودشان و از این هجمه‌های تبلیغاتی و موذیگری‌های زیرزیرانه – که از خیلی از آنها هم ما مطلعیم! – نهراشیدند و عقب ننشستند، قدردانی کنند. مدیران محترم! عناصر مؤمن و اساتید مؤمن را در دانشگاه‌ها ارج بنهید.

این مطلب اول راجع به اهمیت استاد. من اگر می‌توانستم با همه این هفتاد هزار استاد عزیز در کشور دیدار کنم، حتماً این کار را می‌کردم، و اگر می‌توانستم از یکایک آنها سخنی بشنوم حتماً می‌شنیدم؛ متنها خب! معلوم است که دست ما کوتاه است و این خرمای شیرین و ارزشمند بر

۶

نخیلی بلند. (مصرعی از حافظ: «دست ما کوتاه و خرما بر نخیل»).

نقش اساتید و وزارت علوم

در رساندن کشور به جایگاه تمدنی

هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند
این کشور و این ملت به جایگاه شایسته خودش،
آن جایگاه تمدنی، برسد؛ چون احساس کرده‌اند که
این حرکت در کشور آغاز شده؛ تحریم‌ها به‌خاطر
این است. بله، بندۀ هم عقیده‌ام این است که هدف
تحریم‌ها مسئله هسته‌ای فقط نیست، مسئله حقوق
بشر هم نیست، مسئله تروریسم هم نیست. گفتند
چرا فلانی برای روضه علی‌اصغر که روضه‌خوان
خواند، گریه نکرد؟ گفت آن بندۀ خدا خودش صد
علی‌اصغر سر بریده؛ این برای روضه علی‌اصغر
گریه می‌کند؟ اینها خودشان تروریست‌پرورند، اینها
خودشان ضد حقوق بشرند؛ اینها دنبال این هستند
که برای حقوق بشر به یک کشوری فشار بیاورند؟
مسئله این نیست؛ مسئله یک محاسبه بسیار بالاتر
و فراتر از این حرف‌هاست؛ یعنی یک ملتی، یک
حرکتی، یک هویتی به وجود آمده است مبنی بر
منابعی و مبادی‌ای درست نقطه مقابل مبادی نظام

استکبار و نظام ظلم و انظام؛ نمی‌خواهند این به جایی برسد؛ ما در یک‌چنین موقعیتی هستیم؛ ما در یک‌چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم. تحریم‌ها هم البته زحمت‌هایی ایجاد می‌کند اما می‌تواند مانع پیشرفت نشود؛ باید از ظرفیت‌هاییمان استفاده کنیم. و شما اساتید در این زمینه نقش دارید؛ و وزارت علوم و وزارت‌های مربوط به مسئله دانش، نقش‌های اساسی و مهمی دارند؛ این نقش‌ها را قدر بدانید و دنبال کنید و انساء‌الله از خدای متعال هم کمک بخواهید. این آیه شریفه را هم که دوستان خواندند - «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يَبْتَلِي أَقْدَامَكُمْ» - (محمد ۷) «اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.» این وعده بی‌تخلّف الهی است.^۶

تقویت هیئت علمی با اساتید ارزشی

در جمع استادان دانشگاه که اینجا تشریف داشتند گفتم؛ (۱۳۹۴/۴/۱۳) اوایل انقلاب، یک روزی بود که همه اعضای هیئت علمی ما در سراسر کشور حدود چهار پنج هزار نفر تخمین زده می‌شد که امروز خوشبختانه نزدیک به هشتاد هزار نفر یا بیشتر، اعضای هیئت علمی ما هستند. اکثر این هشتاد هزار نفر، بچه‌های مسلمان و انقلابی و علاقه‌مند و خوب‌اند. البته بعضی هم هستند بی‌تفاوت‌اند - این را هم در همین دانشگاه خودمان داریم؛ بی‌اطلاع هم نیستیم - آدم‌هایی را هم داشتیم که حالا امیدوارم دیگر نباشند که دانشجوهای زیده را نشان می‌کردند، اینها را می‌خواستند، تشویق می‌کردند به مهاجرت از کشور؛ می‌گفتند آقا! اینجا مانده‌ای چه کار کنی؟ اینجا چه فایده دارد؟ برو. یعنی استاد، دانشجو را به جای اینکه تشویق کند که در کشور بماند، تشویق می‌کرد که از کشور مهاجرت کند برو؛ از اینها هم داریم، اما خب! اینها اقیّت‌اند؛ اکثراً اساتید ارزشی، اساتید مؤمن؛ هم در وزارت علوم، هم در وزارت آموزش پزشکی همین‌جور است، عناصر بسیار خوبی هستند؛ از اینها استفاده کنید.^۷

روشمندی و پویایی علمی و آموزشی

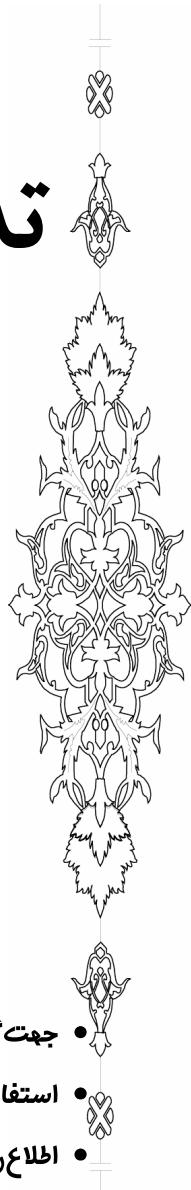
ضرورت انتظام بخشی

به مسائل کلان وزارت علوم

مسئله افزایش تعداد دانشجو در دوره های تحصیلات تکمیلی است - که خوشبختانه در این چند سال اخیر افزایش چشمگیری پیدا کرده و این یک مزیت بسیار فوق العاده ای است - متنها بايستی برنامه ریزی صحیحی نسبت به خروجی این پدیده مهم انجام بگیرد. در دوره های تحصیلات تکمیلی، دانشجویان دنبال این هستند که یک چیزی را تحقیق کنند، یک چیزی را بنویسند، رساله ای را تهیه کنند؛ این احتیاج دارد به یک نظام، احتیاج دارد به یک نگرش کلان، به یک هدایت کلی که چه تهیه بشود که کشور بتواند از آن استفاده بکند. اگر چنانچه این نشد، ما منابع را هدر داده ایم؛ هم استاد را، هم دانشجو را، هم پول را، هم مدیریت را، هم امکانات گوناگون دیگر را هدر داده ایم. این نگاه های کلان، این برنامه ریزی های کلان، این انتظام بخشیدن های کلان به مسائل مربوط به

وزارت علوم، کارهای اساسی است که بایستی انجام بگیرد و گرههای کشور ان شاء الله از این طریق باز بشود.

کاری که شما اساتید می‌کنید کار مهمی است. کاری که دستگاه مدیریت علمی کشور انجام می‌دهد - که عمدتاً وزارت‌ها هستند و معاونت علمی رئیس‌جمهور - کار مهمی است؛ این کار را اهمیت بدنهند؛ آن تقویم و ارزیابی حقیقی نسبت به این انجام بگیرد؛ بدانیم که چه کار مهمی دارد انجام می‌گیرد.^۶



تدابیر فرهنگی و هنری

- جهت‌گیری فعالیتهای هنری و تبلیغی
- استفاده از روش‌های هنرمندانه
- اطلاع‌رسانی و تبیین
- مقابله با تهاجم فرهنگی

جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

مسئولیت‌آوری شعر اثرگذار

خب! شعر یک عنصر اثرگذار است، اثرگذاری آن هم در مجموعه عوامل کلامی یک اثرگذاری مضاعفی است؛ یعنی هیچ سخنی، هرچه فصیح، هرچه زیبا، هرچه پرمغز، اگر شعر نباشد این اثر را ندارد؛ شعر یک‌چنین دستگاهی است، یک‌چنین عنصری است. شعر نقش برانگیزاننده دارد، در جایی که جای برانگیختن است؛ نقش راهنمای دارد، نقش خط دهنده دارد، نقش جهت دهنده دارد به مستمع و به کسی که شعر را برای خودش می‌خواند؛ خب! این می‌شود مسئولیت‌آور. وقتی شما یک ثروتی، یک امکانی در اختیار دارید که از آن می‌توان برای کارهای بزرگ استفاده کرد، اگر استفاده نکردید، خلاف مسئولیت عمل کردید، خلاف تعهد رفتار کردید. این مسئولیت‌آور است. حالا خدای متعال این نعمت را به شما داده امّا مثل همه نعمت‌ها از نعمت سؤال خواهد شد، از عطای الهی سؤال خواهد شد. از شما سؤال خواهد شد که با این نعمت چه کردید؟^۰.

نقش شعر در هدایت یا گمراهی مخاطب

می‌توان با ابزار شعر مخاطب را به راه راست و صراط مستقیم هدایت کرد؛ می‌توان هم او را به کچ راهه برد، او را ساقط کرد. شعر می‌تواند انسان‌ها را به حضیض ببرد؛ داریم از این جور شعر، به خصوص امروز که متأسفانه فرهنگ لجام‌گسیخته دور از هنجارهای اخلاقی و انسانی به‌وسیله این ابزارهای جدید - ابزارهای رسانه‌ای جدید - انتشار فراوانی پیدا می‌کند، گاهی شعر می‌شود یک ابزاری برای لغزیدن، غلتیدن و منحرف شدن؛ این هم آن‌طرف قضیه است. بنابراین هر دو کار از شعر بر می‌آید. شاعر با احساس لطیف خود، هم ادراک می‌کند، هم بر سرِ شوق می‌آید، هم دلتنگ می‌شود، و می‌سراید؛ این سراییدن شاعر ناشی از شوق است، ناشی از دلتنگی است، ناشی از احساس و ادراک و مشاهده یک چیزی است که دیگران آن را مشاهده نمی‌کنند. خب! این دو طرف دارد: می‌تواند جهت‌دهنده به سمت نیکی‌ها باشد، می‌تواند عکس آن باشد. اگر شعر به صورت افراطی تحت تأثیر غریزه جنسی قرار گرفت - که متأسفانه بعضی از دست‌ها

امروز در کشور ما دارند شعر را به این سمت می‌کشانند، بهزور می‌برند، بعد از آنکه جوان‌های ما در فضاهای باصفا و لطیف و بسیار زیبای معنوی و حماسی و انقلابی حرکت کردند، الان دست‌هایی شروع کردند، در جاهای مختلف؛ از جمله بیشتر از همه در فضای مجازی؛ حالا طرق دیگر به جای خود، از طریق شعر هم جوان‌ها را به سمت غریزه‌گرایی جنسی افراطی بکشانند و ببرند - این بسیار چیز بدی است، این زنگ خطری است. گاهی این است، گاهی نفع‌طلبی شخصی است و گاهی ستم‌ستایی است، که متأسفانه در تاریخ ما این معنا سابقه زیاد دارد، ستایش ستم و ستمگر.

امروز نقطه مقابلش را ما در مقابل داریم، الحمد لله، خوشبختانه دیدم چند نفر از این شعرای جوان عزیز ما در مقابل آن ایستاده‌اند؛ قبلًا هم شعرهایی در مورد یمن - شعر آفای سیار(محمد مهدی سیار) - و شعرهای دیگر را شنیده‌ام، خوانده‌ام، بسیار خوب است، اینهایی که گفته‌اید، اینهایی که امشب هم دوستان خواندنده، خیلی خوب بود؛ اینها درست است، این درست است، این آن کارِ صحیح است،

این آن تعهدی است که خدای متعال سؤال خواهد کرد. یکی از فقرات دعای مکارم الاخلاق این است: «وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلْنِي غَدَّاً عَنْهُ»، (صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق) به فکر این باید بود؛ فردا یک چیزهایی را از ما سؤال می‌کنند؛ می‌گوید خدای آن چیزی را که فردا بناست از من سؤال کنی، امروز وسیله پرداختن به آن را و عمل به آن را در اختیار من قرار بده. خب! حالا شما وسیله‌اش را دارید، ممکن است کسانی دلشان پر باشد نتوانند بگویند، شما الحمد لله می‌توانید بگویید؛ بگویید، اثر هم دارد. این شعری که شما برای بحرین می‌گویید، یا برای یمن می‌گویید، یا برای لبنان می‌گویید، یا برای غزه می‌گویید، برای فلسطین می‌گویید، برای سوریه می‌گویید، هر شعری که شما برای اهداف امّت اسلامی می‌گویید، در هر نقطه‌ای این شعر کاربرد دارد و از آن استفاده می‌شود. این شعر اگرچنانچه در این جهت‌ها به راه بیفتند، آن وقت «انَّ مِنَ الشِّعْرِ لِحِكْمَةٍ» (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۹) درباره شعر شما صدق می‌کند، که حتماً^۵ شعر حکمت است.

عدم بى طرفی شاعر در جنگ حق و باطل

بى طرفی در دعواهای حق و باطل معنی ندارد. يك وقت دعواهای مشتبهی است، آن بحث دیگری است، وقتی که حقی هست و باطلی، اينجا بى طرفی معنا ندارد؛ باید طرف حق بود، مقابل باطل ایستاد؛ حالا يکی می تواند به شکل نظامی بايستد، يکی به شکل سیاسی بايستد؛ به آشکال مختلف می شود ایستاد، يک نفر هم با زبان، با بيان، با اندیشه می تواند بايستد؛ باید ایستاد. شاعر نمی تواند در جنگ حق و باطل بى طرف باشد. اگرچنانچه شاعر، هنرمند بى طرف بود، تضییع نعمت خدا را کرده؛ اگر خدای نکرده طرف باطل را گرفت، آنوقت خیانت کرده، جنایت کرده؛ بحث اهمال دیگر نیست، بحث جنایت است. خب! شما ملتتان مظلومیت‌های زیادی در این سال‌های متمادی داشته، این مظلومیت‌ها گفتن دارد، این برای دنیا منعکس شدن دارد.

سردشت را در سال ۶۶ بمباران کردند – مال همین روزها است دیگر – شوخي است؟ يك شهر را بمباران شيميايی بكنند، هزاران نفر را در يك شهر – بچه، بزرگ، پير، جوان، زن، مرد – نابود کنند و دنيا سکوت کند! دنيا يک گاهي افتادن يك گربه در چاه برايش می شود به عنوان که مسئله‌ای که در خبرگزاری‌ها و در روزنامه‌ها و در تلویزیون‌ها منعکس می شود که بله يك گربه‌ای يا يك مثلاً

روباھی در چاه افتاده بود، فلان دستگاه، فلان دستگاه، فلان دستگاه جمع شدند که این را زنده بیاورند بیرون، یا یک حیوان آبی به ساحل افتاده دارد جان می‌دهد، این را یک‌جوری برگرداند به آب، برای این چیزها دنیا آن جنجال‌ها را به راه می‌اندازد، آنوقت برای کشتار شیمیایی یک شهر این دنیا ساکت می‌ماند! دنیا که می‌گوییم منظورم ملت‌ها نیستند، ملت‌ها وسیله‌ای ندارند، ابزاری ندارند، منظورم قدرت‌های مسلط بر دستگاه‌های تبلیغاتی دنیای‌اند، فارسی‌اش می‌شود آمریکا، انگلیس، نیروهای غربی مسلط، نیروی صهیونیستی. اینها هستند که بر فضای تبلیغاتی دنیا مسلط‌اند، نمی‌گذارند آب از آب تکان بخورد. الآن دارند یمن را آن‌جور می‌کوبند - شب و روز - هیچ صدایی در نمی‌آید، غزه را دیروز می‌کوبیدند، چندی قبلش لبنان را می‌کوبیدند، صدایی از کسی در نمی‌آید؛ حالا فرض کنید دو تا قاچاقچی یک جا محاکمه بشوند، اعدام بشوند، جنجال تبلیغاتی درست می‌شود؛ خب! دنیا این است، در مقابل این دنیا باید چه کار کرد؟ یک انسان باشرف در مقابل یک چنین جبهه‌گیری‌ای، در مقابل یک چنین وقاحتی، در مقابل یک چنین خباثتی چه می‌کند، با قطع نظر از انگیزه دینی و وظيفة ایمانی؛ شرف انسان، وجود انسان، انسانیت انسان چه حکم می‌کند؟ اینها همه بارهایی است بر دوش.^۵

لزوم کار و تلاش برای ارتقاء سطح شعر

من البته از پیشرفت شعر در کشور در دوران بعد از انقلاب خیلی راضی‌ام و واقعاً خیلی خوب شده. این جوان‌هایی که امروز شعر می‌خوانند، با جوان‌هایی که حالا ده سال قبل شعر می‌خوانند، خیلی تفاوت‌های آشکار و بینی دارند، یعنی واقعاً پیشرفت شده، شعر خیلی خوب است؛ متنها ظرفیت شعر در کشور ما خیلی بیش از اینهاست؛ خیلی بیش از اینهاست. شما نگاه کنید الان ببیند این دختر خانم (خانم معصومه فراهانی، در این جلسه شعری قرائت کرده بود). دانش‌آموز است – شنیدم «شهرستان ادب» فعالیت‌های دانش‌آموزی راه انداده، افراد را جمع می‌کند – (اشارة به برگزاری کارگاه‌های شعر و داستان‌نویسی از سوی مؤسسه فرهنگی – هنری شهرستان ادب) دانش‌آموزهای ما، جوان‌های ما، نوجوان‌های ما، دختر ما، پسر ما، شعر می‌گویند آن هم به این خوبی، با این مضامین خوب، با این تخیل قوى، این خیلی خوب است؛ البته بنده عرض بکنم سطح عمومی شعر امروز ما به سطح عمومی شعر

متناسب با ایران هنوز نرسیده؛ یعنی ما دوره‌هایی -
که از ما خیلی هم دور نیستند - داشتیم که سطح
عمومی شعر، یعنی با توجه به آن اوج‌هایی که
وجود داشته، از سطح فعلی ما بالاتر بوده است.
خب! بر جستگانی داشتیم، شعرایی داشتیم، چه در
قصیده، چه در غزل، در سبک‌های مختلف، آنها را
باید داشته باشیم تا این سطح بالا برود؛ این کار
می‌خواهد، این تلاش می‌خواهد.^۵

واکنش سریع شاعرانیت به حوادث

از جمله کارهایی که خیلی خوب است در کشور ما که بحمدالله در این جلسه [دیدار شاعران] هم آثارش دیده شد و قبلًا هم دیده شد و من خیلی از این راضی هستم، واکنش سریعی است که شعرای جوان ما به حوادث نشان می‌دهند، این خیلی با ارزش است، این خیلی خوب است. مبادا کسی خیال کند که این چیز منفی است؛ نه، این بسیار مثبت است. ما در طول تاریخ و در زمان معاصر نزدیک به خودمان هم داشتیم مواردی را که همین واکنش‌های سریع بهترین آثار را به وجود آورده. وقتی که آن هواپیمای اسرائیلی را آن دختر ربود، مرحوم امیری فیروزکوهی قصیده‌ای گفت حالا امیری فیروزکوهی، دوستانی که ایشان را می‌شناسند می‌دانند، خب! ایشان جوان و انقلابی و مانند اینها که نبود اما روی آن احساسی که پیدا کرد، یک قصيدة زیبا و عالی همان وقت - سال چهل و چند - گفت، متناسب با موقع، متناسب با زمان؛ «آنجا غزاله‌ای...»، حالا خیلی از ابیاتش را

یادم نیست، آنوقتها خیلی از بیتهاش را بلد بودیم؛ من از خود ایشان شنیده بودم.(اشاره به قصيدة «آنجا غزالهای بین خورشید در جبالش / عزمش ز هفت مردان، رزمش به هفت میدان» که امیری فیروزکوهی درباره «شادیه ابوغازله» سروده است. لیلا خالد – که نام سازمانی او همنام اولین شبیده فلسطینی «شادیه ابوغازله» بود – از اعضاي جبهه خلق برای آزادی فلسطین بود که در سال ۱۳۶۹(۱۹۶۹ هجری شمسی) به تصور حضور اسحاق رایین در هوایپیمای مسیر رم به آتن، این هوایپیما را ربود و آن را در فرودگاه دمشق بر زمین نشاند). علی‌ای حال، این خیلی خوب است، اینکه به حوادث واکنش سریع نشان داده بشود و تبیین بشود، این بسیار خوب است.^۵

ضرورت حضور شعر انقلاب

در خدمت اهداف انقلاب

امیدواریم انشاء الله روزبه روز شعر انقلاب رتبه و رفعت بیشتری پیدا کند. البته مقصود من از شعر انقلاب، شعری نیست که در دوران انقلاب گفته می‌شود ولو ضد انقلاب، این مراد از شعر انقلاب نیست. بعضی‌ها خیال می‌کنند شعر جنگ آن شعری است که درباره جنگ گفته شده است ولو ضد جنگ! این شعر جنگ نیست، این شعر ضد جنگ است. شعر انقلاب یعنی آن شعری که در خدمت هدف‌های انقلاب است؛ این شعر انقلاب است، نه شعر دوران انقلاب؛ این منظورم نیست. منظورم از شعر انقلاب شعری است که در خدمت اهداف انقلاب است. در خدمت عدالت، در خدمت انسانیت، در خدمت دین، در خدمت وحدت، در خدمت رفعت ملی، در خدمت پیشرفت همه‌جانبه کشور، در خدمت انسان‌سازی به معنای واقعی کلمه در کشور؛ این می‌شود شعر انقلاب که در جهت اهداف انقلاب است.^۵

مسئولیت دستگاه‌ها در قدرشناسی از شعر

ما از لحاظ گسترهٔ خیلی وسیع‌یم، بایستی سعی کنیم همین گسترهٔ وسیع را پیش ببریم و این کار لازم دارد. البته حوزهٔ هنری مسئولیت دارد، دستگاه‌های مختلف دیگر هم مسئولیت دارند، دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مربوط به نظام و مانند اینها هم – صداوسیما و دیگران – همهٔ وظیفه دارند. شعر را بایستی ارج نهاد، شعر خیلی پدیدهٔ بزرگی است، پدیدهٔ مهمی است. من می‌بینم که در نظام ما، در کشور ما، آن کسانی که باید این حقیقت را بفهمند، کأنه بعضی‌شان – حالا همه را نمی‌گوییم – درست به عمق اهمیت شعر پی نبرند، اصلاً شعر را قدرشناسی نکردند؛ «ما قَدَرُوا الشِّعْرَ حَقَّ قَدْرِهِ»؛ درست نتوانستند واقعاً قدر شعر را بفهمند. شعر خیلی تأثیر عجیبی دارد، گاهی اوقات یک بیت شعر یا حالا یک غزل مثلاً یا یک قطعهٔ شعر، از یک سخنرانی یک ساعته، دو ساعته یک آدم وارد مطلع تأثیرش بیشتر است. خب! این خیلی چیز مهمی است؛ یعنی به‌اصطلاح گوهر بالرزشی است، دارای یک‌چنین اهمیتی است؛ این را بایستی بتوانند قدر بدانند.^۵

ضرورت برکت و الہام‌گیری از شهیدان

بسمه تعالیٰ

[تشیع و تدفین پیکر مطهر دو تن از شهیدان غواص در دل حوزه هنری] کار شایسته‌ای است. امید است هنر بزرگ این مردان خدا و مجاهدان راه حق، مایه برکت و الہام آن مرکز هنر انقلابی باشد.^{۱۳}

والسلام على عباد الله الصالحين

سید علی خامنه‌ای

۹۴/۵/۱۸

استفاده از روش‌های هنرمندانه

استفاده از تئاتر سازنده

متأسفانه در محیط هنری ما، تئاتر از اوّل هم بد متولّد شده. یعنی تئاتر ما، یا تئاتر لغو بیهوده مثل روحوضی‌های مثلاً این‌جوری بوده، یا تئاتر اعتراضی بی‌جهت یعنی بدون سمت و سوی درست و حسابی بوده؛ بعد هم با یک زیان ابهام،

خيال می‌کنند که تئاتر حتماً بايستی زبان ابهام و سمبليک و رازآلود داشته باشد که چنین چيزی نیست. تئاتر يعني بازيگري جلو چشم بیننده در صحنه. برخلاف سينما، برخلاف فيلم که فقط روی پرده شما يك چيزی را می‌بینيد، اينجا در تئاتر، انسان‌ها را حس می‌کند، حرفشان را از زبان خودشان می‌شنود. در اين می‌تواند خيلي چيزهای سازنده‌اي باشد. تئاتر؛ تئاترهای دانشجویی. گروههای هنرمند بنشینند واقعاً مفاھيم حقيقی اسلامی را بيان کنند. در همین حسینیه سال‌ها پيش - شاید بیست سال پيش - يك تئاتري اجرا کردند برای ما، مربوط به حضرت ايوب پیغمبر که طول هم کشید؛ يك ساعت، دو ساعت، طول کشید. بعد که تمام شد، من به آن کارگردان گفتم که من داستان ايوب را در قرآن، شاید صدبار يا صدها بار تا حالا خوانده‌ام اما اين فهمی را که امشب از ماجrai ايوب از تئاتر تو فهمیدم، در اين مدت از خواندن قرآن، اين فهم را پيدا نکرده بودم.

این چيز کمی است؟^۷

اطلاع‌رسانی و تبیین

ظرفیت معرفی شهداًی هفتم تیر و کمکاری ما
 ما روی مسئله شهداًیمان انصافاً کمکاری
 کردیم. این حادثه شهداًی هفتم تیر ظرفیت عجیبی
 دارد برای معرفی شدن؛ هم معرفی شدن این
 چهره‌هایی که آماج این جنایت قرار گرفتند؛ هم
 معرفی ملت ایران که چگونه در یک چنین حادثه
 تکان‌دهنده‌ای خودش را نگه می‌دارد، حفظ می‌کند
 و نه فقط از میدان در نمی‌رود بلکه روحیه
 مضاعف پیدا می‌کند؛ هم معرفی دشمنان که چه
 موجودات پست و چه سیاست‌های خبیثی پشت
 سر این حوادث قرار دارد، دست‌های جنایتکار
 اینها را معرفی می‌کند. این ظرفیت در ماجراهای
 هفتم تیر و ماجراهای دیگر - که البته عمدتاً اش
 ماجراهای هفتم تیر است - وجود دارد. ما کمکاری
 داشتیم؛ اینها را معرفی نکردیم. خیلی کار می‌شد
 کرد و باید کرد؛ دستگاه‌های مسئول و همهٔ ما
 دچار کمکاری هستیم. و به نظر می‌رسد که این کار
 را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگی مؤمن انقلابی

مردمی خودجوش؛ این جوانهایی که می‌بینند در اطراف کشور به طور خودجوش کارهایی انجام می‌دهند – کارهای فرهنگی انجام می‌دهند، کارهای هنری انجام می‌دهند، حقایقی را احیاء می‌کنند، استعدادهایی را بُروز می‌دهند، از استعدادهای بالفعلی استفاده می‌کنند – این کار را هم آنها باید بکنند. با زبان هنر، با زبان تصویر، با استفاده از ابزارهای جدید باید بتوانند این حادثه را، این شخصیت‌ها را معروفی کنند؛ کسی مثل شهید بهشتی را در دنیا معروفی کنند، کسی مثل شهید رجایی را معروفی کنند، شهید باهنر را معروفی کنند. هر کدام از این شخصیت‌هایی که در ماجراهی هفتم تیر یا ماجراهای دیگر به شهادت رسیدند، شایستهٔ یک چهره‌نگاری بسیار باعظم‌ترند که می‌شود از اینها چهره‌نگاری کرد.^۲

وظیفه رسانه‌های کشورهای اسلامی

در برابر امپراتور خطرناک رسانه‌ای استکبار

درباره اتحادیه رادیو تلویزیون‌ها عرض بکنم؛

این اتحادیه، بسیار مهم است. این کاری که شما

شروع کردید - ایجاد این اتحادیه - کار بسیار مهمی

است. ببینید! امروز در کشورهای مسلمان، لااقل

هفتاد درصد یا هشتاد درصد مردم پایبند به مبانی

دینی و اعتقادات اسلامی‌اند؛ شما نگاه کنید

کشورهای اسلامی را؛ مردم پایبندند؛ مردم دینشان را

قبول دارند. این رادیو تلویزیون‌ها که باید نمایندهٔ

خواست مردم باشند، چقدر در کشورهای اسلامی

پایبندی به دین از خودشان نشان می‌دهند؟ این

فاصلهٔ خیلی عجیب است؛ این شکاف عجیبی است.

هفتاد درصد مردم، هشتاد درصد مردم گرایش دینی

دارند، آنوقت در همان کشورها رادیوها و

تلوزیون‌ها در جهت دینی حرکت نمی‌کنند

و خواست مردم را انعکاس نمی‌دهند؛ این خیلی

عجب است؛ همان چیزی را اینها انعکاس می‌دهند

که خواست امپراتوری خطرناک رسانه‌ای استکبار

است. امروز استکبار یک امپراتوری عظیم رسانه‌ای

درست کرده؛ اخبار را به میل خودشان تحریف می‌کنند، پنهان می‌کنند، دروغ‌هایی را بیان می‌کنند، سیاست‌ها را از این طریق القا می‌کنند؛ آنوقت مدام هم می‌گویند که ما بی‌طرفیم! این رادیوی انگلیس ادعایی کند که ما بی‌طرفیم؛ دروغ می‌گویند!! چه بی‌طرفی‌ای؟ اینها درست در میدان سیاست‌های استکباری و استعماری حرکت می‌کنند، چه سیاست‌های آمریکایی، چه سیاست‌های انگلیسی؛ چه رسانه‌های شنیداری، چه رسانه‌های مکتوب، چه خبرگزاری‌ها، چه وسایل عجیب ارتباطاتی که امروز به وجود آمده، همه در خدمت سیاست‌های آنهاست؛ در خدمت استکبار است، در خدمت صهیونیسم است، در خدمت اهداف آنهاست. در مقابله با این امپراتوری خطرناک و این مافیای عظیم رسانه‌ای که امروز در اختیار سرمایه‌داران و کمپانی‌های آمریکایی و صهیونیستی است، یک کاری باید انجام داد. این کاری که شما دارید می‌کنید، شروع یک حرکت است؛ این حرکت را بایستی دنبال کرد، باید تقویت کرد، روزبه روز باید تشدید کرد، شرکا و همراهانتان را باید اضافه کنید.^{۱۴}

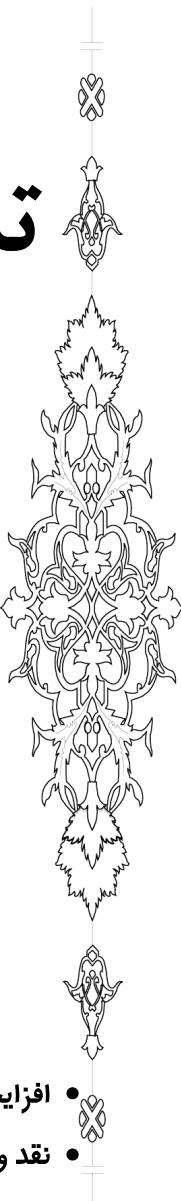
مقابله با تهاجم فرهنگی

نظارت دقیق بر فعالیت‌های نشاطبخشی

یک مسئله، مسئله کنسرت‌ها در دانشگاه بود که دانشجوی عزیزی مطرح کردند که دانشگاه جای کنسرت نیست. راست است؛ این را من هم یادداشت کرده‌ام و جزو یادداشت‌های من، همین مطلب هست. اینکه ما بیاییم دانشجوها را به خیال خودمان برای نشاط بخشیدن به محیط دانشجویی، به اردوی مختلط ببریم یا کنسرت موسیقی در دانشگاه تشکیل بدھیم، جزو غلط‌ترین کارهاست. برای تحرّک دانشجویی و تلاش دانشجویی و نشاط دانشجویی، راه‌های دیگری وجود دارد؛ آنها را به گناه نباید کشاند، آنها را به سمت شکستن پرده‌های تقوا - که خوشبختانه جوان متدين امروزی بر حفظ آن اصرار دارد - نباید کشاند؛ آنها را به سمت بهشت باید برد، نه به سمت دوزخ. بله، این کارها در دانشگاه‌ها اصلاً وجهی ندارد. بنده البته نشانه‌های این قضیه و مشکل را خیلی سال قبل - که از سوی یک تشکّل دانشجویی

آن وقت، یک حرکتی در دانشگاه انجام گرفته بود -
دیدم و هشدار هم دادم لکن متأسفانه دنبال نشد و
چوبش را هم خوردیم؛ چند سال چوبش را
خوردیم؛ امروز نبایست اجازه این کارها داده
 بشود؛ اینها خلاف آزادی خواهی نیست، انجام این
کارها نشانه میل به آزادی و آزادی خواهی نیست.
اینها همان چیزهایی است که دشمنان جامعه ایرانی
و جامعه مسلمان و تمدن اسلامی و دشمنان
خصوص دانشجوی ایرانی، دنبال می‌کنند برای
اینکه نگذارند از بین اینها شهرياری‌ها درست
 بشوند، از بین اینها دکتر چمران‌ها درست بشوند؛
 آنها با طهارت زندگی کردند، با تقوا زندگی کردند.
 فقط هم مسئله هسته‌ای نیست، این رشته‌هایی که
 شما می‌شنوید و در آمارهای ما می‌گویند ما در
 دنیا جزو هشت کشوریم، جزو نه کشوریم، جزو
 ده کشوریم که این پیشرفت را به دست آورده‌یم،
 اغلب پیشوanon این کارها جوان‌های متدين‌اند،
 جوان‌های انقلابی‌اند؛ هم در قضیه هسته‌ای
 این جور است، هم در نانو این جور است، هم در

خیلی از رشته‌های دیگر تحقیقی که امروز وجود دارد. اینها همه دست بچه‌های مؤمن، بچه‌های متدين، بچه‌های انقلابی است؛ اینها هستند که این کارهای بزرگ را انجام دادند. ما بچه‌ها را از گرایش انقلابی و گرایش اسلامی و دینی و میل به معنویت دور کنیم با این کارهای غلط؟ این غلط‌ترین کارهای است؛ البته هر دو وزیر محترم مورد اعتماد من هستند متها مراقب زیردست‌هایشان باشند؛ کاملاً مراقب کسانی که کلید کارهای این جوری دست آنهاست، باشند؛ بدانند چه کار دارد انجام می‌گیرد.^۷



تداپیر

مدیریتی

- افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری
- نقد و پاسخگویی
- جهتگیری در مدیریت

افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

ضرورت برنامه محوری

«برنامه محوری»: ... تکيه کردن بر برنامه روشن و مدون، به حرکت دقیق در مسیر چشم‌انداز آینده کمک می‌کند و مانع از گرفتار شدن در کشمکش‌های روزمره می‌شود.^۳

نقد و پاسخگويي

نقد و قضاوت مسئولان

در فرمان امام علی علی‌الله به مالک اشتر ...
قضاوت منصفانه درباره مسئولان قبلی ... مورد
تأكيد است. ... مردم در «قضاوت‌های با فکر و
تأمل و جمع بندی شده»، اشتباه نمی‌کنند. بنابراین،
از اینگونه قضاوت‌های مردم می‌توان فهمید که
کدام مسئول صالح است و کدام نه!^۸

جهت‌گيري در مدرييت

عدم پيگيري تصميمات

و تلاش برای علاج چالش‌ها

مسئله کنونی کشور ما اين نيسست که ما طرح نداريم، حرف درست نداريم؛ مسئله ما اين است که حرف درست و طرح درست را آنچنان که شايسته است دنبال نمی‌کيم؛ اين اساس مسئله است. در محيط‌های نخبگانی، هم اين معنا تكرار می‌شود که مشكل جمهوري اسلامي، مشكل نداشتند حرف درست نيسست؛ حرف درست، زياد زده می‌شود؛ مشكل اين است که ما اين حرف‌های درست را بایستى در عمل آنچنان دنبال کنيم که به نتایج آن دسترسى پيدا کنيم؛ نتایج آن را بالعيان وبالمشاهده ببینيم.

خب! چالش‌هایي وجود دارد؛ اين چالش‌ها اصطکاك به وجود می‌آورد؛ اصطکاك، فرسايش و ساييدگى به وجود می‌آورد، مشكل ايجاد می‌کند. اين چالش‌ها را بایستى علاج کرد.

۱- ساده و سطحی نگريستن:

يکى از چالش‌ها چالش‌های درونی خود ماست: ساده و سطحی نگريستن به مسئله؛ به بدخى از کارهایي که می‌کنيم، دل خوش کنيم و عمق مسئله را درنیابيم.

۲- سهيل انگاري در عمل:

مباحث لفظي و محفلي و روشنفکري کار را پيش نمی برد؛ حرکت و اقدام لازم است. سهيل انگاري در عمل، چالش بزرگ ماست. گاهی نتيجه گيري ها و استنتاج ها کوتاه مدت نیست، طولانی است و اين بعضی ها را سرخورده می کند. اين يکی از چالش هاست. کارهای بزرگ ممکن است گاهی در طول يک نسل به دست بیايد؛ باید دنبال کرد، باید حرکت کرد. خيلي از کارها هست که ما اگر ده سال پيش، پانزده سال پيش اين کارها را شروع می کردیم، امروز به نتایجی رسیده بودیم. خيلي از کارها هست که از ده سال پيش، پانزده سال پيش شروع کردیم و امروز نتایجش را داریم می بینیم. آن روزی که در دانشگاه های گوناگون راجع به نهضت علمی در کشور حرفه ای زده شد، با جمع های مختلف گفته شد، کسی تصور نمی کرد که اين حرکت علمی که در اين ده - پانزده سال به وجود آمده است به وجود بیايد اما به وجود آمد؛ اساتيد ما، دانشمندان ما، دانشگاه های ما، جوانان بالستعداد ما همت کردن. ما امروز در مقایسه با دوازده - سیزده سال قبل، از لحاظ علمی حرکت مهمی انجام داده ايم و پیشرفت چشمگير و بعضاً خيره کننده ای در بعضی از زمينه ها داریم. کار را امروز شروع کنيم، پانزده سال ديگر، بيست سال ديگر نتيجه آن را بگيريم.

۳- راههای موازی و آسان، ولی مهلک:

یکی از چالش‌های ما راههای موازی و آسان ولی مهلک [است؛ این یکی از چالش‌های ماست. بنده فراموش نمی‌کنم زمان ریاست جمهوری خودم - صحبت ۲۵ سال [قبل] است - برای واردات یک کالای مورد نیاز جامعه، که ما با زحمت زیاد آن را از اروپایی‌ها می‌گرفتیم، آفریقایی‌ها همان کالا را داشتند، خوبش را هم داشتند، [اما] دوستان دست‌اندرکار آماده نبودند. توصیه شد، تأکید شد، در جلسه که نشستیم، تأیید هم کردند، تصدیق هم کردند، متنهای سخت بود؛ کار با اروپا آسان‌تر بود. راه موازی آسان اما در عین حال مصر، که انسان را در تنگنا نگه می‌دارد، دوستان انسان را ضعیف می‌کند، دشمنان انسان را قوی می‌کند و زمام اختیار امری را در داخل کشور به دست کسانی که در دل با ما دشمن‌اند قرار می‌دهد.

۴- عدم تعهد به مبانی اعتقادی

نظام جمهوری اسلامی:

یکی از چالش‌ها این است که کسی تصوّر کند که ما اگر از مبانی اعتقادی خود، مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی دست برداریم، راه‌ها باز خواهد شد

و دروازه‌های بسته گشوده خواهد شد که اين خطاي
بسیار بزرگ و اساسی است. البته برادران ما در دولت
خدمتگزار با اعتقاد عمل می‌کنند؛ واقعاً معتقد به
انقلاب، معتقد به مبانی انقلاب، معتقد به اصول
انقلاب‌اند؛ از اينها ما گلایه‌ای نداريم، لکن در مجموعه
دست‌اندرکاران ما کسانی هستند که تصوّر می‌کنند اگر
از برخی از اصول خود و مبانی خود کوتاه بیايم،
خیلی از درهای بسته به روی ما گشوده خواهد شد؛
در حالی که اين جور نیست؛ اين خطای بزرگی است و
ما نتایج اين خطا را در برخی از کشورهای ديگر - که
نمی‌خواهم اسم بياورم - در همين دوره چندساله اخير
مشاهده کردیم. راه پیشرفت، ايستادگی است؛ پاشاری
بر مبانی است.

۵ - بي اعتمادي به مردم:

يکی از چالش‌ها هم اين است که کسی تصوّر
کند که مردم تحمل نمی‌کنند؛ نه، مردم مشکلات را
تحمّل کرده‌اند. اگر حقیقتاً برای مردم به درستی
تبیین بشود، با صداقت لازم حقایق امور برای مردم
بيان بشود، مردم ما مردم وفاداری‌اند؛ می‌ایستند،
مقاومت می‌کنند.

۶- تردید در توانایی‌های درونی:

یکی از چالش‌ها، تردید در توانایی‌های درونی است؛ [اینکه] به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم، به مجموعه‌های مردمی و غیر دولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم، یکی از چالش‌ها است. بایستی اعتماد کرد، بایستی مردم را وارد جریان عظیم اقتصادی کشور کرد.

۷- عزم راسخ برای تحقق اقتصاد مقاومتی:

بالاخره آنچه ما لازم است در زمینه مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی انجام بدهیم، یکی عزم راسخ است؛ بایستی با عزم جدی دنبال این باشیم که اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی کلمه در داخل تحقیق بخسیم؛ [همچنین] پرهیز از سهل‌انگاری، پرهیز از راحت‌طلبی و تکیه بر مدیریت‌های جهادی؛ مدیریت جهادی که بندۀ سال گذشته مطرح کردم (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۴۰۳/۴/۱۶) و تأکید هم کردم که این مربوط به امسال نیست، مربوط به همیشه است؛ ما احتیاج داریم به مدیریت جهادی.^۱

مديرييت جهادي

شرط تحقق اقتصاد مقاومتی

در سال‌های اوّل انقلاب، در دوران جنگ و در طول اين سى و چند سال، هرجا به مديريت جهادي تکيه کردیم، موفق شدیم. مديريت جهادي ممکن است يك وقت‌هایي پرٰت هم داشته باشد اماً پيشرفت خواهد داشت و کار را پيش خواهد برد. تکيه به قدرت الهی، توکل به خدای متعال، کار را با تدبیر و عقلانیت اماً با عزم راسخ، بدون تردید و بدون ترس از جوانب پيش بردن؛ اين مديريت جهادي است. البته ترويج دائمی فرهنگ متناسب با اقتصاد مقاومتی هم لازم است؛ همه، هم صداوسیما، هم مسئولین مطبوعات و رسانه‌ها، هم مسئولین دولتی، مسئولین قوهٔ مقنه، ائمهٔ جمعه سراسر کشور و هر کسی که منبری دارد و می‌تواند با مردم حرف بزند، فرهنگ متناسب با اقتصاد مقاومتی، از جمله صرفه‌جویی را، از جمله مصرف تولیدات داخلی را باید ترويج کند. البته در مورد صرفه‌جویی و همچنین در مورد مصرف تولیدات

داخلی، خطاب عمدۀ به مسئولین کشور است، چون یکی از مهم‌ترین مصرف‌کنندگان کشور، خود دولت است؛ دولت اصرار داشته باشد و خود را موظّف و مقید بداند که از تولیدات داخلی استفاده کند؛ حتّی با مقداری اغماض؛ عیبی ندارد. گاهی می‌گویند فلان چیز، کیفیت خارجی را ندارد؛ اشکال ندارد؛ اگر می‌خواهیم کیفیت پیدا کند، باید کمکش کنیم. اگر کمک بکنیم، کیفیتش هم بالا خواهد رفت والاً روبه‌روز تنزّل پیدا خواهد کرد. مقابله جدّی با واردات بی‌منطق، یکی از کارهای لازم است؛ مقابله جدّی با قاچاق، یکی از کارهای لازم است؛ پرداختن به کارگاه‌های تولیدی کوچک و متوسّط – که من امسال، اوّل سال هم روی این تکیه کردم (بيانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس ۱۳۹۴/۱/۱) یکی از کارهای بسیار لازم است؛ بازنگری در سياست‌های پولی و فعالیت‌های نظام بانکی کشور، که به اين هم من اوّل سال اشاره کردم و صاحب‌نظران و دلسوزان، در اين زمينه حرف‌های مهمّی دارند که باید اين حرف‌ها شنide.

شود و به آنها توجه بشود. اينها کارهای است که بایستی انجام بدھيم.

البته شرط اصلی تحقق اينها هم همين همدلی و همزبانی و همين انسجامی است که رئيس جمهور محترم بيان کردن؛ باید دولت را کمک کرد، باید مسئولین را کمک کرد، [چون] اينها وسط ميدانند. از تعارض‌های زائد و حاشیه‌سازی‌های زائد باید پرهیز بشود؛ حاشیه‌سازی از هر طرفی غیر مقبول و نامطلوب است. همه کمک کنند و اين حرکت عظیم ان شاء الله به نتيجه برسد. اين عرض ما در زمینه مسائل اقتصاد. اعتقاد بنده اين است که ما می‌توانیم در زمینه اقتصاد کارهای بزرگی را انجام بدھيم و اميدوار باشيم که ان شاء الله از اين گذرگاه دشوار عبور خواهيم کرد.^۱

ارتباط میدان‌های واقعیت و دیپلماسی

یک نکته‌ای را من عرض بکنم برای توجه مسئولین، و همه توجه داشته باشند: در هماوردی‌های جهانی، منطقِ هماوردی جهانی ایجاد می‌کند که ما دو میدان را مورد نظر داشته باشیم. یک میدان، میدان واقعیت و عمل است که این میدان میدان اصلی است. در میدان واقعیت و در میدان عمل، مسئولی که دنبال فعالیت است، دارایی‌هایی را در میدان عمل ایجاد می‌کند، تولید می‌کند؛ این یک میدان. یک میدان میدان دیپلماسی و سیاست است که دارایی‌ها را در این میدان دیپلماسی و سیاست و مذاکره، تبدیل می‌کند به امتیاز برای کشور، تبدیل می‌کند به منفعت ملّی. اگر در آن میدان اوّل دست انسان خالی باشد، در میدان دوّم کاری از انسان ساخته نیست؛ باید در میدان اوّل – یعنی میدان عمل، میدان واقعیت، روی زمین – دستاورد داشته باشد، دارایی داشته باشد.^۱

مديريت جهادی در ايقای مسئوليت

تحرک، عزم و مدیريت جهادی رئيس قوه قضائيه در ايقای مسئوليت [قابل تقدير است] ... قوه قضائيه يكى از سه ركن اساسى کشور و مجرى بخش مهمى از احکام اسلامى است لذا انتظار هرگونه تلاش، مجاهدت و تحمل سختى در اين قوه انتظار به جايى است.^۳

وظايف مسئولان

در فرمان امير مؤمنان عالي الله به مالك اشنفر

۱- گرفتن ماليات و حقوقى که مردم نسبت به دولت دارند.

۲- دفاع از مردم و سرزمينشان.

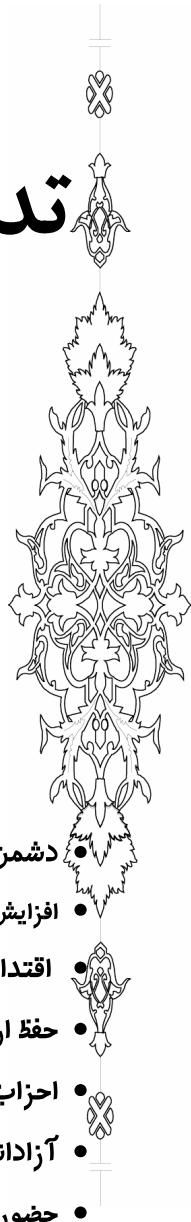
۳- سوق دادن جامعه به صلاح و رستگاري.

۴- آباداني و سازندگي کشور.

چهار مأموريت اصلی که مولاي متقيان در نامه به مالك، بر دوش حاكمان مى گذارند. ... و عمل صالح، بهترین ذخирه دوران مسئوليت هر فرد است.^۴

گذر از لغزش‌ها و خطاهای مردم

«دوست داشتن مردم از صميم قلب» و «محبت و مدارا با آنان» از فرامين امام علی عالیسلام به مالک اشتر است. ... به دستور اميرمؤمنان، باید از لغزش‌ها و خطاهای مردم گذشت کرد. البته به جز مواردی که حدود الهی زیر پا گذاشته می‌شود و یا پای محاربه با اسلام و حکومت اسلامی در میان است.^۸

- 
- دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن
 - افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی
 - اقتدار ملی
 - حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب
 - احزاب و گروه‌های سیاسی
 - آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف
 - حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

تدابیر سیاسی و اجتماعی

دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

ضرورت شناخت دشمن بزرگ شده

و آمادگی برای رویارویی

این را همه بدانند: امروز کشور به شناخت دشمن نیاز دارد. دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به وسیله انواع و اقسام اقلام آرایشی رسانه‌ای و تبلیغاتی بزرگ می‌کنند و در

مقابل چشم قرار می‌دهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم. در همین چند روز مشاهده کنید: فردا هفتم تیر است، حادثه حزب اتفاق افتاده است؛ در سال ۶۶ در همین روز هفتم تیر، حادثه بمباران شیمیایی سردشت اتفاق افتاده است؛ بله، صدام آن کار را کرد، اما پشت سر صدام چه کسی بود؟ آمریکایی‌ها بودند، غربی‌ها بودند، همان کسانی بودند که بمبهای شیمیایی را به او دادند، چراغ سبز هم به او دادند و در مقابل این جنایت بزرگ و این قتل عام عجیب سکوت هم کردند؛ در روز یازدهم تیر - چند روز بعد - ترور شهید صدوqi است که این هم کار همین جنایتکاران است؛ در روزدوازدهم تیر - چند روز بعد از این - حادثه اسقاط هواپیمای ایرباس بر روی خلیج فارس است. از هفتم تیر تادوازدهم تیر شما بینید چقدر ترور، قتل عام و کشتار انجام شد؟ چقدر زن، کودک، عالم، سیاستمدار، به وسیله عوامل آمریکا آماج این جنایتها قرار گرفتند؟ اگر طرّاح این حوادث هم سرویس‌های امنیتی آمریکا و غرب

نبوذند، حدائق کمک‌کننده بودند؛ حدائق تشویق‌کننده بودند. این دشمن‌ها را بشناسیم. به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفتۀ «حقوق بشر آمریکایی» اعلام بکنیم. واقعاً حقوق بشر آمریکایی در این چندروز در کشور ما یک چیز واضح و بارزی است و از این قبیل الی ماشاءالله. پس احتیاج داریم دشمن را بشناسیم. آن کسانی که امروز سعی می‌کنند از این هیولا - که سیاست‌های آمریکایی و سیاست‌های بعضی از دنباله روان آمریکاست - یک چهره موجّهی معروفی کنند، اینها دارند خیانت می‌کنند؛ اینها دارند جنایت می‌کنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان می‌کنند، این دشمنی خباثت‌آlod را در زیر پرده‌های توجیه می‌پوشانند، اینها دارند خیانت می‌کنند به این ملت.

کشور ما و ملت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد و احتیاج دارد به اینکه خود را آماده کند برای مواجهه. این مواجهه همیشه مواجهه سخت نیست، مواجهه در میدان

جنگ نظامی نیست؛ دشوارتر از آن، مواجهه در میدان جنگ نرم است، در میدان فرهنگ است، در میدان سیاست است، در میدان زندگی اجتماعی است. ملت عزیز ایران، امروز به پیام شهیدان نیازمند است؛ احتیاج به این پیام دارد. ملت ما احتیاج دارد به این پیام امیدبخش، این پیام افشاگر، این پیام سرشار از ابتهاج معنوی و روحیه معنوی که شهدا به ما می‌دهند. و ملت، مدیون شهدا است و مدیون شما خانواده‌های شهداست؛ همه مدیونیم. آن کسانی که این را کتمان کنند، آن کسانی که حاضر نیستند نام شهیدان به عظمت برده بشود و هرجا نام شهیدی برده بشود یا نام شهدا برده بشود و تجلیلی از شهدا بشود کانه به آنها دارند زخم می‌زنند، اینها بیگانگان از مصالح این ملت‌اند؛ اینها اجنبی‌اند؛ حالا شناسنامه‌شان ایرانی است اما در واقع اجنبی‌اند؛ اینها با ملت ایران یک رو و یک دل نیستند.^۲

روش دشمن در معرفی سرزنش‌ترین جوانان

ایرانی با افسرده‌ترین جوانان خارجی

جوان ایرانی خوشبختانه جوان پرانگیزه و پرشوری است؛ درست نقطه مقابل آن چیزی است که بعضی از مراکز معرض آماری و غالباً با منشأ خارجی یا اساساً خارجی اعلام می‌کنند. آنها می‌گویند جوان ایرانی افسرده است؛ یک طبقه‌بندی هم می‌کنند و می‌گویند جوان ایرانی در فلان درجه از افسرده‌گی - یک درجه خیلی بالایی - قرار دارد. این یک دروغ مخصوص و خباثت‌آمیزی است که دارد امروز انجام می‌گیرد و بهانه یک سلسله کارهای خلاف دیگر است؛ جوان ایرانی افسرده است، پس بایستی برایش محیط نشاط درست کنیم؛ چه جوری؟ با کسرت موسیقی، با جلسات و اردوهای مختلط جنسی، و آزادی‌هایی از این قبیل؛ این دنباله آن حرف است. نخیر، به عکس، جوان ایرانی امروز جزو بانشاط‌ترین و فعال‌ترین و سرزنش‌ترین جوان‌ها است. شما نگاه کنید در دنیای غرب، جوان اروپایی افسرده است؛ این قدر آمار خودکشی‌ها در آنجا بالاست. افسرده‌گی آنجایی است که یک جوانی بر اثر

فشارهای روحی، تفنگ دست می‌گیرد، می‌رود در یک ساحل امن و به ظاهر آرام و حدود هشتاد کودک را با رگبار می‌کشد؛ اتفاقی که دو سه سال پیش در یکی از کشورهای اروپا اتفاق افتاد که همه مطْلع شدند و در دنیا منعکس شد؛ افسردگی این است. افسردگی عبارت است از اینکه جوان اروپایی برای خودکشی کردن می‌آید در سِلک داعش. گزارش‌هایی که ما داریم نشان می‌دهد که تعداد بالایی از عناصر انتحاری داعش، جوان‌های اروپایی‌اند؛ می‌خواهد خودکشی کند، فکر می‌کند این خودکشی یک هیجانی دارد و بهتر از غرق کردن خود مثلاً در رودخانه فلان کشور اروپایی است، پس می‌آید اینجا؛ بر اثر افسردگی کامل دنبال هیجان می‌گردد؛ افسرده آنها هستند. جوان ایرانی که روز بیست و سوم ماه رمضان که شب قبل را با احیاء گذرانده، با دهان روزه، در گرمای شدید تابستان، می‌آید در خیابان راه‌پیمایی می‌کند، بعد می‌نشیند زیر آفتاب و نماز جمعه را برگزار می‌کند، او فرسنگ‌ها از افسردگی دور است، او سرزنش است، او با نشاط است.^۷.

زنده شدن مارکسیسم با پول آمریکایی‌ها

کمونیست‌ها در آن دورانی که بودند با زور پیش بردن. حالا خوشبختانه شکست کمونیسم به معنای شکست تفکر مارکسیستی در دنیا تلقی شده و درست هم همین است. البته من شنیده‌ام در دانشگاه ما یک جریان‌هایی باز دارند حرف مارکسیسم را دوباره زنده می‌کنند، متنها این، دمیدن در کوره خاموش است این، نقش بر آب زدن است؛ دیگر به درد نمی‌خورد. با آن‌همه ادّعام‌دعا و با آن‌همه سروصدرا و آن‌همه قربانی گرفتن و مانند اینها، نظام‌های کمونیستی دنیا بعد از شصت سال، هفتاد سال، جز افتضاح، چیز دیگری به بار نیاورند؛ یعنی دروغ بودن شعارهایشان ثابت شد، ناتوانی و ناکارآمدی‌شان هم ثابت شد؛ بنابراین آن، دیگر برنامی گردد. لکن حالا شنیده‌ام بعضی‌ها دنبال این هستند که اگر واقعیت داشته باشد و الآن جریان مارکسیستی به صورت فکری در دانشگاه ما فعال باشد، قطعاً پول آمریکایی‌ها دنبالش است؛ برای خاطر اینکه انگیزه‌ای وجود ندارد. پول می‌دهند؛ برای اینکه بالاخره خود این شقّه شقّه کردن دانشجوها برای آنها یک نعمت بزرگی است. یکی از شقّه شقّه کردن‌ها هم این است که مارکسیست‌ها را دوباره زنده کنند.

همان‌هایی که عضو حزب توده بودند و بیست سال زندان هم کشیده بودند، بعد آمدند در تلویزیون جمهوری اسلامی، بدون اینکه فشار و زوری وجود داشته باشد، «غلط‌کردم نامه» را نوشتند و خواندند؛ این را شماها شاید یادتان نیست؛ مال سال‌های اوائل دهه ۶۰ است. ده دوازده نفر از عناصر حزب توده آمدند تلویزیون جمهوری اسلامی - بنده آن وقت رئیس جمهور بودم؛ من تعجب کردم، ما دوستان فعال و مسئولین درجه یک کشور تعجب کردیم که اینها چطور آمده‌اند؛ بعضی از اینها را ما از نزدیک می‌شناختیم؛ بعضی‌ها با ما هم زندان بودند؛ بعضی‌ها را بعد از زندان دیده بودیم و می‌شناختیم‌شان، ادعای مدعاهایشان تا عرش می‌رفت - اینها آمدند صف کشیدند، نشستند روی صندلی، یک نفر از خودشان به عنوان مجری شروع کرد از اینها سؤال کردن درباره مواردی که خیانت‌های حزب توده را به کشور اثبات می‌کرد. بعد آنها هر کدام که یک خرد کوتاه می‌آمدند و حرف نمی‌زدند، این مجری چون از خودشان بود، می‌گفت آقا، فلان وقت، فلان کار را شما کردید، فلان چیز را گفتید، مجبور می‌شد بگویید بله، گفتم؛ یعنی ما نبودیم که از آنها می‌خواستیم اقرار بگیریم، خودشان از خودشان اقرار می‌گرفتند. این جزو اسناد بسیار

بالرژش صداوسیما است؛ نگذارند از بین برود؛ اینها خیلی چیزهای بالرژشی است. خب! بعد از این حرف‌ها، حالا همان‌ها بر می‌دارند کتاب می‌نویسند و جزوه می‌نویسند به عنوان دفاع از مارکسیسم؛ خب! این مسخره است.

خب! مارکسیست‌ها در آنجاهایی که انقلاب کردند و حکومت را به دست آوردند، با ضرب و زور کارشان را پیش بردند، حتی در محیط‌های دانشجویی. می‌دانید در همین افغانستان همسایه خودمان بعد از ظاهر شاه و بعد از آن داود، یک حکومت مارکسیستی سر کار آمد؛ اوئش قبل از پیروزی انقلاب ما بود و بعد مصادف شد با سال‌های انقلاب و ادامه پیدا کرد – که آنوقتی که حکومت کمونیستی اعلام شد، بنده در ایرانشهر تبعید شدم؛ آنچا من شنفتم که در افغانستان حکومت کمونیستی آمده سر کار و از قضایا خبر نداشتیم؛ حالا یواش یواش دارد خبرها منتشر می‌شود – در داخل دانشگاه کابل، مجموعه‌های وابسته به آن حزب خلق که حکومت را با کودتا در دست گرفته بود، می‌رفتند از داخل اتاق‌های دانشجوها، دانشجویی را که فکر می‌کردند مخالفاند می‌کشیدند بیرون، این قدر تکشان می‌زدند که یا می‌مردند یا مُشرِف به مردن می‌شدند؛

همان‌ها می‌آمدند اين دانشجوها را می‌گرفتند می‌بردند و تحويل نیروهای حکومتی می‌داند که زندانی کنند؛ یعنی حتی محیط دانشگاه را آلوهه به این جور فشارها و خشونت‌ها کرده بودند؛ اما در بین ما این جور نبود. همین دانشگاه تهران، محیط ضرب و زور شد، اما از طرف گروه‌های مارکسیستی؛ از طرف منافقین، مجاهدین خلق؛ آنها بودند که آنجا را تبدیل کردند به انبارهای سلاح؛ بچه‌های مسلمان، نه.

من همان ماههای اوّل پیروزی انقلاب، هر هفته می‌رفتم به مسجد دانشگاه تهران برای دانشجوها، هم سخنرانی می‌کدم، هم پاسخ به سوالات می‌دادم؛ هر هفته. دانشجوها، بچه‌های مسلمان، انقلابی، می‌آمدند آرام می‌نشستند، می‌شنیدند، می‌رفتند؛ عده‌های زیاد بود؛ نه اتاق جنگی بود، نه تفنگی بود، نه شعارهای ناجوری بود؛ اوّل انقلاب، آن‌هم در محیط دانشجویی، آن‌هم تهران، آن‌هم بندۀ که آن‌وقت هنوز رئیس‌جمهور هم نبودم، عضو شورای انقلاب بودم - یعنی همه عوامل انقلابی بودن جمع بود، می‌رفتیم در دانشگاه برای دانشجوها صحبت می‌کردیم، در یک محیط آرام، در یک محیط عاقلانه؛ شاید در بین این برادران و خواهرانی که آن سال‌ها دانشجو بودند،

باشند کسانی در بین شما که یادشان باشد آن سال‌ها را. آن‌روزی که دانشگاه را گروه‌های کمونیستی ُفرق کرده بودند که خطر نابودی بود، اتفاقاً روزی بود - نمی‌دانم دوشنبه بود یا یکشنبه بود - که من آن‌روزهای از هفته می‌رفتم دانشگاه تهران. بنده طبق عادت آدمم. چندنفر از بچه‌های پاسدار همراه من بودند، گفتند آقا، نروید خطرناک است؛ من گفتم چه خطری؟ خب! می‌رویم. آدمیم داخل مسجد که خب کسی نبود، طبعاً برگشیم. آن‌کسی که محیط دانشگاه را نامن می‌کرد، شلوغ می‌کرد، با ضرب و زور و اگر نشد با گلوله می‌خواست فکر خودش را به طرف مقابل تزریق بکند، گروه‌های اسلامی نبودند؛ یا گروه‌های مارکسیستی بودند، یا گروه مجاهدین خلق که نسخه بدل گروه‌های مارکسیستی بود؛ اسمشان اسلامی بود، باطنشان، تفکرشان، ایدئولوژی‌شان، همه نوشته‌هایشان مارکسیستی محض بود. ما در اسلام این را نداریم.^۷

سیه‌کاری‌های دشمنان در ماه مبارک رمضان

شعارهای ملّت ایران، نشان داد که جهت‌گیری‌ها چیست؛ در روز قدس، شعار مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا، فضای کشور را تکان داد؛ مخصوصاً تهران و شهرهای بزرگ هم نبود؛ همهٔ کشور در زیر چتر این حرکت عظیم قرار گرفت. ... حوادث منطقهٔ ما در این ماه رمضان و قبل از آن، حوادث ناگواری بود و هست؛ متأسفانه دست‌های نامبارکی، ماه مبارک را برای بسیاری از مردم منطقه تلخ کرد. در یمن، در بحرین، در فلسطین، در سوریه، بسیاری از مردم مسلمان مؤمن، به‌خاطر سیه‌کاری‌های دشمنان، روزهای سختی را گذراندند و روزه‌های دشواری گرفتند. همهٔ این قضايا برای ملّت ما مهم است.^{۱۰}

بزرگ‌ترین مجاهدت پیروان اهل‌بیت علیهم السلام

مجاهدت با نقشه‌های استکبار

امروز به نظر ما مصدقه مجاهدت که در مقابل ما مسلمان‌ها، ما پیروان اهل‌بیت قرار دارد، عبارت است از: مبارزه با نقشه‌های استکبار در منطقه اسلامی؛ امروز بزرگ‌ترین مجاهدت این است. با نقشه‌های استکبار باید مبارزه کرد. این نقشه‌ها را باید اوّل شناخت، اوّل باید دست دشمن را بخوانیم، بدانیم چه کار می‌خواهد بکند؛ بعد بنشینیم برنامه‌ریزی کنیم و با اهداف دشمن مبارزه کنیم. فقط هم حالت دفاع و انفعال نیست. مبارزه اعم است از دفاع و هجوم؛ یکوقت لازم است انسان در مواضع دفاعی قرار بگیرد، یکوقت هم لازم است در مواضع هجومی قرار بگیرد؛ در هر دو حالت هدف عبارت است از مبارزه با برنامه‌های استکبار که دشمن اساسی و اصلی است در این منطقه؛ و هم در کل منطقه اسلامی، به خصوص در این منطقه‌ای که غرب آسیاست. این منطقه‌ای که اروپایی‌ها اصرار دارند اسم آن را بگذارند

خاورمیانه؛ یعنی خاور را، شرق را به نسبت اروپا می‌سنجند. یک جا شرق دور است، یک جا شرق میانه است، یک جا شرق نزدیک است؛ این تک‌اروپایی‌ها را ببینید! از اوّل اینجا شده «خاورمیانه»؛ اسم خاورمیانه غلط است؛ اینجا غرب آسیاست. آسیا یک قاره بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه منطقه بسیار حساسی است؛ منطقه‌ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره - آسیا و اروپا و آفریقا - مهم. منطقه مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم؛ این شد مجاهدت. قرآن به ما می‌گوید: «جَهَدُوا فِي اللَّهِ حَقًّا جِهَادَهِ»؛ (حج ۷۸) «در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه اوست جهاد کنید.») جهاد فی الله، امروز این است.^{۱۴}

فشارهای ۳۵ ساله قدرت‌های استکباری

علیه ایران و بیداری اسلامی

توطئهٔ علیه دنیا اسلام و این منطقهٔ بالخصوص، جدید نیست؛ از سال‌ها قبل - از صد سال قبل، از دوران جنگ جهانی اول به این طرف - این منطقه دستخوش فشارهای فراوان قدرت‌های مستکبر بوده؛ حالا یک روز انگلیس بود، یک روز آمریکاست، یک روزی در یک دورهٔ فرانسه بود؛ قدرت‌های استکباری صد سال یا بیشتر است که اینجا مشغول‌اند. لکن این فشارها و این برنامه‌ریزی‌ها و این توطئه‌ها از دوران پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شدت پیدا کرد؛ چون حادثهٔ پیروزی اسلام در یک کشور مهمی، کشور بزرگی، کشور حساسی مثل ایران برای استکبار گیج‌کننده بود. اوایل تا مدتی قدرت تحلیل از اینها گرفته شده بود - ما دنبال می‌کردیم مسائل را و می‌دیدیم - اوایل گیج بودند. بعد که به خود آمدند، فشارها را شروع کردند. محور فشار هم جمهوری اسلامی ایران بود. در درجهٔ اول همتستان این بود که این تجربه در دیگر کشورها تکرار نشود؛ دنبال این بودند. لذا به فکر افتادند که

فشارها را روی ایران زیاد کنند؛ الان ما ۳۵ سال است به فشارهای دشمن عادت کرده‌ایم؛ ملت ایران عادت کرده‌اند به فشارها: تهدید، تحریم، فشار امنیتی، توطئه‌های گوناگون سیاسی؛ ما ۳۵ سال است با انواع واقسام فشارها مواجه هستیم - این از دوره پیروزی انقلاب در ایران، لکن بعد از نهضت بیداری اسلامی که در چهار پنج سال قبل در شمال آفریقا شروع شد - مصر و تونس و بعضی جاهای دیگر - این شدت عمل دشمنان مضاعف شد؛ یعنی به معنای واقعی کلمه، دشمن سراسیمه شد، دستپاچه شد؛ کارهای زیادی کردند و الان هم ادامه دارد. البته تصوّر آنها این است که نهضت بیداری اسلامی را سرکوب کردند، اما نظر بندۀ حقیر این است که نهضت بیداری اسلامی سرکوب‌شدنش نیست. درست است یک کارهایی کرده‌اند لکن این نهضت وجود دارد؛ حالا یک خرده زودتر، یک خرده دیرتر، جایگاه خودش را پیدا خواهد کرد. آنها به‌هرحال در این چند سال اخیر تلاش‌هایشان را افزایش دادند؛ کارهای زیادی کردند و عوامل جدیدی را وارد معادلات کردند.^{۱۴}

ایجاد اختلاف و نفوذ اساس نقشۀ دشمن

نقشۀ این دشمن [آمریکا] در این منطقه عمدتاً بر دو پایه استوار است - البته شعب زیادی دارد لکن عمدۀ این دوتاست - یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت است از نفوذ. این، اساس نقشۀ دشمن در این منطقه است: ایجاد اختلاف؛ اختلاف بین دولت‌ها و بعد اختلاف بین ملت‌ها، که خطرناک‌تر از اختلاف دولت‌ها، اختلاف ملت‌ها است؛ یعنی دل‌های ملت‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند و عصیّت بیافرینند؛ با نام‌های مختلف؛ حالا یک وقت مسئله پان‌ایرانیسم و پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم و این حرف‌ها بود، یک روز هم مسئله سنّی و شیعه و تکفیر و مانند اینهاست؛ به هر عنوانی که بتوانند، ایجاد اختلاف کنند. این یک قلم از کارهای اینهاست که به‌شدّت دارند روی این کار می‌کنند.

البته متخصص این کار انگلیس‌ها بودند؛ آنها در ایجاد اختلاف مذهبی متخصص دارند و آمریکایی‌ها هم از آنها یاد گرفتند و با همه وجود، امروز دارند ۱۴ کار می‌کنند.

فرمول آمریکا و اسرائیل

در ایجاد گروه‌های تکفیری

این گروه‌های تکفیری که مشاهده می‌کنید، همه ساخته دست اینها [استکبار آمریکا و انگلیس] هستند. ما این را البته از چند سال پیش گفتیم، بعضی‌ها تردید داشتند اما امروز خود آمریکایی‌ها دارند اعتراف می‌کنند؛ اعتراف می‌کنند که داعش را آنها به وجود آورده‌اند، اعتراف می‌کنند که آن جبهه‌النصره را آنها به وجود آورده‌اند، تکفیری‌ها را آنها به وجود آورده‌اند؛ خودشان درست کردند و یک عده مسلمان ساده‌لوح اگرچه صادق، گول اینها را خوردند؛ مهم این است. این چیزی که برای ما خیلی عبرت‌آموز است و باید به آن توجه کنیم، این است که گاهی انسان صادق‌النیه به خاطر عدم بصیرت، داخل نقشه دشمن کار می‌کند؛ این اتفاق افتاد. یک مثال واضح‌تر مسئله سوریه است. وقتی که در تونس، در مصر با شعارهای اسلامی، حکومت‌های طاغوتی سرنگون شدند، بلا فاصله آمریکایی‌ها و عوامل اسرائیلی در صدد برآمدند که

از این فرمول برای نابود کردن دولت‌های مقاومت و کشورهای مقاومت استفاده کنند، لذا رفتند سراغ سوریه؛ یک عده مسلمان ساده و بی‌بصیرت در این نقشه قرار گرفتند، کار سوریه را به آنجایی رساندند که مشاهده می‌کنید چهار پنج سال است یک کشور را دچار یک چنین تلاطمی کردند که معلوم هم نیست کی تمام بشود؛ این کاری بود که دشمن کرد و مسلمان ساده‌لوح هم در نقشه دشمن قرار گرفت و جدول دشمن را پر کرد. این اتفاق در موارد زیادی می‌افتد. گروه‌های تکفیری را اینها درست کردند، جماعت‌های هتاک و جرّار و جبار را اینها درست کردند و به جان امّت اسلامی انداختند و این را به عنوان جنگ مذهبی وانمود می‌کنند. من به شما عرض می‌کنم که این اختلافاتی که امروز شما می‌بینید در عراق و در سوریه و در بقیه جاهای سعی می‌شود عنوان دعوای مذهبی به آن داده بشود، به هیچ وجه دعوای مذهبی نیست، دعوای سیاسی است. جنگ در یمن، جنگ سیاسی است نه جنگ مذهبی؛ به دروغ

می‌گویند که بحث شیعه و سنّی است، در حالی که شیعه و سنّی نیست. بعضی از آنها بیان که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنّی نیست، دعوا دعوای سیاسی است، دعوای سیاست‌هاست.

امروز یک چنین وضعی را اینها در منطقه به وجود آورده‌اند؛ ایجاد اختلاف کرده‌اند؛ باید تلاش کرد این اختلافات از بین برود.^{۱۴}

افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

آمریکا مظهر کامل نظام سلطه

من اوّل این را بگویم: دشمن که ما می‌گوییم، به یک موجود خیالی و توهّمی اشاره نمی‌کنیم. مراد ما از دشمن عبارت است از نظام استکبار؛ یعنی قدرت‌های استکباری؛ قدرت‌هایی که حیاتشان متوقف بر سلطه بر دیگران است، دخالت در امور دیگران، در اختیار گرفتن منابع مالی و حیاتی دیگران؛ اینها استکباراند؛ یا به تعبیر دیگری، سردمداران نظام سلطه. ما یک عنوانی داریم در ادبیات سیاسی مان و آن عبارت است از نظام سلطه؛ یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ این، نظام سلطه است. آن کسانی که سردمداران نظام سلطه‌اند، آنها دشمن هستند. اگر یک مصدق خارجی هم بخواهیم برایش مشخص کنیم، رژیم ایالات متحده آمریکاست. مظهر کامل نظام سلطه، رژیم ایالات متحده آمریکاست. بعضی‌های دیگر هم البته هستند، متنها از همه عینی‌تر، واضح‌تر و روشن‌تر، رژیم ایالات متحده آمریکاست؛ که از

اخلاقیات انسانی هیچ بهره‌ای ندارند، در انجام جنایت - همه‌جور جنایتی - هیچ ابایی ندارند و این جنایت و این فشار و این خشونت را هم خیلی راحت در زیر لبخند، در زیر الفاظ متعارف، الفاظ خوب و زیبا پنهان می‌کنند. مظهر آن، این است. بنابراین، دشمن که می‌گوییم یعنی این.^{۱۴}

تشدید اختلافات

و اهانت به مقدسات اهل‌سنّت ممنوع

تشدید اختلافات در دنیای اسلام، ممنوع است.

ما با رفتارهایی که بعضی از گروههای شیعه انجام می‌دهند که موجب اختلاف می‌شود، مخالفیم. ما صریحاً گفته‌ایم که با اهانت به مقدسات اهل‌سنّت مخالفیم. یک عده‌ای از این طرف، یک عده‌ای از آن طرف، بر آتش دشمنی‌ها می‌افزایند و آنها را تشدید می‌کنند؛ خیلی‌هایشان هم نیتهاشان نیتهای خوبی است، لکن بصیرت ندارند. بصیرت لازم است؛ باید دید نقشه دشمن چیست.

نقشه دشمن در درجه اوّل ایجاد اختلاف است.^{۱۴}

اقتدار ملّی

حضور شگفت‌آور جمهوری اسلامی در منطقه

یکی از واقعیت‌های کشور، حضور شگفت‌آور جمهوری اسلامی در این منطقه است؛ نه حضور مادّی و جسمانی و حضور فیزیکی، بلکه حضور معنوی. یکی از چیزها این که آمریکایی‌ها در مذاکرات‌شان – در مذاکرات پنهان‌شان، مذاکرات پشت پرده‌شان – در نشست‌هایی که با عناصر دولتی‌های این منطقه و با بعضی از همین مرتजعین عرب دارند که می‌نشینند حرف می‌زنند، گپ می‌زنند و در واقع با هم در ددل می‌کنند، (خندهٔ حضّار) آنها از ایران شکایت می‌کنند و از آمریکا توقّع دارند که اعمال فشار کند، او هم می‌گوید: خب! چه کار کنم؟ نمی‌توانم! (خندهٔ حضّار) خلاصه بگو بشنوشان این است! همهٔ این گلایه‌ها و ناراحتی‌ها و شکوه‌ها از این است که نفوذ ایران گسترده شده. ... خب! این یک واقعیتی است؛ یکی از واقعیت‌ها این است: نفوذ گستردهٔ جمهوری اسلامی. من به این رؤسای جمهور محترممان، هم

به رئیس جمهور محترم فعلی، هم به قبلی‌ها - که به همه آنها هم احترام می‌گذارم، به همه آنها هم کمک می‌کنم، و از همه آنها و از هر رئیس‌جمهوری که مردم انتخاب کنند و بباید سر کار، پشتیبانی می‌کنم - همیشه گفته‌ام؛ گفته‌ام؛ شما امروز به هر کشور اسلامی بروید، مردم آن منطقه اگر آزاد باشند و اجازه داده بشود و شماها بخواهید بروید یعنی، از شما استقبالي خواهند کرد که از سران کشور خودشان چنین استقبالي نمی‌کنند. نفوذ یعنی این دیگر؛ نفوذ یعنی این. از لج این نفوذ، [سعودی‌ها] صد روز است دارند یمن را می‌کوبند؛ چون می‌گویند شما در یمن نفوذ دارید. خب! ما در یمن چه کار کردیم؟ اسلحه بردیم یمن؟ لشکرکشی کردیم به یمن؟ آنها از کشورهای دیگر مزدور انتخاب می‌کنند، دلار نفتی بهشان می‌دهند، لباس ارتشی سعودی را بهشان می‌پوشانند، می‌آورند می‌دهند دم چَکِ انصار الله! (خنده حضارت) آنها دارند دخالت می‌کنند، ما چه دخالتی در یمن داریم.

خب! نفوذ، نفوذ خدادادی است. مگر می‌شود این را کاری کرد؟ فرض کنید امام بزرگوار ما اینجا می‌نشست حرف می‌زد، حرفش را همین‌طور دهن‌به‌دهن می‌بردند مثلاً در اقصای آفریقا یا در اقصای آسیا؛ آنچنان نفوذ می‌کرد که آدم ساکنِ فلان کشور دوردست آفریقایی یا آسیایی، اسم بچه‌اش را می‌گذاشت روح‌الله. نفوذ یعنی این؛ بدون اینکه یک صفحه کاغذ برای این معنا مایه گذاشته شده باشد. خب! وقتی حرف نفوذ پیدا کرد، وقتی حرف حرف درستی بود، از دل برآمد بر دل‌ها نشست، خب با آن کاری نمی‌شود کرد: «**قُلْ مَوْتَوَا بِغَيْظِكُمْ**»؛ (آل عمران ۱۱۹ «بگو به خشم خود بمیرید.») خب! تو نمی‌توانی، به قول مرحوم شهید بهشتی - که از قول ایشان نقل کردند که گفت - از عصبات بمیر! خب! چه کار کنیم؛ این یکی از واقعیت‌ها است. این یکی از واقعیت‌های جمهوری اسلامی است؛ اینها را توجه داشته باشید؛ یعنی همه‌اش با نگاه منفی نگاه نکنید.^۷

**اقدار ملت ایران در قدرت هسته‌ای
و پذیرش آن توسط شش دولت بزرگ جهانی**

جمهوری اسلامی به توفيق الهی و به حول و قوّة الهی، مقتدر و قوی است، روزبه‌روز هم قوی‌تر شده است. ده سال، دوازده سال است که شش دولت بزرگ جهانی - که از لحاظ ثروت اقتصادی و غیره، جزو کشورهای مقتدر دنیا محسوب می‌شوند - اینها نشسته‌اند در مقابل ایران، با هدف اینکه ایران را از پیگیری صنعت هسته‌ای خودش باز بدارند؛ این را صریحاً گفته‌اند. هدف واقعی آنها این است که پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای به‌کلی باز بشود؛ این را سال‌ها پیش هم به مسئولین ما صریحاً بیان کردند، الآن هم در همین آرزو هستند. ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه‌اش این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گرددش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را

تحمل کنند. تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ گرددش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آنها سال‌ها تلاش کردند، ولی امروز روی کاغذ آورده و امضا دارند می‌کنند که حرفی ندارند. این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟ این بر اثر ایستادگی ملت، مقاومت ملت، و بر اثر شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ماست. رحمت خدا بر شهرباری‌ها و رضائی‌نژادها و احمدی‌روشن‌ها و علی‌محمدی‌ها؛ رحمت خدا بر شهدای هسته‌ای، رحمت خدا بر خانواده‌های اینها، رحمت خدا بر ملتی که پای حرف حق خود و احقيق حق خود می‌ایستد.^{۱۰}

افزایش اقتدار درونی کشور

کسب رتبه‌های برتر علمی نشانه استعداد و پیشرفت‌های علمی فرزندان انقلاب است. ... این نشانه‌ها و پیشرفت‌ها همان چیزی است که به قدرت و اقتدار درونی کشور می‌افزاید.^{۱۲}

حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

نقش شهدا در بازتولید معارف اساسی

یکی از برکات‌انقلاب اسلامی، بازتولید معارف اساسی اسلامی در این زمان است. خیلی از این معارف بزرگ را ما در کتاب‌ها و در ذهن‌ها داشتیم، لکن انقلاب اسلامی این معارف را مجسم کرد و تحقیق عینی داد. یکی از بخش‌های بسیار مهم این معارف، عبارت است از منظومة معارف مربوط به شهادت، همین چیزی که در این آیه شریفهای که تلاوت کردند، به صراحة از آن یاد شده است: «وَ لَا تَحَسَّبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحِياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزَقُونَ * فَرِحِينٌ بِمَا آتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يُسْتَبَشِرونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحِقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (آل عمران ۱۶۹ و ۱۷۰؛ هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمان‌اند، و برای کسانی که از پی ایشان‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمنی بر ایشان است و نه اندوه‌گین می‌شوند.» این یک معرفت است، یکی از معارف بزرگ اسلامی است؛ [یعنی] نقش برانگیزاننده و زنده‌کننده شهادت در نظام اجتماعی مسلم. شهیدان بشارت

می‌دهند به کسانی که به آنها ملحق نشدند - مثل من و شما - که در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست؛ هرچه هست بهجهت است، ابتهاج (شادمانی) است، نشاط است، روحیه است، امید است؛ این درس است. این درس در مجموعه تاریخ جمهوری اسلامی تکرار شد؛ شهدای ما با انگیزه و با نشاط وارد این میدان شدند، تلاش کردند، و این تلاش آنها که صادقانه بود، با پاداش الهی همراه شد و به شهادت رسیدند که این شهادت بی‌شک یک نعمت بزرگ و یک پاداش بزرگی است که خدا آن را به این بندگان مخلص پاک‌دست پاک‌نهاد داد و به آنها ارزانی داشت. شهدا وارد این میدان شدند با نشاط، خدا را ملاقات کردند با رضایت الهی، و در نشئه پس از مرگ، نه اندوهی به آنها رسید نه بیمی در دل آنها پدید آمد؛ این را منعکس می‌کنند به جامعه، این را سرریز می‌کنند به مردمی که به آنها ملحق نشده‌اند. کما اینکه در این سال‌های متتمدی همین را مشاهده کردیم: هرجا شهادتی اتفاق افتاد، پشت سر آن، افتخار خانواده شهید بود، احساس عزّت بازماندگان شهید بود، هیجان و ابتهاج معنوی و روحیه مضاعف در مردم بود و تأثیرات اجتماعی فراوان؛ از جمله آنها و جزو بارزترین آنها حادثه هفتم تیر است.^۲

نقش شهداي هفتم تير

در افشاء ماهیت تروریست‌ها

هفتم تیر حادثه کوچکی نبود؛ مدیران بر جسته مؤثر حاضر در نظام را - ۷۲ نفر را - یکجا نابود کردن، به حسب ظاهر. که شخصیتی مثل شهید بهشتی در میان اینهاست؛ شهید بهشتی جزو نواصر زمان بود، جزو کسانی بود که نظیر او را انسان در نسل‌های پیاپی کمتر پیدا می‌کند. چنین کسی را، تعداد قابل توجهی از وزرای کارآمد را، از نمایندگان مجلس را، از فعالان سیاسی و انقلابی را یکجا از مردم بگیرند، خب! اثر طبیعی و معمولی این حادثه چیست؟ شکست ملت، شکست انقلاب، قاعده‌تاً این باید باشد؛ اما درست به عکس شد. درست عکس این حادثه، عکس آنچه دشمن از این حادثه انتظار داشت به وقوع پیوست. ملت متّحد شد؛ مسیر انقلاب در یک مسیر واقعی قرار گرفت، در مسیر صحیح قرار گرفت؛ دشمنان ملت افشا شدند، رسوا شدند.

بعضی از کسانی بودند که مباشر این جنایت بزرگ بودند و سال‌های متمادی در بین مردم، در بین

جوان‌ها با تبلیغات، خودشان را جور دیگری - طرفدار آزادی، طرفدار ارزش‌ها - معرفی کرده بودند، اینها افشا شدند؛ معلوم شد یک مشت تروریست فاقد هرگونه مبنای ذهنی و اعتقادی و انقلابی‌اند؛ همین‌ها بودند که بعد از آنکه اندک مدتی از این حادثه گذشت، به کسی مثل صدّام حسین پناه‌نده شدند؛ علیه مردم عراق هم کار کردند، علیه مردم ایران هم تلاش کردند، در میدان‌های جنگ حاضر شدند، با ملت خودشان جنگیدند؛ افشانگری از این بالاتر؛ اینها مبشارین بودند. عده‌ای دست‌های پشت پرده بودند؛ آنها هم افشا شدند. کسانی بودند که مؤید این حرکت و این جنایت بودند؛ اینها هم افشا شدند؛ چه در داخل کشور، چه در خارج از کشور؛ همه فهمیدند که چه اتفاقی افتاد در این کشور و چه کسانی با ملت ایران مواجه‌اند و مقابله‌اند. عده‌ای هم بودند که اینها سکوت کردند، سکوت همراه با رضا: «سمعت بِذلِكَ فَرَضِيتْ بِهِ» (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۳۳) که آنها هم افشا شدند.^۲

اوج‌گیری ارزش‌ها پس از رحلت امام رهنما تاکنون

بعد از رحلت امام، سعی یک مجموعه مصممی بر این شد که آرمان‌های انقلاب را به‌کلّ بشویند بگذارند کنار. بعضی‌شان اشتباه کردند و همان اوّل، همین را اعلان هم کردند. در روزنامه مقاله نوشتند، حرف زدند. اینجا یک خطای راهبردی کردند یا خطای تاکتیکی کردند و مشت خودشان را باز کردند که می‌خواهند آرمان‌ها را به‌کلّ، کنار بگذارند. البته حالا پخته‌تر شده‌اند، حالا نمی‌گویند، می‌خواهند بعضی‌ها آرمان‌ها را کنار بگذارند اماً صریح نمی‌گویند، به‌جای اینکه بگویند عمل می‌کنند. آنوقت، بی‌عقل‌ها (خندهٔ حضار) قبل از اینکه عمل بکنند بنا کردند گفتن. خب! کسانی را هم که حدس نمی‌زدند که چنین چیزی وجود داشته باشد، بیدار کردند. از آن روز شروع شده. بی‌وقفه هم کار کردند. فقط هم در داخل کار نکردند؛ هم در داخل کار کردند، هم در خارج کار کردند، هم از عنصر فکری استفاده کردند، هم از عنصر علمی استفاده کردند، هم از عنصر هنری استفاده کردند، هم از عنصر سیاسی استفاده کردند، برای اینکه آرمان‌ها را در کشور از بین ببرند، یعنی نسل جدید آرمان‌ها را به‌کلّ فراموش کند. حالا شما نگاه کنید، ببینید که نشاط و حیات آرمان‌ها در کشور علی‌رغم آنها در چه حد است. ... بیشتر پیشرفت‌های علمی بر جستهٔ ما به‌وسیلهٔ جوانان ارزشی به وجود آمده؛

بیشترین جلسات مذهبی و معنوی و دینی از جوان‌ها تشکیل می‌شود؛ بیشترین عناصر شرکت‌کننده در مظاهر مربوط به جمهوری اسلامی و انقلاب، جوان‌هایند؛ این جوان‌هایی که نه جنگ را دیدند، نه امام را دیدند، نه انقلاب را دیدند، نه درست برایشان تشریح شده. به شما عرض بکنم؛ شما عزیزان من - خب بعضی از شما جای فرزند من هستید و در مرتبه فرزند من، بعضی در مرتبه نوء من - شما از خیلی از حوادث، خبر هم ندارید، با همه این حرف‌هایی که حالا گفته می‌شود. یعنی مسائل اوّل انقلاب، مسائل انقلاب، جزئیات انقلاب، جزئیات دوران دفاع مقدس، حتی درست تشریح هم نشده - البته کتاب نوشته می‌شود؛ لکن با تیراژ دو هزار، سه هزار، پنج هزار، ده هزار؛ من می‌خوانم این کتاب‌های مربوط به مسائل مربوط به دفاع مقدس را؛ فرصت می‌گذارم برای خودم، یک نگاهی می‌کنم و می‌خوانم - اینها خیلی بخش کوچکی است از واقعیت‌ها؛ اینها را شما نمی‌دانید. آن وقت جوانی که از این واقعیات بسیار درخشنan و جذاب و پُرکشش و هیجان‌انگیز اطلاع درستی هم ندارد، این‌جور گرایش به آرمان‌ها دارد. یعنی علی‌رغم و به کوری چشم کسانی که می‌خواستند آرمان‌ها در کشور نابود بشود و از بین بروند، آرمان‌ها از بعد از رحلت امام تا امروز اوج گرفته. این یکی از واقعیت‌های ^۷کشور است.

احزاب و گروه‌های سیاسی

عدم سختگیری بر تشکل‌های انقلابی

گفته شد: سختگیری بر تشکل‌های انقلابی است ...

به من هم گزارش شده. من همینجا به مسئولین محترمی که تشریف دارند - وزرای محترم - (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دکتر محمد فرهادی و وزیر پedaشت، درمان و آموزش پزشکی دکتر سیدحسن قاضیزاده‌هاشمی). می‌گویم که به‌هیچ‌وجه نگذارید افرادی که کلیدهای کار دستشان است، بر تشکل‌های انقلابی و تشکل‌های اسلامی سختگیری کنند. مطلقاً اجازه این کار داده نشود و فضا را تنگ نکنند؛ بگذارند تشکل‌های اسلامی و تشکل‌های انقلابی کار کنند. خب! همین حرف‌هایی که اینجا زده شد، اینها حرف‌های ماست؛ اینها همان حرف‌هایی است که ما باید بزنیم؛ همان کارهایی است که ما باید بکنیم؛ این جوانها هم دارند این حرف‌ها را می‌زنند که حالا من نقش بسیار مؤثر گفتن و بازگفتن و بازگفتن این حرف‌ها از سوی دانشجوها را خواهم گفت؛ بگذارید این حرف‌ها را بزنند؛ بگذارید بیایند کار کنند؛ اجازه بدهید تشکل‌های دانشجویی، تشکل‌های انقلابی و اسلامی - بهخصوص روی تشکل‌های انقلابی من تکیه دارم - دست‌و بالشان

^۷ باز باشد، امکانات داشته باشند، محدودشان نکنند.

آرمان خواهی اولین فریضه دانشجویی

یکی از فرائض هم فرائض دانشجویی است. قشر دانشجو یک قشر ممتاز است، یک قشر ویژه است؛ به دلایلی که من در این جلسات ماه رمضان سال‌ها با دانشجوها مکرّر گفتم و دیگر نمی‌خواهم تکرار بکنم؛ یک فرائضی دارد. اولین فریضه دانشجویی عبارت است از آرمان خواهی. یک عدد ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسليم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد - باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آنها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمتان به آرمان‌ها باشد. این اوّلین فریضه دانشجو است.^۷

آرمان‌های دانشجویی

اوّلین فریضهٔ دانشجویی عبارت است از:
آرمان خواهی! ... آرمان‌ها چه هستند؟ جزو چیزهایی
که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمان‌ها:

۱- ایجاد جامعه و تمدن اسلامی:

یکی مسئلهٔ ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛
یک عدّه‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف‌ها؛ نه، اسلام آمده است که: «الا لِيَطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ (نساء ۶۴) «مَنْ أَنْكَهَ بِهِ تَوْفِيقَ الْهُنْدِ إِذَا وَأْتَاهُنَّهُ كَتَنْد»، فقط هم اسلام نیست؛ همهٔ پیغمبران همین جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقیق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها این است.

۲- ایجاد تفکر اعتماد به نفس ملّی:

یک آرمان دیگر عبارت است از آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما می‌توانیم» که در حرف‌های شما هم بود؛ این یک آرمان است. باقیستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملّی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملّی بود و به عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود. البته تعقیب آرمان‌ها یک لوازمی دارد که باید به آن لوازم عمل بشود.

۳- مبارزه با نظام سلطه و استکبار:

یکی از آرمان‌ها ... مبارزه با نظام سلطه و استکبار است. نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می‌شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده این است؛ یک عدد ای سلطه‌گرند، یک عدد سلطه‌پذیرند. دعوای با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوای با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست،

خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد - پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی - نشان داده می‌شود به ملت‌ها که می‌توان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد؛ همه دعواها سر این است، بقیه حرف پیشرفت‌ها بهانه است.

۴- عدالت‌خواهی:

از جمله آرمان‌ها، عدالت‌خواهی است؛ ... مسئله عدالت‌خواهی خیلی مهم است، شُعب گوناگونی دارد؛ به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعاً دنبال بود. از جمله، مسئله سبک زندگی اسلامی است. از جمله آزادی‌خواهی است؛ آزادی نه به معنای غلط و منحرف‌کنندهٔ غربی که معنای آزادی این است که دختر این جوری زندگی کند، پسر این جوری زندگی کند. لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنت‌های اسلامی و سنت ازدواج، با

سنت ازدواج صریحاً مخالفت می‌کنند و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متأسفانه این را ترویج می‌کنند؛ باید با اینها مقابله کرد. مسئله آزادی خواهی در اندیشه، در عمل فردی، در عمل سیاسی، در عمل اجتماعی و در جامعه که معنای آزادی خواهی در جامعه همان استقلال است.

۵- رشد علمی:

از جمله آرمان‌ها رشد علمی است؛ از جمله آرمان‌ها کار و تلاش و پرهیز از تنبیلی و نیمه‌کاره کار انجام دادن است.

۶- ایجاد دانشگاه اسلامی:

از جمله آرمان‌ها، ایجاد دانشگاه اسلامی است؛ اینها آرمان‌هاست.^۷

الزامات تأثیرگذاری تشكل‌های اسلامی

اگر تشكّل‌های دانشجویی و جریان دانشجویی بخواهند یک چنین تأثیرگذاری‌ای [گفتمان‌سازی آرمان‌ها] را به دست بیاورند، الزاماتی دارد؛ این الزامات را باید رعایت کنند:

۱- ضرورت تحقیق در مفاهیم اسلامی:

یکی از این الزامات عبارت است از کار بر روی مفاهیم اسلامی، یعنی عمقی روی مسائل کار کردن؛ سطحی نگری ضرر می‌زند. من البته امروز در صحبت‌هایی که این دوستان کردند - در بعضی از صحبت‌ها، حالا نمی‌گوییم در همه آنها - نشانه‌های تعمّق را مشاهده کردم. دیدم خوشبختانه جوان دانشجو به مسائل، با نگاه عمقی نگاه می‌کند. این شرط اول است. ... تشكّل‌های دانشجویی، روی معارف اسلامی کار کنند. کتاب هم کم نداریم؛ کتاب خیلی داریم. یک روزی ما ناچار بودیم فقط به کتاب‌های شهید مطهری ارجاع بدھیم - البته آن کتاب‌ها باز هم همچنان در قله است و خیلی بالرزش است - اما امروز غیر از آنها هم کتاب‌های زیادی داریم؛ دانشجویان می‌توانند شیوه‌ها و روش‌های مطالعاتی انتخاب بکنند،

مطالعه کنند، کار کنند، بحث کنند، جلسه خطابه بگذارند، به اصطلاح کنفرانس بگذارند، میزگرد بگذارند؛ یعنی سطح را بالا ببرند. یکی از الزامات این است.

۲- لزوم ایجاد جاذبه با ارائه حرف‌های نو:

یکی از الزامات اثرگذاری این است که بتوانید بدنه دانشجویی را جذب کنید. تشکل‌ها یک اقلیت دانشجویی‌اند. مجموع شما تشکل‌ها را که جمع کنند، در بین خیل انبوه دانشجوها اکثریت نیستند. باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجو را جذب کند. جاذبه چگونه به وجود می‌آید؟ تصور من این است که راه‌های زیادی وجود دارد؛ ... ابتکارهایی را پیدا کنید برای جذب کردن مجموعه‌های دانشجویی.

البته جذب‌ایت از راه اردوی مختلط، صدرصد غلط و خطاست. بعضی‌ها این جوری جذب‌ایت می‌خواهند ایجاد کنند. یک مجموعه دانشجویی، حالا یا به عنوان پُرطمپراق مجموعهٔ صنفی و علمی و تخصصی، یا حتی زیر عنوان اسلامی، دختر و پسر را با هم بردارند ببرند کوه، بردارند ببرند سفر، بردارند ببرند اروپا؛

اردوهای خارج از کشور! اینها قطعاً خیانت به محیط
دانشجویی است و خیانت به نسل آینده کشور است؛
بدون تردید. راه جذب‌آیت اینها نیست. همچنان‌که
گفتند، بندۀ هم تأکید کردم، راه جذب‌کردن
مجموعه‌های شما این نیست که کنسرت موسیقی راه
بیندازید. ... اگر قرار است که ما جوان را به فسق و
فجور و عیش و عشرت و موسیقی حرام و از این قبیل
چیزها بکشانیم، خب چرا اسممان را بگذاریم اسلامی؟
این که دیگر اسلامی نیست؛ این غیر اسلامی است،
این ضد اسلامی است. بنابراین جاذبه‌ای که بندۀ
می‌گوییم تشکّل اسلامی باید پیدا کند، از این قبیل
جادبه‌ها نیست، اینها ضد مصلحت است، ضد حق
است؛ اینها خیانت به محیط دانشجویی است؛ جاذبه از
راه‌های درست.

یکی از انواع ایجاد جاذبه این است که حرف نو
پیدا کنید: «سخن نو آر که نو را حلاوتیست
دگر»؛ (فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نو را
حلاوتیست دگر «فرخی سیستانی») حرف‌های نو. حرف‌های نو
به معنای حرف‌های من درآورده نیست، خیلی از
حقایق هست که با مطالعه در قرآن، با مطالعه در

نهج البلاغه و در روایات، انسان به آنها برخورد می‌کند.
... خیلی حرف‌های تازه وجود دارد؛ بگرددند حرف‌های
تازه را پیدا کنند؛ متنه آدم‌هایی باشند که اهلیت این
کار را داشته باشند؛ بتوانند. حرف نو هم فقط حرف نو
دینی نیست، حرف نو سیاسی هم هست، حرف نو
اجتماعی هم هست، حرف نو در زمینه مسائل
بین‌الملل هم هست. شما وقتی که در تشکیل خودتان
حرف نو، سخن نو مطرح کردید، جوان جذب
می‌شود؛ جاذبه دارد دیگر؛ حرف نو جاذبه دارد.

۳- ضرورت استفاده از شیوه‌های هنری:

یکی دیگر از روش‌ها استفاده از بخشی از
شیوه‌های هنری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته؛
مثلاً تئاتر؛ تئاتر دانشجویی. متأسفانه در محیط هنری
ما، تئاتر از اوّل هم بد متولد شده. یعنی تئاتر ما، یا
تئاتر لغو بیهوده مثل روحوضی‌های مثلاً این جوری
بوده، یا تئاتر اعتراضی بی‌جهت یعنی بدون
سمت و سوی درست و حسابی بوده؛ بعد هم با یک زبان
ابهام، خیال می‌کنند که تئاتر حتماً بایستی زبان ابهام و
سمبلیک و رازآلود داشته باشد که چنین چیزی نیست.
تئاتر یعنی بازیگری جلو چشم بیننده در صحنه.

برخلاف سینما، برخلاف فیلم که فقط روی پرده شما یک چیزی را می‌بینید، اینجا در تئاتر، انسان‌ها را حس می‌کند، حرفشان را از زبان خودشان می‌شنود. در این می‌تواند خیلی چیزهای سازنده‌ای باشد. تئاتر؛ تئاترهای دانشجویی. گروه‌های هنرمند بنشینند واقعاً مفاهیم حقیقی اسلامی را بیان کنند. ...

کاریکاتور. کاریکاتور یکی از شیوه‌های هنری بسیار مؤثر است. طنز. کارهای طنز که جوان‌ها خوشبختانه در این زمینه‌ها کارهای خوبی کرده‌اند و می‌کنند. اینها کارهای خیلی خوبی است. فعالیت دانشجویی صرفاً به معنای اعلام مواضع بهوسیله یک اعلامیه نیست که یک کار تکراری است و ممکن است جاذبه‌ای نداشته باشد؛ یا یک کتاب مثلاً بنویسیم بدھیم، یا یک جلسه دانشجویی درست کنیم؛ فقط اینها نیست؛ البته اینها هم خوب است اما کارهای جدید می‌توان انجام داد. مثل فرض بفرمایید که سرود، یا نشریه‌های صوتی؛ بحث سرود، بحث شعر، یک کار هنری است؛ واقعاً بپردازند. مسائلی وجود دارد که با شعر، با اجرای شعری و هنری، تأثیر چند برابر پیدا می‌کند. از این روش‌ها استفاده کنند. البته من حالا

عرض کردم که بنده اگر بخواهم ابتكارات را ذکر کنم، ممکن است همین هفت هشت مورد را بگویم، شما که جوانید، بنشینید فکر کنید، ممکن است بیست مورد، سی مورد ابتكارات جدیدی به ذهستان برسد. از اینها استفاده کنید تا جاذبه پیدا بکند.

۴- لزوم ایجاد توانایی اقناع فکری:

یکی از راههای تأثیرگذاری و جذاب شدن تشکّل‌ها، اقناع فکری است؛ اقناع فکری؛ طرف را بتوانید قانع کنید. این، فرع بر این است که خودتان درست کار کنید؛ حقیقتاً وقتی یک حقیقتی جزو فکر شما و ذهن شما شد، می‌توانید، قدرت اقناع پیدا می‌کنید، مخاطبین را اقناع می‌کنید؛ اقناع فکری. اگر چنانچه ما بخواهیم با تشر و تُشور و تهدید و ضرب و زور، یک چیزی را به ذهن طرف تحمیل بکنیم، ممکن هم هست مثلاً فرض کنید که تحت تأثیر هیجانات، به صورت لحظه‌ای قبول هم بکند اما ماندگار نیست. ... در اسلام، اقناع داریم؛ معنای این «لا اکراه فی الدین» (بقره ۲۵۶ «در دین هیچ اجباری

نیست.» هم که در قرآن هست، این است، یعنی تفکر دینی را جز با اقناع نمی‌شود منتقل کرد و منعکس کرد. بتوانید اقناع کنید؛ این، جاذبه ایجاد می‌کند. بنابراین یکی از عواملِ جاذبه این است.

۵- استفاده از فرصت حضور اساتید ارزشی:

یکی از چیزهای دیگر حضور اساتید ارزشی است. از این اساتید ارزشی استفاده کنید. ... اساتید ارزشی، اساتید مؤمن؛ هم در وزارت علوم، هم در وزارت آموزش پزشکی ... است، عناصر بسیار خوبی هستند؛ از اینها استفاده کنید در تشکل‌ها؛ از اینها بخواهید بیایند وقت بگذارند؛ حتی از خارج از دانشگاه. ... اینها را در تشکل‌ها بخواهید.

البته این جنبه اثباتی قضیه است، جنبه سلبی هم این است که از عناصری که نامطمئن بودن خودشان را اثبات کردند، مطلقاً استفاده نکنید؛ مطلقاً استفاده نکنید. بعضی‌ها هستند که نشان دادند و ثابت کردند که عناصر نامطمئنی‌اند. ... بی‌اعتمادی خودشان را برای نظام ثابت کردند، برای کشور ثابت کردند، برای جمهوری اسلامی

ثابت کردند؛ هم برای اسلامیت، هم برای جمهوریت. همین‌هایی که سال ۸۸ آن بازی را راه انداختند، خب! اینها با جمهوریت نظام جمهوری اسلامی مخالفت کردند، بدون هیچ منطقی، بدون هیچ حرف قابل قبول و پسندیده در مقابل آدم‌های بالانصاف. اینها نامطمئن‌اند؛ من استفاده از اینها را مطلقاً توصیه نمی‌کنم، به هیچ وجه؛ نه به شماها و نه به هیچ دانشجویی و نه به هیچ دانشگاهی توصیه نمی‌کنم. اساتید خوب هستند، از اینها استفاده کنید.

۶- لزوم شناخت وضع کنونی کشور:

یکی از چیزهایی که برای تشکل‌ها به نظر من خیلی لازم است و خوب است، فهم وضع کنونی کشور است. وضع کشور، منظور فقط وضع داخلی و مشکلات موجود و همین مطالبی که گفته شد - مسائل مربوط به روستاهای عدالت‌خواهی، اقتصاد مقاومتی، مشکلاتی که هست، مشکلات مدیریتی، مدیریت جهادی و مانند اینها - نیست؛ اینها البته جزئی از واقعیت‌هاست.^۷

خطر ایجاد جاذبه دانشجو از راههای غلط

یکی از الزاماتِ اثرگذاری این است که بتوانید بدنهٔ دانشجویی را جذب کنید. ... باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجو را جذب کند. جاذبه چگونه به وجود می‌آید؟ تصور من این است که راههای زیادی وجود دارد؛ ... ابتکارهایی را پیدا کنید برای جذب کردنِ مجموعه‌های دانشجویی.

البته جذبیت از راه اردوی مختلط، صدرصد غلط و خطاست. بعضی‌ها این جوری جذبیت می‌خواهند ایجاد کنند. یک مجموعهٔ دانشجویی، حالا یا به عنوان پُرطه طراقِ مجموعهٔ صنفی و علمی و تخصصی، یا حتی زیر عنوان اسلامی، دختر و پسر را با هم بردارند ببرند کوه، بردارند ببرند سفر، بردارند ببرند اروپا؛ اردوهای خارج از کشور! اینها قطعاً خیانت به محیط دانشجویی است و خیانت به نسل آیندهٔ کشور است؛ بدون تردید. راه جذبیت اینها نیست. همچنان‌که گفتند، بنده هم تأکید کردم، راه جذب کردن مجموعه‌های شما این

نیست که کنسرت موسیقی راه بیندازید. گفتم که یک روزی - سال‌ها پیش البته - تشكّل‌های دانشجویی یک‌چنین کاری را کردند. برای ما سؤال ایجاد شد که این مجموعه دانشجویی چرا این کار را می‌کند؟ خیلی برای من تعجب‌آور بود. وقتی که پرسیدیم، گفتند می‌خواهیم دانشجوها را جذب کنیم. خب! چویش را بعداً خوردیم.

بنده یادم آمد یک ماجراجویی را که سید قطب در یکی از کتاب‌هایش نقل می‌کند که بنده هم در یکی از نوشته‌ها که مال سال‌ها پیش است - مال قبل از انقلاب است - آن را از قول او نقل کردم. می‌گوید در یکی از شهرهای آمریکا داشتم می‌رفتم، رسیدم به یک کلیسا‌بی؛ دیدم بغل کلیسا یک سالن اجتماعات است. آنوقت آنجا برنامه زده‌اند «برنامه شب»؛ برنامه را که خواندم، دیدم نوشته مثلاً موسیقی فلان‌جور، بعد موسیقی فلان‌جور، بعد آواز فلان‌جور، بعد یک شام سبک، بعد مثلاً جلسه چنین؛ علاقه‌مند شدم بروم ببینم قضیه چیست؟ گفت شب رفتم دیدم بله، یک

سالنی است مثل یک کاباره! آنجا دخترها، پسرها،
جوان‌ها می‌آیند می‌نشینند، با هم مأнос می‌شوند؛
آنچه هم برنامه‌هایی هست روی سِن؛ موسیقی و
مانند اینها هست؛ من هم تماشا می‌کردم وضعیت
اینجا را. بعد هم یک شام سبکی آوردند، دادند
خوردیم و بعد مثلاً یک نوشابه‌ای، چیزی؛ (خنده
حضور) قسمت جالبیش اینجا است؛ می‌گوید که شب
چند ساعتی گذشت، آخر شب شد، دیدیم که
کشیش - کشیش آن کلیسا که این سالن، مربوط به
آن کلیساست - با وقار تمام از یک طرف سِن وارد
شد، رفت و یک مقدار از این کلیدهای برق را زد
و بعضی از چراغ‌ها را خاموش کرد بعد هم
کشیش رفت. می‌گوید من دیگر رفتم و نماندم.
(خنده حفّتار) می‌گوید فردا رفتم سراغ آن کشیش،
گفتم که خب! این چه وضعی است؟ آخر شما
روحانی هستید، شما آخوند هستید، مبلغ دین
هستید، این چه وضعی بود مثلاً شما دیشب با
این‌همه جوان و این برنامه‌ها؟ گفت که آقا، شما
توجه ندارید؛ من برای جذب کردن جوان‌ها به

کلیسا مجبورم این کار را بکنم؛ می‌گفت به او گفتم
- حالا به تعبیر بنده - مردeshور این کلیسا را ببرد!
(خنده حضّار) خب بگذار بروند کاباره؛ اگر همان
کارهایی که در کاباره می‌کنند، اینجا بناست بکنند،
خب بروند همان کاباره بکنند؛ چرا بیایند کلیسا؟
اگر قرار است که ما جوان را به فسق و فجور
و عیش و عشرت و موسیقی حرام و از این قبیل
چیزها بکشانیم، خب! چرا اسممان را بگذاریم
اسلامی؟ این که دیگر اسلامی نیست؛ این
غیر اسلامی است، این ضداسلامی است. بنابر
این جاذبه‌ای که بنده می‌گوییم تشکّل اسلامی باید
پیدا کند، از این قبیل جاذبه‌ها نیست، اینها ضد
مصلحت است، ضد حق است؛ اینها خیانت به
محیط دانشجویی است؛ جاذبه از راه‌های درست.^۷

شرط تأثیرگذاری

بر محیط دانشجویی و محیط کشور

بنده از خودم و از دیگران خیلی انتظارات دارم؛
باید کار بیشتری بکنیم، پیشرفت‌های بیشتری پیدا
کنیم، دهه پیشرفت و عدالت را واقعاً با پیشرفت و
عدالت تمام کنیم؛ اینها را بنده قبول دارم، متنهای آن
بخش دیگر قضیه، پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها و
واقعیت‌ها است. خب! با یک چنین واقعیت‌هایی،
تشکّل‌های دانشجویی می‌توانند کار کنند. بشنینید
روی مسائل بین‌الملل جمهوری اسلامی کار کنید؛
روی قضایای یمن، روی قضایای عراق، روی
قضایای سوریه، تحلیل‌های جذاب، نگاه به آینده.
... بالاخره بایستی اگر می‌خواهید تأثیر محیط
دانشجویی بر کشور آن‌طور که عرض کردیم باشد،
راهنمای این است: شما روی محیط دانشجویی
اثر بگذارید، محیط دانشجویی هم روی کشور
اثر می‌گذارد.^۷

ظهور تشکل‌های یکبار مصرف

در محیط دانشجویی

تشکل‌های دانشجویی می‌توانند کار کنند. ... البته خب! تشکل‌هایی هم هستند که مثل ظرف‌های یکبار مصرف، فقط برای انتخابات به وجود می‌آیند؛ مصرفش فقط انتخابات است. بعضی از تشکل‌ها این‌جوری هستند؛ تشکل را درست می‌کنند، خجالت هم نمی‌کشند بعضی‌ها، (خنده حضار) می‌گویند هم که این تشکل را درست کردیم برای اینکه در انتخابات فلان‌جا به دردمان بخورد. خب بابا! اینکه اهانت به دانشجوست؛ نگاه ابزاری به دانشجو، آن هم دانشجوی نخبه‌ای که حالا در یک تشکل بناست گرد بیاید، این اهانت به اوست. مگر انتخابات چقدر قیمت دارد که انسان به‌خاطر آن، دانشجو را تحقیر کند؛ آن هم دانشجوی نخبه را. این تشکل‌ها را بنده اعتقادی ندارم و معتقد نیستم که اینها به نفع کشوراند یا می‌توانند مفید باشند برای کشور؛ تشکیل آنها را توصیه نمی‌کنیم، لکن تشکل‌هایی که واقعاً اسلامی‌اند، علاقه‌منداند و در خدمت انقلاب و اسلام و آینده کشورند، می‌توانند خیلی مفید باشند.^۷

آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف

جایگاه شعار و عمل

یک جمله‌ای را یکی از عزیزان و دانشجویان مطرح کردند، گفتند از شعار کاری ساخته نیست؛ بله، اگر چنانچه این شعار به این معنا باشد که ما دائم شعار بدھیم اما دنبالش عمل نباشد، بله راست است، کاری از صرف شعار ساخته نیست؛ لکن شعار را چیز کم خاصیتی ندانید؛ شعارها مهم‌اند. من یادم نمی‌رود، سال‌ها قبل از انقلاب در مشهد، یک جلسه دانشجویی داشتیم که من تفسیر می‌گفتم. ... یکی در آن جلسه شعار داد؛ بندۀ آن جلسه را با یک ترتیبی، با یک پیش‌بینی‌ای پیش می‌بردم؛ یعنی مباحث اساسی و اصولی انقلابی را در خلال تفسیر آیات متقل می‌کردم؛ دلم نمی‌خواست با کارهای ظاهری، دستگاه حساس بشود و جلوی کار ما را بگیرد. من در صحبتیم گفتم خواهش می‌کنم شعار ندهید؛ شعار نه حرف است، نه عمل است؛ حرف نیست، چون یک کلمه است؛ عمل نیست، چون یک صدایی است که از

حنجره شما می‌آید بیرون؛ این را من در سخنرانی آنجا گفتم. هفتة بعد در روز جلسه یکی از دانشجوها گفت من به مطلبی که هفتة گذشته فلانی گفت، می‌خواهم اعتراض کنم؛ گفتیم اعتراض کن. گفت ایشان گفتند شعار نه حرف است، نه عمل؛ در حالی که اتفاقاً شعار هم حرف است، هم عمل. حرف است، برای خاطر اینکه یک کلمه است و مضمون مهمی دارد؛ بله، یک جمله است لکن نشان‌دهنده یک مجموعه مضمون و محتوا است؛ بنابراین شما که اهل حرف‌اید - ما اهل حرف بودیم؛ حرف می‌زدیم، بیان می‌کردیم - این حرف را باید مغتنم بشمریم. و اماً عمل است، برای خاطر اینکه برانگیزاننده است؛ شعارها انسان‌ها را در صحنه می‌آورند، اینها را بسیج می‌کنند، جهت می‌دهند؛ پس عمل است. بله، برخلاف گفته استاد - بنده را می‌گفت - که گفتند شعار نه حرف است، نه عمل؛ شعار هم حرف است، هم عمل. آن جوان دانشجویی که آن روز این حرف را زد، امروز یکی از مسئولین کشور

است که همه شما او را می‌شناسید. من نشسته بودم آنجا و آماده بودم برای صحبت؛ وقتی گوش کردم، گفتم حق با این آقاست، راست می‌گوید؛ شعار هم حرف است، هم عمل است. حالا هم همین را بهتان می‌گوییم؛ اگر شعار، خوب، پُرمحتوا، پُرمضمون، حاکی از یک حقیقت قابل گسترش فکری انتخاب بشود، این می‌شود هم حرف، هم عمل؛ مطرح کردن آن جهت‌دهنده و برانگیزاننده است. بنابراین کسی باید مثلاً فرض کنید فقط یک کلمه «اقتصاد مقاومتی» را که ما گفتیم، دائم باید تکرار بکند، دنبالش عملی نباشد، بله، از صرف گفتن این حرف، کاری ساخته نیست؛ اما خود این شعار «اقتصاد مقاومتی» اگر در دل و زبان فعالان کشور که از جمله مهم‌ترین اش شما دانشجوها هستید، دنبال بشود و تکرار بشود ... آن وقت مهم است.^۷

ضرورت تشکیل کرسی‌های آزاد‌اندیشی

کرسی‌های آزاد‌اندیشی به معنای واقعی کلمه تشکیل بشود. کاملاً درست است؛ من موافقم که کرسی‌های آزاد‌اندیشی تشکیل بشود. ما که گفتیم کرسی آزاد‌اندیشی، از اول نظرمان همین بود؛ کسی بباید و نظر مخالف خودش را هم بگوید؛ متنهای شما جوان دانشجوی انقلابی مسلمان ولائی، آن قدرت منطق و قوت استدلال را پیدا کنید که بتوانید قشنگ بروید با خونسردی در مقابل او قرار بگیرید و استدلال او را باطل کنید؛ این خوب است، این درست است. و این امروز ممکن است؛ شاید ده سال پیش، دوازده سال پیش، پانزده سال پیش این کار ممکن نبود، امروز ممکن است. امروز جوان‌هایی که در حوزهٔ دیانت فعالیت می‌کنند و توانایی‌های خوب فکری دارند، فراوان‌اند؛ اشکال ندارد. البته یک آداب و ترتیبی دارد؛ یعنی کرسی آزاد‌اندیشی یک ترتیبات و آدابی دارد که باید عقلای مسئولین دستگاه‌ها بنشینند این ترتیب و آداب را - که بتوانند درست هدایت کنند این کرسی‌ها را که کار خودش را انجام بدهد - مشخص کنند.^۷

تشکل‌های دانشجویی

و ضرورت تحقیق در مفاهیم اسلامی

گاهی یک شعارهایی داده می‌شود، شعارهای به‌ظاهر اسلامی که باطنًا اسلامی نیست؛ از جمله چیزهایی که اخیراً خیلی رایج شده و انسان می‌شنود در نوشته‌ها و در گفته‌ها، «اسلام رحمانی» است؛ خب! کلمه قشنگی است، هم اسلامش قشنگ است، هم رحمانی اش قشنگ است؛ اما یعنی چه؟ تعریف اسلام رحمانی چیست؟ خب! خدای متعال، هم رحمان و رحیم است، هم «اشدّ المعقّبین» است؛ هم دارای بیhest است، هم دارای جهّنّم است. خدای متعال، مؤمنین و غیر مؤمنین را یک‌جور به حساب نیاورده: «آفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوِونَ». (سجده ۱۸) آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند. اسلام رحمانی که گفته می‌شود، قضاوتش در مورد مؤمن، در مورد غیر مؤمن، در مورد کافر، در مورد دشمن، در مورد کافر غیر دشمن چیست؟ همین طور پرتاب کردن یک کلمه بدون عمق‌یابی، کاری است غلط و احياناً گمراه‌کننده. بعضی‌ها که در حرف‌ها و نوشتگات و اظهارات این

تعییر «اسلام رحمانی» را به کار می‌برند، انسان مشاهده می‌کند و خوب احساس می‌کند که این اسلام رحمانی یک کلیدوازه‌ای است برای معارف نشست‌گرفته از لیبرالیسم، یعنی آن چیزی که در غرب به آن لیبرالیسم گفته می‌شود. البته تعییر لیبرالیسم و عنوان لیبرالیسم برای تمدن غربی و فرهنگ غربی و ایدئولوژی غربی هم تعییر غلطی است؛ چون واقعاً آنها نه لیبرال‌اند، نه اعتقاد به لیبرالیسم به معنای واقعی کلمه دارند؛ ولی خب حالاً یک اصطلاحی است لیبرالیسم. اگر اسلام رحمانی اشاره به این است، این، نه اسلام است، نه رحمانی است؛ مطلقاً. تفکر لیبرالیستی از تفکر اروپایی قرن هجدهم و نوزدهم - یعنی زیربنای فکری او مانیستی که نفی معنویت و خدا و مانند اینهاست - سرچشمه می‌گیرد. چون خدایی نیست، پس سلیقه‌ای است؛ چیزهای بشری این جوری است؛ حتی در حقایق علمی و حقایق آزمایشگاهی، شما ببینید سلیقه‌ها چقدر مختلف است. امروز یک تشخیصی را در مورد یک ماده‌ای می‌دهند که مثلاً برای فلان بیماری یا برای فلان مشکل، مفید است؛ چند صباح بعد باز هم دانشمندانی اعلام می‌کنند که نخیر، این مفید نیست، مضر است! یعنی کارهای غیر مستند به وحی الهی، در معرض خطأ و

اشتباه و دوگونه اندیشیدن و اینهاست. پس تفکر وقتی خدایی نشد، سلیقه‌ای است؛ سلیقه‌ای که شد، آنوقت ارزش‌ها بر اساس منافع گروه‌های قدرتمند تعریف خواهد شد.

امروز یک چیزی به نام ارزش آمریکایی وجود دارد؛ می‌شنوید در حرف‌های آمریکایی‌ها، می‌گویند ارزش‌های آمریکایی، ارزش‌های ما. بنیان‌گذاران آمریکای مستقل، در قرن هجدهم که آمریکا از استعمار انگلیس خارج شد و به عنوان یک کشوری در آن طرف دنیا خودش را معرفی کرد - همان کسانی که آنوقت بودند، جرج واشنگتن و دوروبری‌هاش و جانشینانش - ارزش‌هایی را گذاشتند؛ اسم اینها ارزش‌های آمریکایی است. خود آن ارزش‌ها در مقام ارزیابی، خیلی‌هاش چیزهای مشکل‌داری است؛ همان چیزهایی است که منتهی می‌شود به این وضعیت جهان‌خوارگی امروز نظام سلطه؛ لکن همان ارزش‌ها - همان چیزهایی‌اش هم که مثبت است، همان چیزهایی‌اش هم که خوب است - امروز در جامعه آمریکایی نظام سیاسی آمریکایی امروز، به فراموشی سپرده شده. بنده یکوقتی چندسال پیش، یک مطالعه‌ای می‌کردم بر روی حرف‌های همین حضراتی که از دویست‌سال پیش، دویست و خردۀای

سال پيش، به اصطلاح بنيان‌گذاران آمريکايند - حرف‌هایي که آنها زدن و منتشروي که آنها تدوين کردن به عنوان منشور آمريکايی و ارزش‌های آمريکايی - و تطبيق می‌کردم با رفتارهای حضرات امروز، دیدم خيلي‌هايش نقض شده است. به ذهنم رسيد همان وقت که جا دارد کسی اين را به رخ ملت آمريكا بکشد که اين ارزش‌هایي که شما می‌گويند اينهاست، اينها امروز در رفتار دولت آمريكا و رژيم ايالات متّحده آمريكا وجود ندارد؛ حالا، همانی که هست. اگر اين اصطلاح «اسلام رحماني» اشاره به يك‌چنين چيزی است که خب، اين صدرصد غلط است.

اگر منظور از اسلام رحماني اين است که ما به همه موجودات عالم با چشم رحمت نگاه کنيم، با چشم موّدّت نگاه کنيم، اين هم درست نيست؛ اين هم خلاف قرآن است. صريح قرآن، ناطق برخلاف اين حرف است. بله، محبت و موّدّت و معادلت (دادگري) را مخصوص مسلمان‌ها نمي‌داند؛ می‌گويد شما که توانايي داري، نسبت به غير مسلمان هم بايستي با موّدّت و معادلت رفتار کنيد، به شرطی که با شما دشمني نكرده باشند و دشمني نخواهند بکنند. اميرالمؤمنين در آن خطبه معروف می‌فرماید: «بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَىٰ

المرأة المسلمة و الأخرى المعايدة؛ (نوح البلاغه، خطبة ۲۷)

بعد در آخرش حضرت می فرماید که جا دارد که انسان مسلمان از این غصه دق کند؛ چرا دق کند؟ برای اینکه سپاه معاویه بر زنان غیر مسلمان - زنان «معاهد»، یعنی مسیحی یا یهودی‌ای که در ذمه اسلام زندگی می‌کند - وارد شدند و به او اهانت کردند و مثلاً دستبندش را و زیورآلاتش را از دستش کردند و بردند. حضرت می‌گوید از این غصه انسان باید دق کند. بله، نسبت به غیر مسلمانی که دشمنی نمی‌کند، این است. قرآن می‌گوید: **«لَا يَنْهِكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يَقْاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّو هُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»**؛ (ممتحنه ۸) «کسانی که کافرند اما به شما دشمنی نکردند و دشمنی نمی‌کنند، با اینها نیکی کنید، با اینها قسط و عدل به کار ببرید»؛ اما از آن طرف می‌فرماید که **«إِلَّا تُقْاتِلُونَ قَوْمًا نَكَشُوا أَيْمَنَهُمْ وَهَمُوا بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةً»**؛ (قویه ۱۳) «با آن کسانی که عهدشکنی می‌کنند، به بر هم زدن کانون زندگی شما و پیغمبرتان همت می‌گمارند و آنها شروع کننده‌اند به دشمنی، می‌خواهید مبارزه نکنید؟» این آیه قرآن است؛ با خطاب عتاب‌آمیز و گلایه‌آمیز یا ملامت‌آمیز

می‌گوید: «أَتَخْشَوْنَهُمْ؟»؛ «از اینها می‌ترسید؟» بعد

می‌فرماید: «فَإِنَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشُوهُ؟»؛ «اگر راست می‌گوید،

اگر مؤمنید، از خدا باید بترسید، نه از این کسان.» خب!

این هم قرآن است. اگر معنای اسلام رحمانی این است

که ما با دشمنانی که علیه اسلام، علیه ایران، علیه ملت

ایران، علیه پیشرفت ایران دارند تلاش می‌کنند و از هیچ

کوششی فروگذار نمی‌کنند، بایستی با چهره محبت آمیز،

با دل صاف و پاک برخورد کنیم، نه، این اسلام نیست.

این جور معارف من درآورده خودساخته را من توصیه

نمی‌کنم، اما به معارف واقعی اسلامی توصیه می‌کنم.

تشکل‌های دانشجویی، روی معارف اسلامی کار کنند.

کتاب هم کم نداریم؛ کتاب خیلی داریم. یک روزی ما

ناچار بودیم فقط به کتاب‌های شهید مطهری ارجاع

بدهیم - البته آن کتاب‌ها باز هم همچنان در قله است و

خیلی بالارزش است - اما امروز غیر از آنها هم کتاب‌های

زیادی داریم؛ دانشجویان می‌توانند شیوه‌ها و روش‌های

مطالعاتی انتخاب بکنند، مطالعه کنند، کار کنند، بحث

کنند، جلسه خطابه بگذارند، به اصطلاح کنفرانس

بگذارند، میزگرد بگذارند؛ یعنی سطح را بالا ببرند. یکی

از الزامات این است.^۷

حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

راههای تحقیق آرمانها

اولین فریضه دانشجویی عبارت است از آرمان خواهی. ... آرمان‌ها چه هستند؟ ... ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی ... ایجاد تفکر اعتماد به نفس ملی ... مبارزه با نظام سلطه و استکبار ... عدالت‌خواهی ... رشد علمی ... ایجاد دانشگاه اسلامی ... خب! ممکن است کسی بگوید ما این آرمان‌ها را چه جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشور اثری نداریم؛ یک عده مدیرانی هستند، دارند کار خودشان را می‌کنند، ما هم اینجا شعار می‌دهیم، حرف می‌زنیم. این اشتباه در فهم مسئله است؛ هرگز این جوری نیست. دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می‌کنید، می‌گویید، تکرار می‌کنید و به جد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، این موجب تصمیم‌سازی می‌شود؛ زیدِ تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیری مدیریت کشوری، وقتی که یک چیزی به عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور می‌شود دنبال بکند. یک نمونه زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به عنوان یک گفتمان درآمد؛

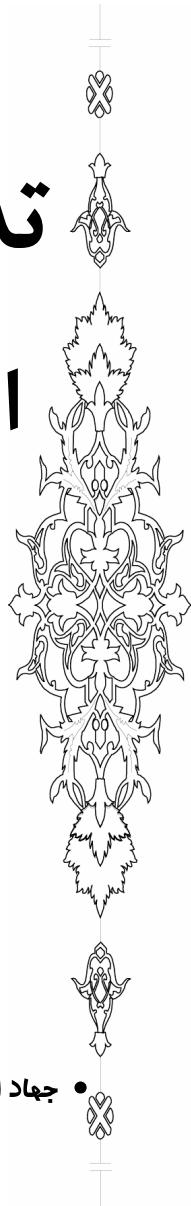
حرکت جامعه براساس آن به وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین طور حرکت می‌کنیم و جلو می‌رویم. در همه زمینه‌ها همین جور است، دانشجو می‌تواند مؤثر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که «دانشجو مؤذن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب می‌مانند»؛ خب! تعبیر خوبی است؛ شما می‌توانید بیدار کننده باشید، می‌توانید گفتمان‌ساز باشید، به هیچ وجه تصوّر نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی‌اثری است.

وقتنان را بیهوده به هدر ندهید؛ خیلی از بچه‌های جوان ما – دانشجو و غیر دانشجو – وقت‌های ایشان را هدر می‌دهند، در این شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها می‌گردند یا در بعضی از جلسات بیهوده بحث و جدل‌های این جوری می‌نشینند. وقت‌نامه را هدر ندهید، وقت‌نامه را درست مصرف کنید، هم به درس برسید، هم به کار تشکیلاتی برسید؛ به هردوی اینها باید برسید.

... اگر محیط دانشجویی، اعتقاد راسخی به یک مطلبی پیدا کرد و آن را دنبال کرد در فعالیت‌های متنوع دانشجویی، این تأثیرگذار در آینده کشور است. این تصوّر درست نیست که فکر کنیم چه فایده‌ای دارد ما

به عنوان دانشجو این فعالیت را بکنیم یا این تلاش را انجام بدھیم؟ چه تأثیری در واقعیت‌های کشور می‌گذارد؟ نه، تأثیر دارد؛ تأثیر زیادی هم دارد. سازوکار تأثیرگذاری اش هم همین است که عرض کردم؛ این تبدیل می‌شود به گفتمان، اوّل در محیط دانشجویی، بعد به تدریج در محیط کشور و این تبدیل می‌شود به یک عنصر تصمیم‌ساز. بله، شما ممکن است در فلان تشکیلات، تصمیم‌گیر نباشید اما می‌توانید تصمیم‌ساز باشید. پس آرمان‌ها را دنبال کنیم. من چند مصداق از مصاديق آرمان‌ها را عرض کردم لکن فقط اینها نیست؛ بگردید در مجموعه بیانات امام، در مجموعه معارف انقلاب اسلامی، در مطالعه دقیق قرآن و نهج البلاغه، آرمان‌ها را فهرست کنید، طبقه‌بندی کنید، دسته‌بندی کنید، روی اینها کار کنید و بر آرمان‌ها ایستادگی کنید. یعنی واقعیت‌ها نباید ما را از آرمان‌ها دور کند؛ واقعیت‌ها باید مثل پلکانی ما را به آرمان‌ها نزدیک کند. اگر یک واقعیت مزاحمی هم پیدا شد، با آن مقابله کنیم، معارضه کنیم، از سر راه برداریم؛ آرمان‌خواهی یعنی این. البته نقطه مقابلش - همان‌طور که عرض کردم - محافظه‌کاری است؛ یعنی با واقعیت‌ها بسازیم، بدش را هم قبول کنیم، خوبش را هم قبول کنیم، به عنوان اینکه «چه کار می‌شود کرد، چاره‌ای نداریم» بگذرانیم که خب! بدیهی است که سرنوشت یک

۷
چنین ملتی به کجا خواهد رسید.



تدابیر اقتصادی و مالی

• جهاد اقتصادی

جهاد اقتصادی

الگوی اقتصاد مقاومتی

این الگو[اقتصاد مقاومتی] البته مخصوص ما نیست؛ الگوی اقتصاد مقاومتی را بعضی از کشورهای دیگر هم برای خودشان پیش بینی کردند، انتخاب کردند، اثرش را هم دیدند. نقطه کانونی اقتصاد مقاومتی عبارت است از درون‌زایی در کنار برون‌گرایی. درون‌زایی به معنای انزواطلبی تعبیر نشود؛ درون‌زایی با نگاه به بیرون و با گرایش به بیرون جامعه اما تکیه به توانایی درونی و به ظرفیت درونی. ... سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که

تنظيم شده است و ابلاغ شده است، يك امر دفعى و من درآوردى و متکى به نظر شخصى نىست؛ اين محصول يك عقل جمعى است؛ محصول مشورت های طولانی است. ... اقتصاد مقاومتى در مقابل مدل قدیمی دیكته شده از سوی قدرت ها برای کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یا به اصطلاح جهان سوم است. ... عمدۀ تکيه آن، نگاه به بیرون با تفاصیل خودش است. این اقتصاد مقاومتى نقطه مقابل آن است؛ این يك الگوی کاملاً معایر با آن چیزی است که در آن مدل قدیمی تکيه می شد و تکرار می شد؛ هنوز هم گوشه و کنار کسانی از آن ذکر می کنند و یاد می کنند. [در اقتصاد مقاومتى] تکيه به ظرفیت های داخلی است. ممکن است کسانی تصوّر کنند که این الگو الگوی مطلوبی است اما در امکان آن تردید کنند. من قاطعاً عرض می کنم این الگو يك الگوی ممکن در کشور ماست؛ الگوی اقتصاد مقاومتى کاملاً امکان پذیر در شرایط کنونی کشور است.^۱

تقوای اجتماعی و اقتصاد مقاومتی

ماه رمضان ماه تقواست؛ تقوا چیست؟ تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب می‌شود انسان به کج راهه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد. تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زرهی است بر تن انسان باتقوا که او را از آسیب تیرهای زهرآگین و ضربه‌های مهلك معنوی محفوظ و مصون می‌دارد؛ البته فقط هم مسائل معنوی نیست. «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ (طلاق ۲ و ۳ «خدا برای او راه پیرون شدنی قرار می‌دهد. واژه‌جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند) در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است. عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، به خصوص اگر مثل جامعه نظام جمهوری اسلامی آرمان‌های والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهرآگین است؛ این هم تقوا لازم دارد.

تقوای جامعه چیست؟ در بخش‌های مختلف تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی. اگر در مورد اقتصاد می‌خواهیم در مقابل تکانه‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهرآگین سیاست‌های معارض جهانی آسیب نبینیم، ناچاریم به اقتصاد مقاومتی روکنیم. اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرت‌هایی که از همه ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده می‌کنند برای اینکه به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند. یکی از راه‌هایی که فعلاً پیدا کردند عبارت است از رخنه از راه اقتصاد. این هشدار را ما سال‌هاست مطرح کردیم و گفتیم؛ مسئولین هم هر کدام به فراخور توانایی‌های خودشان تلاش‌های خوبی کردند لکن ما باید با همه توان، با همه ظرفیت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم؛ این می‌شود تقوای اجتماعی ما در زمینه مسئله اقتصادی.^۱

ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی

ظرفیت‌هایی که ما برای این کار [اقتصاد مقاومتی] داریم، ظرفیت‌های استفاده نشده فراوان [از جمله]:

۱- سرمایه انسانی:

یکی سرمایه انسانی است؛ یعنی جوان تحصیل کرده دارای تخصص و دارای اعتماد به نفس در کشور ما فراوان است ... فعلاً یک رقم قابل توجه بالایی از نیروی کار کشور بین بیست سال و چهل سال‌اند؛ با تحصیلات خوب، با آمادگی‌های خوب ذهنی و فکری، با روحیه بالا، با اعتماد به نفس. ما امروز ده میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم، بیش از چهار میلیون دانشجوی در حال تحصیل داریم که ... این سرمایه انسانی است؛ این یک فرصت بسیار بزرگ است.

۲- جایگاه اقتصادی کشور:

ظرفیت دیگر، جایگاه اقتصادی کشور ماست. طبق آمارهای رسمی جهانی، رتبه بیستم در اقتصاد دنیا متعلق به جمهوری اسلامی است؛ ما در رتبه بیستم قرار داریم و ظرفیت لازم برای رسیدن به

رتبه دوازدهم را هم داریم؛ چون هنوز ظرفیت‌های استفاده نشده در کشور زیاد است؛ منابع طبیعی داریم، نفت داریم، در نفت و گاز، رتبه اول جهانیم؛ مجموع نفت و گاز ما از همه کشورهای جهان بیشتر است؛ معادن فراوان دیگری هم داریم.

۳- موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور:

ظرفیت دیگر، موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور است؛ در جغرافیای منطقه و جهان، ما نقطه اتصال شمال به جنوب و شرق به غربیم که این برای مسئله ترانزیت، برای حمل و نقل انرژی و کالا و غیره دارای اهمیت بسیار فوق العاده‌ای است.

۴- همسایگی با پانزده کشور:

ظرفیت دیگر، همسایگی با پانزده کشور است با ۳۷۰ میلیون جمعیت؛ یعنی یک بازار دم دست، بدون نیاز به طی راه‌های طولانی.

۵- بازار داخلی هفتاد میلیونی:

ظرفیت دیگر، بازار داخلی هفتاد میلیونی است که اگر ما همین بازار داخلی را منعطف بکنیم به تولید ملی و تولید داخلی، وضع تولید دگرگون خواهد شد.

۶- زیرساخت‌های اساسی:

ظرفیت دیگر، وجود زیرساخت‌های اساسی است در انرژی، در حمل و نقل ریلی و جاده‌ای و هواپیمایی، در ارتباطات، در مراکز بازرگانی، در نیروگاهها، در سد؛ اینها زیرساخت‌هایی است که در طول این سال‌ها با همت دولت‌ها و همت مردم و کمک مردم به وجود آمده است و امروز در اختیار ماست.

۷- تجربه‌های مدیریتی متراکم:

علاوه بر همه اینها، تجربه‌های مدیریتی متراکم [است] که خود این تجربه‌ها کمک کرده است به اینکه ما در سال‌های اخیر، رشد صادرات غیر نفتی داشته باشیم؛ همین‌طور که رئیس‌جمهور محترم آمار سال ۹۳ را دادند، و سال‌های قبل [از آن] هم رشد صادرات غیر نفتی در کشور محسوس بوده است که این یک الگو است.

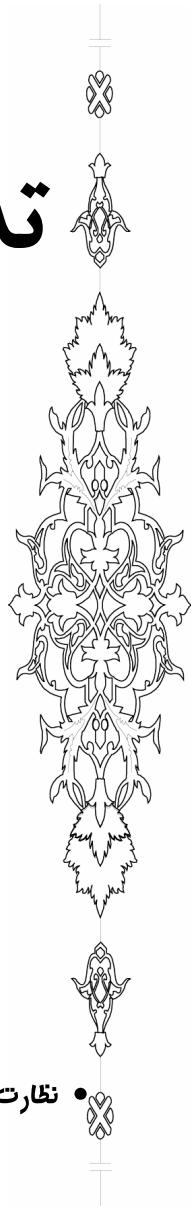
این ظرفیت‌ها در کشور وجود دارد و البته اینها بخشی از ظرفیت‌هاست. صاحب‌نظرانی که با ما می‌نشینند و صحبت می‌کنند و گاهی گزارش

می‌نویسند برای من، یک فهرست طولانی از
ظرفیت‌های موجودی که برای اقتصاد کشور
می‌تواند مفید باشد ارائه می‌کنند و همهٔ اینها
درست است؛ از این ظرفیت‌ها بایستی
استفاده کرد.^۱

گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی

گفتند که خیلی‌ها از اقتصاد مقاومتی که شما می‌گویید، اطلاع ندارند؛ بله، این یکی از ضعف‌های کار ماست. ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقیق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته

شده در بیاوریم.^۶



تداپیر ناظارت و بازرگانی

• ناظارت و کنترل عملکرد

نظارت و کنترل عملکرد

مدیریت پیشگیری از جرم

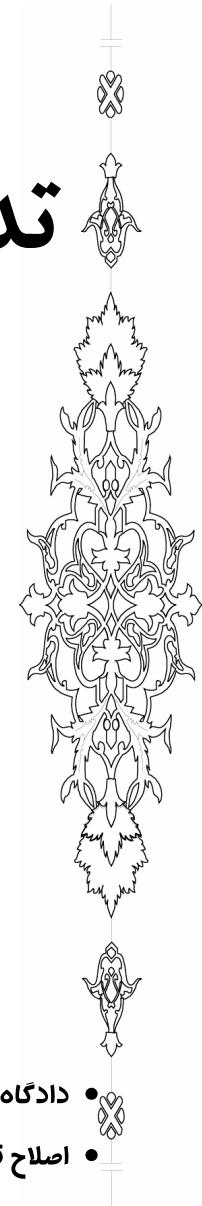
در زمینه سلامت قوه، کارهای خوبی شده است و باید با جدیت به این راه ادامه داد، چرا که هرگونه فساد در دستگاه قضائی، زمینه‌ساز فسادهای بزرگ‌تر در جامعه خواهد بود. ... «پیشگیری از جرم» از دیگر مسائل حساس و مهم قوه قضائیه [است]. ... البته دستگاههای دیگر هم باید در این زمینه فعال باشند اما باید تلاشی سازمان‌یافته در این زمینه صورت پذیرد، چرا که در غیر این صورت، جرائم، مدام افزایش و گسترش می‌یابند و مدیریت کلان آنها ممکن نخواهد بود.^۳

ضرورت حفظ جهت‌گیری‌های کلی و انقلابی

توسط منصوبین رهبری

کسانی به عنوان نماینده رهبری از زبان رهبری حرف می‌زنند. خب! من خودم هنوز که الحمد لله زبانم از کار نیفتاده؛ حرف خود من که مقدم به حرف آنهاست. آنچه من می‌گوییم، حرف من آن است؛ کسانی هم که حرف می‌زنند – نمایندگان رهبری و منصوبین رهبری و مانند اینها که تعداد زیادی‌اند – از قول رهبری نمی‌گویند؛ این را توجه داشته باشید. در همین مسئله‌ای که بالخصوص اسم آوردن، آن کسی را که اسم آوردن، آن کس حرف خودش را زده بود؛ از زبان رهبری چیزی نگفته بود. بنده هم حرف خودم را زدم؛ هم قبل از آن، هم بعد از آن؛ خب! شما حرف من را از خود من بشنوید. بله، ممکن است یک نفری جزو منصوبین رهبری هم باشد، درباره فلان مسئله یک عقیده‌ای خلاف رهبری هم داشته باشد، هیچ اشکال ندارد؛ این جور چیزی هم هست. خیلی از همین آقایان محترمی که منصوبین رهبری‌اند، در فلان مسئله خاص سیاسی یا اجتماعی یا اعتقادی ممکن است عقیده‌شان غیر از عقیده رهبری باشد؛ ما این را

اشکال ندانستیم؛ عمدہ برای ما جهت‌گیری‌های کلی است، جهت‌گیری‌های انقلابی است. والا در هر مسئله که ما نمی‌نشینیم هماهنگ کنیم که ببینیم در فلان مسئله نظر ما یکی هست یا نیست؛ خب! او نظر خودش را گفته. این هم نمی‌شود که من هرجا هرکسی از نمایندگان ما یک چیزی گفت، ما فوراً بگوییم آقا! شما، این را غلط گفتید، این را درست گفتید، روابط عمومی اعلان کند؛ این هم نمی‌شود. بله، اگر از قول حقیر، کسی چیزی بگوید و به گوش من برسد و خلاف باشد، ما به خود او بلافاصله تذکر می‌دهیم؛ مکرر اتفاق افتاده؛ تذکر دادیم، گفتیم که شما خودتان این را اصلاح‌ش کنید، آن طرف هم اصلاح کرده. مصلحت نمی‌دانم که اگر یک کسی یک چیزی گفت، ما هم اینجا برداریم یک اعلامیه بدھیم که فلان کس غلط کرد این حرف را زد؛ (خنده حضار) اینکه نمی‌شود. هرجا برخلاف نظر ما - البته از قول من؛ اگر از قول خودش گفته باشد، نه - از قول من چیزی گفته باشد، اطلاع می‌دهیم و می‌گوییم آقا! این را شما از قول ما، شنیدیم گفتید و باید خودتان اصلاح کنید.^۷



تداپیر حقوقی و قانونی

- دادگاه‌های صالحه قضایی
- اصلاح قوانین و روش‌ها

دادگاه‌های صالحه قضایی

استقلال و اقتدار دستگاه قوه قضاییه

«استقلال و تأثیرناپذیری» دستگاه قضایی بسیار مهم [است]. ... باید در برابر عوامل مخدوش کننده استقلال قضا از جمله تهدید، تطمیع، رودربایستی و فشار جو عمومی ایجاد و بر رفتار و روش صحیح قضا تکیه کرد. ... «اقتدار» از عوامل استقلال دستگاه قضایی [است]. ... اقتدار طلبی قوه قضاییه، قدرت طلبی متعارف سیاسی و جناحی نیست بلکه به معنای قاطعیت و ایجادگی بر سر حرف حق است. ... «قانون‌گرایی و سلامت کامل» دستگاه قضایی ... در تحقق استقلال قوه قضاییه، مؤثر و مهم است.^۳

اصلاح قوانین و روش‌ها

شناسایی راه‌های مقابله با افزایش زندانیان

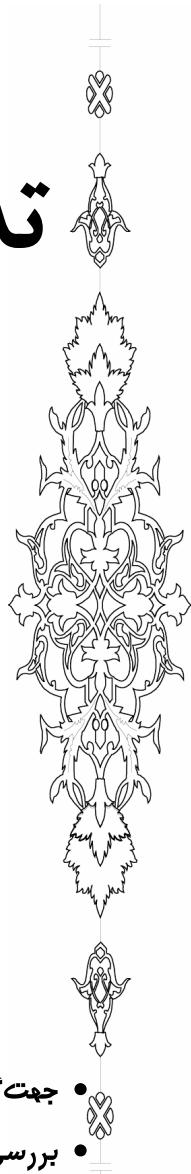
افزایش تعداد زندانیان واقعاً تأسف‌بار [است].

... این مسئله از زوایای مختلف مالی، خانوادگی، اخلاقی و اجتماعی هزینه‌ساز است و باید با تمرکز بر راه‌حل‌های مختلف، برای علاج آن فکری جدی کرد. ... ترویج فرهنگ صلح و سازش در جامعه و آسیب‌شناسی و تقویت شوراهای حل اختلاف، در افزایش نیافتن تعداد زندانیان، مؤثر [است]. ... برای مقابله با تبعات منفی افزایش زندانیان مالی و زندانیان مواد مخدر نیز باید دنبال پیشنهادها و راه‌حل‌های تازه‌ای بود.^۳

ضرورت شناسایی راههای تقلیل طلاق توافقی
قضات محترم با کمک بزرگان خانواده‌ها،
اینگونه مسائل را [ترویج فرهنگ صلح و سازش
در جامعه و آسیب‌شناسی و تقویت شوراهای
حل اختلاف، در افزایش نیافتن تعداد زندانیان، و]
... برخی مشکلات دادگاههای خانواده از جمله
«طلاق توافقی» ... را تقلیل دهنده ... و برای تسهیل
ازدواج جوانان تلاش کنند.^۳

لزوم تنقیح و اصلاح قوانین

«تنقیح و اصلاح قوانین»: قانون، راه پیشرفت
کشور را هموار می‌کند و چنانچه برخی قوانین
ایراد و یا با یکدیگر تعارض دارند، باید آنها را
اصلاح کرد اما بنده به هیچ وجه قانون‌گریزی را
قبول ندارم.^۴



تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی

- جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی
- بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها
- تولید علم و افزایش قدرت علمی

جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

ضرورت ایجاد تحول در علوم انسانی

در زمینه علوم انسانی عقیبیم. دوستان که درباره علوم انسانی صحبت کردند، به درستی بر روی اهمیت علوم انسانی، حتی در صنعت، تکیه کردند؛ درست است. این آماری که این برادر عزیزمان دادند برای من جالب بود که گفتند در پیشرفت صنعتی، حدود چهل درصد مثلاً - یا پنجاه درصد - مربوط به مسائل مهندسی و مربوط به مسائل فنی است، حدود پنجاه شصت درصد مربوط به مسائل علوم انسانی - مثل مدیریت، همکاری، سخت‌کوشی - است؛ راست می‌گویند، این خیلی مهم است. در زمینه علوم انسانی، امروز خوشبختانه چند نفر از برادران مطالب خوبی گفتند، همان حرف‌های دل ماست؛ البته حرف‌های زیان ما هم هست؛ این مسائل را ما هم بعض‌اً گفتیم. علوم انسانی بسیار مهم است. تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست. من می‌بینم گزارش کارها، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی ... هم در خود دانشگاه‌ها، هم آن‌طور که امروز

ملاحظه کردید در صحبت بعضی از دوستانی که درباره علوم انسانی صحبت کردند، نشان دهنده این است که این جوشش درونی در درون دانشگاهها آن هم از سوی فرزانگان و از سوی انسان‌های دانشمند، وجود دارد؛ حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد - حمایت گوناگون - که یکی از مصاديق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است. یک مصوباتی دارند که امروز هم یکی از برادرها همین حالا بیان فرمودند که همان مقداری که کار شده، همین مقدار عملیاتی بشود. هر مقداری که تلاش شده است، کار شده است، این اجرائی بشود و عملیاتی بشود. در دفترها و کتابها و زونکن‌ها - و به قول ایشان در پیچوخم‌های دلان‌های وزارت یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - نماند، باید عملیاتی بشود؛ این کاملاً درست است. وزارت به این نکته توجه کند. آقای دکتر فرهادی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری) هم اینجا نشسته‌اند، اینها چیزهایی است که من به خصوص به ایشان توجه می‌دهم که این مسائل را دنبال کنند؛ این کار، کار بزرگی است. امروز سرنشیت علم در کشور و سرنشیت دانشگاه در کشور، در دست این برادران خوب ماست؛ اینها بایستی به معنای واقعی کلمه و دلسویزانه دنبال بکنند.^۶

بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها

شتاب پیشرفت علمی در کشور

رسیدن ما به رتبه بالای علمی، ناشی از شتاب فوق العاده کار بود. طبق آمارهای جهانی، شتاب پیشرفت علمی در کشور، سیزده برابر متوسط جهان بود؛ این را مراکز آماری علمی دنیا اعلام کردند که ما هم مکرّر قبلًا اعلام کردیم. این شتاب، امروز کم شده. اینکه بعضی می‌گویند از لحاظ پیشرفت علمی عقب نماندیم، بعضی می‌گویند نه، عقب نماندیم و هر دو هم آمار ارائه می‌کنند، نکته اش اینجاست: بله، علی‌الظاهر از رتبه شانزدهم یا پانزدهم تنزل نکردیم - این درست است - اما بایستی ترقی می‌کردیم؛ یعنی آن شتاب بایستی ادامه پیدا می‌کرد؛ این شتاب امروز کم شده. برادران و مسئولان عزیز وزارت‌خانه‌ها به این نکته توجه کنند؛ آن شتاب، امروز نیست. کاری کنید که شتاب رشد علمی فروکش نکند؛ باز به تعبیر نظامی‌های جنگ سخت، این حرکت از دور نیفتد. البته می‌دانیم که هرچه جلوتر برویم، طبعاً

این شتاب کمتر خواهد شد؛ یعنی وقتی خیلی عقبیم، ظرفیت‌های استفاده‌نشده بیشتری وجود دارد که هرچه جلوتر بیاییم، این ظرفیت‌ها طبعاً کمتر می‌شود، چون استفاده می‌شود - این را می‌دانیم - اما آن شتاب لازم و مناسب، در پیشرفت علمی نباید کم بشود.^۶

ضرورت بر کناری محیط علمی کشور

از حاشیه‌سازی‌ها

محیط علمی کشور را از حاشیه‌سازی‌ها برکنار نگه دارید. اشتباه نشود؛ من نمی‌گویم در دانشگاه‌ها سیاست نباشد – شاید خیلی‌ها یادشان است که من سال‌ها پیش در همین جلسه ماه رمضان در حضور اساتید، تعبیر تندی کردم نسبت به آن کسانی که می‌خواستند دست‌وپای سیاست را از دانشگاه‌ها و میان دانشجوها جمع کنند که مایه گلایه خیلی‌ها شد – نه، بنده معتقدم محیط دانشگاه، محیط فهم سیاسی، تحلیل سیاسی، دانش سیاسی، آگاهی سیاسی است؛ این را من مانع نیستم؛ نه، بلکه می‌گویم سیاست‌بازی نشود، سیاسی‌کاری نشود، حاشیه‌سازی نشود. این حاشیه‌سازی‌ها به کار اصلی که عبارت است از کار علم و پیشرفت علم با همه خصوصیاتی که این مسئله دارد، لطمه می‌زنند.

یکی از غلط‌ترین کارهایی که در این یکی دو سال اخیر اتفاق افتاد، این مسئله بورسیه‌ها بود. اگر

راست هم بود اين حرف - که البته بعد تحقیق
کردن، معلوم شد به آن شکل، راست هم نیست؛
آن طوری که روزنامه‌ها با آن بازی کردن هم نبود؛
به ما گزارش‌های دقیق و بر اساس بررسی‌ها دادند -
راهش این نبود که ما مسئله را روزنامه‌ای کنیم. یک
تعدادی برخلاف قانون یک امتیازی به دست آوردن؛
خیلی خب! راه قانونی وجود دارد: لغو کنند آن امتیاز
را؛ سروصدا ندارد. جنجال درست کردن، حاشیه
درست کردن است و این سم برای محیط علمی
است که بایستی با آرامش کار خودش را دنبال بکند.
این سم را متأسفانه افرادی بر اساس همان پایه‌های
بیشن فکری مبنی بر سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی به
کام دانشگاه کشور ریختند؛ چرا؟ علاوه بر اینکه ظلم
هم شد - به خیلی‌ها ظلم شد - هم خلاف قانون بود
این کار، هم خلاف تدبیر بود این کار، هم خلاف
اخلاق بود؛ آنوقت مدام دم از اخلاق هم می‌زنند.
«توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند!» (دیوان حافظ)
این کار اخلاقی بود؟ حاشیه‌سازی نشود. نگذارید
محیط آموزش عالی اسیر حواشی بشود.^۶

اهميت سهم بودجه پژوهش

سهم بودجه پژوهش مهم است؛ چند سال است که بنده در همین جلسه و در جلسات دیگر و در ديدارهای خصوصی با مسئولين اجرائي کشور، روی اين مسئله تکيه کرده‌ام، متأسفانه اطلاعاتي که به من می‌دهند و گزارشي که به من می‌دهند، نشان می‌دهد که نه، اين حرف‌های ما مثل نصيحت است؛ نصيحتي که مثلاً يك نفر منبر می‌رود و يك نصيحتي می‌کند؛ با اين چشم نگاه شده؛ اين جور نیست؛ باید سعى بشود. حالا در چشم‌انداز، ۴درصد از بودجه عمومي را برای پژوهش در نظر گرفته‌اند؛ ما حالا آنقدر همتمنان برای اين در کوتاه‌مدت، بلند نیست؛ اما همان ۱/۵ درصد يا ۲ درصدی که ممکن است و صحبت است، باید انجام بگيرد؛ هنوز بودجه‌هایي که وجود دارد برای پژوهش، بحث چند صدم درصد است؛ يكى اين مسئله است؛ يكى هم صرف درست و برنامه‌ريزي شده منابع مالي پژوهش؛ باید درست صرف بشود و درست در جاي خود قرار بگيرد.^۶

ضرورت گفتمان‌سازی

برای عملیاتی کردن نقشه جامع علمی

نقشه جامع علمی با زحمت و تلاش دوستان تکمیل شد و بهجایی رسید و یک سند کامل خوب تهیه شد برای کشور که خیلی مغتنم است. ... مورد تأیید قرار گرفته است؛ منتهای این نقشه جامع علمی باید عملیاتی بشود که قدم اوّلش هم گفتمان‌سازی است.

می‌شنوم من که دوستانی که به شهرستان‌ها مسافرت می‌کنند، در دانشگاه‌های کشور حضور پیدا می‌کنند، می‌گویند بسیاری از اساتید - چه برسد به دانشجویان - و حتی مدیران، درست اطلاعی از نقشه جامع علمی کشور ندارند. ... بله، این یکی از ضعف‌های کار ماست. ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اوّل این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته شده دریابویم؛ مسئله علم از همین قبیل بود که یک گفتمان شد و به طور طبیعی وارد جریان عملی شد، عملیاتی شد و به صورت یک جریان درآمد؛ این مسئله هم همین جور است. مسائل مربوط به نقشه جامع علمی کشور باید تبدیل بشود به یک گفتمان و به صورت جدی اجرا بشود.^۶

ضرورت تکمیل و عملیاتی ساختن

سنند آمایش آموزش عالی

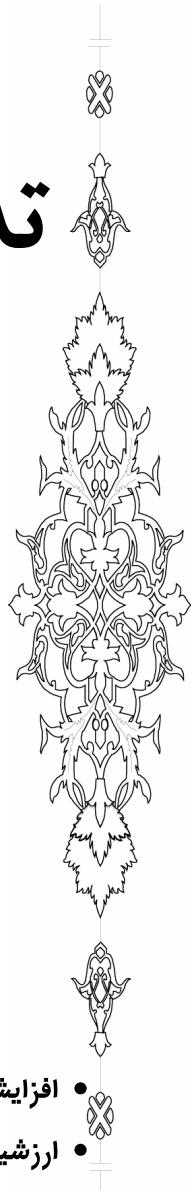
یک نکته مهم ... عبارت است از سنند آمایش آموزش عالی. اینکه یکی از دوستان اشاره کردند که «اگر همه چیزهایی که مورد نظرمان است اولویت‌های ما باشند، معناش این است که اصلاً اولویتی نداریم»، این حرف درست و حرف متین است. اینکه گفتند «ما در چند رشته صنعتی مشخصاً بگوییم در این رشته‌ها می‌خواهیم پیشرفت بکنیم و روی آنها سرمایه‌گذاری انسانی و مالی و همت و توانایی‌های گوناگون بکنیم»، این کاملاً حرف درستی است. بنده یک وقتی در مورد ورزش این مطلب را گفتم؛ گفتم ما در دو سه رشته ورزشی می‌توانیم در دنیا یا اول باشیم یا دوّم؛ خیلی خب! برویم سراغ اینها؛ در بعضی از رشته‌های ورزشی نه، ما امید اول و دوّم شدن نداریم؛ منظورم در ورزش‌های قهرمانی و در مسابقات جهانی است. اتفاقاً همین کار را هم کردند؛ یعنی یک مقداری در این زمینه‌ها قدم

برداشتند و مفید و مؤثّر هم بوده؛ در اين زمينه هم همین جور است. نگاه کنيم ببينيم کدام رشته علمي، در کدام دانشگاه و در کدام منطقه کشور داراي اولويت است؛ آمايش علمي سرزميني کشور به اين معناست. ما در کدام دانشگاهها بايستى چه رشته‌هایي را دنبال بکنيم و روی آن سرمایه‌گذاري کنيم و از آنها پاسخ بخواهيم و مطالبه کنيم. اين هم يك مسئله است که بايستى اين سند تكميل بشود و عملياتى بشود و کار بشود.^۶

تولید علم و افزایش قدرت علمی

ثبت جنبش علمی و رتبه ایران در جهان

خوبی‌گذاری امروز جنبش علمی در کشور تبدیل شده به یک جریان؛ این یک جریان ثبیت‌شده در کشور است و در این تردیدی نیست. در این ده پانزده سال اخیر اساتید ما، دانشمندان ما، جوانان ما در این زمینه کار کردند؛ و آثار آن را هم در صعود رتبه علمی کشور مشاهده می‌کنیم. ما رسیدیم به رتبه شانزدهم علمی جهان، این خیلی مهم است؛ رتبه ما خیلی عقب‌تر و پایین‌تر از این حرف‌ها بود؛ کشور را به رتبه شانزدهم رساندند و این بسیار چیز بالارزشی است.^۶



تدابیر نیروی انسانی

- افزایش مهارت‌های کارکنان
- ارزشیابی و شایسته سالاری

افزایش مهارت‌های کارکنان

ضرورت کادرسازی

کادرسازی مهم است: ... نیروهای مستعد و سالمی در قوه قضاییه وجود دارند که باید آنها را برای کارهای بزرگ پرورش دهید.^۳

ارزشیابی و شایسته سالاری

شخصیت استثنایی شهید آیت‌الله بهشتی آیت‌الله بهشتی از نوادر زمان و شخصیتی جذاب، مدیر، مدلب و انقلابی محسوب می‌شد که زندگیش، برای انقلاب و کشور حقیقتاً مفید و موثر بود و شهادتش نیز مایه وحدت و انسجام جامعه و تقویت جریان انقلاب شد.^۴

تدابیر برونمرزی

- جهتگیری در جهان اسلام
- جهتگیری در مصاف با استکبار
- جهتگیری در سیاست خارجی
- جهتگیری تحولی در جهان

جهت‌گیری در جهان اسلام

ضرورت توجه مسلمانان

به تفرقه تحمیلی دشمنان

امروز در دنیای اسلام گرفتاری‌ها بسیار زیاد

است. اسلام این‌همه بر وحدت و یکپارچگی

مسلمین و برادری مسلمانان تأکید فرموده است؛

حتی در اعتراض به حبل الله، می‌توان تک‌تک به

حبل الله اعتصام پیدا کرد، اما این را اسلام توصیه نمی‌کند؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعًا»؛ (آل عمران ۳:۱۰) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید. همه با هم به حبل الهی تمسک کنید، با هم باشید. با این همه سفارش و این همه تأکید، امروز ما مسلمان‌ها متأسفانه به این دستور اسلام عمل نمی‌کنیم؛ نتیجه‌اش هم همین است که ملاحظه می‌کنید. من می‌خواهم از آحاد مسلمین، مخصوصاً از علماء، روشنفکران، مسئولان دولت‌ها، سیاستمداران، زبدگان، نخبگان در همه کشورها درخواست کنم که دست خائن دشمنان امّت اسلامی را در این تفرقه ببینند و مشاهده کنند. این تفرقه طبیعی نیست، این تفرقه تحمیلی است، این تفرقه تلقینی است. مسلمانان به‌طور طبیعی در کنار هم می‌توانند زندگی کنند و تجربه‌ها نشان داده است که آنوقتی که وسوسه دشمن، دمدمه (حیله، مکر) دشمن، خباثت دشمن وارد میدان نشده است، با هم زندگی کرده‌اند. این را ما در کشور خودمان دیده‌ایم، در عراق دیده‌ایم، در کشورهای دیگر اسلامی هم مشاهده کرده‌ایم.^{۱۱}

وظیفه همکانی ما در دنیای اسلام

دنیای اسلام یک نسخه امروز دارد و آن اتحاد است. در درون کشورها هم همین نسخه وجود دارد؛ ملت‌ها باید متّحد باشند. ملت ایران باید متّحد باشد. از این قضایای هسته‌ای و غیر هسته‌ای و مانند اینها، دودستگی درست نشود که هر دسته یک جور بگویند - بالاخره یک کاری است دارد انجام می‌گیرد، مسئولینی دارد، دنبال می‌کنند؛ ان شاء الله آنچه منافع ملی است تشخیص بدھند و دنبال آن باشند - بین مردم نباید دودستگی به وجود بیاید. دشمن این را می‌خواهد. آن هم اگر کسی تعقیب کند این سخن پراکنی‌های بیگانگان را، این رادیو تلویزیون‌ها و این وبگاه‌هایی که از طرف آنها دارد همین‌طور مرتب توسعه پیدا می‌کند و مرتب هم دارند مطلب می‌دهند، دنبال این هستند که بین مردم دودستگی ایجاد کنند؛ نگذارید دودستگی بشود؛ وحدت را حفظ کنید، با هم باشید.

و از درون باید اقتدار بجوشد. تقوای عمومی و اجتماعی، مثل تقوای فردی است؛ در تقوای فردی - که روزه برای تقوا است؛ ماه روزه، ماه تحصیل تقوا است - شما وقتی که متّقی باشید، از درون مصونیت پیدا می‌کنید؛ مثل کسی که واکسن زده و در خود ایجاد مصونیت کرده، که به یک محیط آلوده به میکروب هم که برود، میکروب در او اثر نمی‌کند؛ تقا این جوری است؛ تقا نمی‌گذارد که محیط بیرونی، روی شما اثر بگذارد؛ لاقل نمی‌گذارد به آسانی اثر بگذارد؛ تقوای فردی این جوری است. تقوای ملّی هم همین جور است؛ اگر یک ملتی از درون، خود را قوی کند، علم خود را، صنعت خود را، ایمان خود را، فرهنگ خود را تقویت بکند، نیروهای بیرونی نمی‌توانند رویش تأثیر بگذارند. این نسخه‌ای است که امروز همهٔ ما بایستی به این نسخه عمل کنیم؛ دنیای اسلام هم باید به این نسخه عمل کند.^{۱۱}

خط مسلم جمهوری اسلامی حمایت از مظلوم

ما صریحاً و علناً به همه گفته‌ایم: ما دست دوستی به سمت همه دولت‌های مسلمان منطقه دراز می‌کنیم؛ ما با دولت‌های مسلمان هیچ مشکلی نداریم. البته روابطمان با بسیاری از همسایه‌ها یعنی اغلب همسایه‌های ایران هم روابط دوستانه و برادرانه است. در شمال، در جنوب، در غرب و در شرق، کشورهایی که دوربر جمهوری اسلامی ایران هستند، با ما روابط خوب دارند. البته بعضی‌ها هم نزدیک و دور اختلاف دارند، لجاجت می‌کنند، خباثت می‌کنند – البته این هست لکن از طرف ما بنایمان بر ارتباطات خوب با همسایگان است؛ دولت‌ها و بالخصوص ملت‌ها. ارتباطات کشور ما با ملت‌ها ارتباطات خوبی است.

البته اعتقاد ما پاییندی به اصول و مبانی است. ما می‌گوییم بایستی اصول محفوظ بماند. امام بزرگوار ما به برکت پاییندی به اصول بود که توانست انقلاب را پیروز کند و انقلاب را حفظ کند و جمهوری اسلامی را ثبات ببخشد؛ پابند به

اصول بود. يکی از اصول، «أشدّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُم»(فتح ۲۹ «بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربان‌اند.») است. ما با دشمنان، با استکبار سر آشتنی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم؛ چون معتقدیم باید «أشدّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُم» بود؛ این درس امام بزرگوار ماست؛ این خط مسلم جمهوری اسلامی است. ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم؛ و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین هم داشت؛ بدون هیچ تفاوتی! ما همان حمایتی را که از برادرانمان در لبنان کردیم، از برادرانمان در غزه هم کردیم؛ بدون هیچ تفاوتی! آنها سنی بودند، اینها شیعه‌اند. مسئله برای ما، دفاع از هویت اسلامی است، حمایت از مظلوم است، مسئله فلسطین است؛ امروز در رأس مسائل منطقه

مسلمان‌ها مسئله فلسطین است؛ این برای ما مسئله اصلی است. در دشمنی‌هایمان هم فرق نمی‌کند؛ امام بزرگوار مبارزه کرد با محمدرضا پهلوی که شیعه بود به حسب ظاهر؛ همان‌طور مبارزه کرد با صدّام‌حسین که سنّی بود به حسب ظاهر. البته نه او شیعه بود، نه این سنّی؛ هردویشان از اسلام بیگانه بودند اما ظاهر این سنّی بود، ظاهر او شیعه بود. امام با هردوی اینها یک‌جور مبارزه کرد. مسئله مسئله سنّی و شیعه و مذهب و مانند اینها نیست؛ مسئله مسئله اصول اسلام است: «**کونوا للظالم خَصِمًا وَ لِلمَظْلُومِ عَوْنَا**»؛ (نهج‌البلاغه، نامه ۷۴ «ظالم را دشمن و مظلوم را یار باشید»). این دستور اسلام است. این راه ماست؛ این خط ماست.^{۱۴}

حج مظہر وحدت و عظمت امت اسلامی

حج متعلق به اسلام است، متعلق به امت اسلامی است، ضامن تداوم اسلام است. ... حج مظہر وحدت اسلامی است، رنگ‌های مختلف، پوست‌های مختلف، ملیت‌های مختلف، شناسنامه‌های مختلف، مذاہب مختلف، سلیقه‌های مختلف همه در کنار هم و مثل هم. همه باهم طواف می‌کنند، باهم سعی می‌کنند، باهم در عرفات و مشعر وقوف می‌کنند؛ این وحدت خیلی چیز مهمی است. همدلی اسلامی، مظہر واقعی همدلی و همزبانی در حج است؛ نه فقط برای ملت ایران، بلکه برای همه مسلمانان جهان؛ برای امت اسلامی. لعنت خدا بر آن کسانی که سعی کردند حقیقت امت اسلامی را، اهمیت امت اسلامی را از ذهن‌ها دور کنند؛ مسلمان‌ها را به اصناف گوناگون، به انگیزه‌های گوناگون تقسیم کنند؛ ملیت‌ها را در مقابل عظمت امت اسلامی بزرگ کنند؛ ملت را از هم جدا کنند؛ در حالی که امت اسلامی مهم است؛ عظمت متعلق به امت اسلامی است؛ خدای متعال

رحمتش را بر امت اسلامی نازل می‌کند؛ حج مظہر تشکیل امت اسلامی است، مُشتی نمونهٔ خروار. «من کُلِّ فَجَّ عَمیقٍ»؛ (حج ۲۷ «از هر راه دوری می‌آیند.») از همه‌جا و از راه‌های دور، مسلمان‌ها جمع می‌شوند در کنار هم و چه فرصت بزرگی که با هم حرف بزنند، با هم همدلی کنند، دردهای یکدیگر را بشنوند، اظهار همدردی با یکدیگر بکنند؛ این دیگر کجا پیش می‌آید جز در حج؟ یکی از جنبه‌های اجتماعی حج مسئلهٔ اتحاد است.

جنبه اجتماعی دیگر، نشان دادن عظمت امت اسلامی است. اینکه چند میلیون انسان جمع بشوند در مراسم معینی، این یکجا نشان دادن امت اسلامی است. از یک کشور هفتاد هشتاد میلیونی، فرض کنید که پنجاه هزار نفر، شصت هزار نفر، هفتاد هزار نفر شرکت کرده‌اند و شده این؛ این عظمت امت اسلامی را نشان می‌دهد.^{۱۵}

حج محل تبادل تجربیات

و اتحاد کشورهای اسلامی

یک جنبه دیگر[رویه اجتماعی حج]، تبادل تجربیات با یکدیگر است. خیلی از کشورهای اسلامی تجربیاتی دارند؛ فرض بفرمایید ملت ایران، تجربه‌ای دارد در مواجهه با دشمن، در شناسایی دشمن، در اعتماد نکردن به دشمن، در اشتباه نکردن در شناختن دوست از دشمن؛ ما تجربه داریم. ... یکی از تجربه‌های ملت ایران ایجاد اتحاد است. خب! مگر در کشور ما اختلاف سلیقه کم است؛ در مسائل سیاسی، در مسائل فکری، در مسائل عقیدتی اختلاف زیاد است اما مردم با وجود این اختلافات، وحدت خودشان را حفظ کردند. بعضی از بخش‌های کشور ما قومیت‌های مشخصی زندگی می‌کنند؛ آن قومیت‌ها هم در مراسم بیست و دورم بهمن، در مراسم روز قدس، در مراسم گوناگونی که مظهر انقلاب است، همان‌جوری شرکت می‌کنند که بقیه آحاد کشور شرکت می‌کنند. منطقه کُرد [زبان] داریم، منطقه

بلوچ [زبان] داریم، منطقه عرب [زبان] داریم، منطقه ترک [زبان] داریم؛ گاهی اوقات حرکات اینها به نفع انقلاب و به نفع نظام جمهوری اسلامی، برجسته‌تر از جاهای دیگر است؛ این را هم دیده‌ایم. این آن وحدت اسلامی است و ملت ایران این را تجربه کرده است.

ما سی‌وپنج شش سال است که این تجربه را داریم که باید داخل آحاد ملت اتحاد و اتفاق وجود داشته باشد؛ و به برکت این اتحاد و اتفاق موقیت‌های بزرگی هم به دست آوردیم؛ این را بعضی از کشورهای دیگر ندانستند، نفهمیدند و هنوز هم نمی‌فهمند. بر اثر یک اختلاف کوچک - یا اختلاف مذهبی، یا اختلاف قومی یا حتی اختلاف حزبی - در داخل کشورهایشان می‌افتنند به جان هم و هم‌دیگر را مثل دشمن می‌کوبند؛ خب! خدای متعال نعمتش را از اینها می‌گیرد. «**أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفَّرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصْلُوْنَهَا وَ بِئْسَ الْقَرَارُ**» (ابراهیم ۲۸ و ۲۹) آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود

را به سرای هلاکت درآورده ننگرسنستی؟ [در آن سرای هلاکت که جهنم است [و] در آن وارد می‌شوند و چه بد قرارگاهی است.]. وقتی نعمت خدا را که تفضل کرده است، افضال (طف، عطا) کرده است، انعام کرده است نشناختیم، شکرگزاری نکردیم، این نعمت را کفران کردیم، خب خدای متعال هم رفتار خودش را با این ملت تغییر خواهد داد؛ «لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نَعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغِيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛ (انفال ۵۳) «نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند.» تا وقتی من و شما در راه راست حرکت کنیم، در جادهٔ مستقیم حرکت کنیم، خودمان را بر طبق اراده الهی تطبیق کنیم - به حدّ ممکن؛ حالا به طور کامل که ما خیلی کوچک‌تر از این حرف‌ها هستیم - خدای متعال نعمتش را بر ما باقی نگه می‌دارد، اما وقتی خودمان خودمان را خراب کردیم، خودمان ایجاد اختلاف کردیم، خودمان علیه هم توطئه کردیم، خودمان با هم دست به یقه شدیم، خدای متعال نعمتش را بر می‌دارد؛ خدا با کسی قوم و خویشی ندارد. «ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نَعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغِيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛ نعمتی را که

به شما داده، این نعمت را خدا از شما نمی‌گیرد تا وقتی خود شما زمینه را خراب کنید؛ وقتی زمینه را خراب کردید، نعمت سلب خواهد شد. این تجربه ملت ایران است که توانسته‌اند نعمت الهی را برای خودشان حفظ کنند. خب! این تجربه‌ها منتقل بشود. ... اینها تجربه‌های ماست؛ اینها کارهایی است و چیزهایی است که ملت ایران، اینها را از نزدیک فهمیده‌اند و دانسته‌اند. ما که این قدر روی مسئله اتحاد بین مذاهب اسلامی، بین شیعه و سنّی، بین ملت‌های اسلامی تکیه می‌کنیم، این لفظ نیست؛ درد را شناخته‌ایم، درمان را شناخته‌ایم، دلمان می‌سوزد برای امت اسلامی؛ این است که دنبال می‌کنیم. این برای ملت ایران جا افتاده است ولی برای خیلی از ملت‌ها جا افتاده نیست. حج یک فرصتی است که اینها منتقل بشود، منعکس بشود، گفته بشود. البته خب! مخالفینی دارد. آن کسانی که می‌خواهند این اختلافات باشد، نمی‌خواهند که این تبادلات و این ارتباطات و این دوستی‌ها و این انتقال تجربه‌ها صورت بگیرد؛ باید بالآخره راه پیدا کرد.^{۱۵}

جهت‌گیری در مصاف با استکبار

تعطیل‌ناپذیری مبارزه

با استکبار و نظام سلطه

تکلیف مبارزه با استکبار پس از مذاکرات چیست؟ خب! مگر مبارزه با استکبار، تعطیل‌پذیر است؟ مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این هم جزو همین حرف‌هایی است که اتفاقاً امروز من یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. این جزو کارهای ماست، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصاديق استکبار، آمریکا اتم مصاديق استکبار است. ما به این مسئولین محترمی که در قضیه هسته‌ای مذاکره می‌کنند - که حالا اینها اجازه پیدا کرده‌اند که مسئولین روبه‌رو با هم حرف بزنند؛ البته سابقه داشت، در این سطح نه، در سطوح پایین‌تر سابقه داشت؛ در این سطح، اوّلین بار بود - گفته‌ایم که فقط در مسئله هسته‌ای شما حق دارید

مذاکره کنید؛ در هیچ مسئله دیگری حق ندارید
مذاکره کنید، و نمی‌کنند. آن طرف مقابل، گاهی
مسئل منطقه و سوریه و یمن و مانند اینها را پیش
می‌کشد، اینها می‌گویند ما در این زمینه‌ها با شما
صحبتی نداریم و صحبت نمی‌کنند. مذاکره فقط در
زمینه مسئله هسته‌ای است، آن هم به همان دلایلی
که من گفتم و چندبار تکرار کردم که چرا در قضیه
هسته‌ای ما این گرایش را، این رویکرد را انتخاب
کردیم؛ من این را مفصل تشریح کردم. مبارزه^۷
با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً
روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه
مبارزه با استکبار.

لاف در غریبی آمریکا

این آقا[رئیس جمهور آمریکا] گفته است که می‌تواند ارتش ایران را نابود کند. قدیمی‌های ما این جور حرف‌ها را «لاف در غریبی» می‌گفتند. (خنده نمازگزاران) من نمی‌خواهم در این زمینه چیزی بگوییم، آنها که این حرف را خواهند شنید، اگر می‌خواهند درست بفهمند، اگر می‌خواهند از تجربه‌های خود درست استفاده بکنند بدانند، البته ما از هیچ جنگی استقبال نمی‌کنیم، ما به هیچ جنگی مبادرت نمی‌کنیم و پیش‌دستی نمی‌کنیم، اما اگر جنگی اینجا اتفاق بیفتد، آن کسی که سرشکسته از جنگ خارج خواهد شد آمریکای متجاوز و جنایتکار است.^{۱۰}

تأمین منافع قدرت‌های بزرگ در تزریق تفرقه

دست خائن دشمنان امت اسلام ... این تفرقه را
تزریق می‌کنند به دنیای اسلام؛ چرا؟ برای اینکه
منافع قدرت‌های بزرگ در این تفرقه است.
نمی‌خواهند امت اسلامی یکپارچه باشد؛
نمی‌خواهند این قدرت عظیم، در افق قدرت‌های
جهانی سر بلند کند و خودش را نشان بدهد؛
نمی‌خواهند. اگر امت اسلامی یکپارچه بود، اگر بر
روی مشترکات خود تکیه می‌کرد، در سپهر
سیاست جهانی بدون تردید یک قدرت
منحصربه‌فرد می‌شد با این جمعیت عظیم، با این
کشورها در مناطق حساس عالم، با این منابع و
ذخایر زیرزمینی، با این ثروت طبیعی و با این
ثروت نیروی انسانی؛ اگر ما متحده می‌شدیم،
یک‌چنین پدیده‌ای دنیا را فرامی‌گرفت. نمی‌خواهند
این اتفاق بیفتند. رژیم صهیونیستی را در این منطقه
کاشتند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند؛ برای اینکه
کشورهای منطقه را مشغول کنند به درون خود.^{۱۱}

ایجاد سازمان‌های جنایتکار و جنگ‌های داخلی
برای تسليم ملت‌ها در برابر رژیم صهیونیستی
ملّت‌ها در مقابل رژیم صهیونیستی مقاومت
کردند یعنی تسليم نشدنند این نکته را توجّه کنید!
در طول ده‌ها سالی که رژیم صهیونیستی با
پشتیبانی و کمک انگلیس و بعد هم آمریکا، در این
منطقه، مرتب روزبه‌روز بر قدرت مادی خود
افزود، در این مدت برخی دولت‌های ضعیف و
برخی آدم‌های ناباب در دولت‌های مسلمان گرایش
پیدا کردند به جانب صهیونیست‌ها. خیلی از
دولت‌های مسلمان و برخی از سیاستمداران دنیا
اسلام - از جمله رژیم منحوس قبلی کشور خود ما
و بعضی‌های دیگر - با صهیونیست‌ها که غاصب
بودند، معارض بودند، متجاوز بودند، آدم‌کش
بودند، توسعه‌طلبی داشتند، «از نیل تا فرات»
می‌گفتند، با یک چنین دولتی ارتباطات برقرار
کردند و دشمنی‌ها را به‌کلی نادیده گرفتند؛ اما
ملّت‌ها نه، ملت‌ها همچنان در دلشان احساس
نفرت از صهیونیسم اشغالگر و دولت صهیونیست

موج می‌زد. ملت‌ها در این زمینه دنبال دولت‌ها نرفتند. و خب! این برای دولت‌های وابسته به آمریکا و رفیق و هم‌کاسه با رژیم صهیونیستی، چیز سنگینی بود.

فکر کردند این را باید خراب کنند و ملت‌ها را باید از صهیونیسم منصرف کنند. چه کار کردند؟ این جنگ‌های داخلی را راه انداختند؛ این جنگ‌های سنّی و شیعه، این سازمان‌های جنایت‌کاری از قبیل القاعده و داعش و امثال اینها، ساخته و پرداخته شدند برای اینکه ما را به جان هم بیندازنند و ملت‌ها را در مقابل هم قرار بدهند. این هم دست متجاوز و خائن آنهاست.

بعضی از آمریکایی‌ها در کتاب‌های خاطرات خودشان اعتراف کردند که در ایجاد داعش، در توسعه داعش، در جانداختن داعش نقش داشتند (از جمله، کتاب خاطرات هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا) و امروز هم دارند حمایت می‌کنند. حالا ائتلاف ضد داعش به وجود آمده. البته بنده که باور نمی‌کنم واقعاً یک ائتلافی باشد ضد داعش؛ ولی

حالا به فرض که چیزی بر علیه این دسته باشد؛
مگر فقط داعش است؟ گروههای گوناگون با
ثروت‌های بادآورده به اسم‌های مختلف در اطراف
کشورهای اسلامی دارند تلاش می‌کنند، کار
می‌کنند، تروریسم را ترویج می‌کنند، انفجار ایجاد
می‌کنند، آدمها را می‌کشنند، بی‌گناه‌ها را در کوچه و
بازار و میدان و مسجد و مانند اینها از بین می‌برند.
سر ملّتها را گرم کردند، مشغول کردند؛ شیعه را
علیه سنّی، سنّی را علیه شیعه؛ یک عدّه را در این
طرف، تندرو و فحاش و افراطی تربیت می‌کنند،
با پول وادر می‌کنند به این کارها، یک عدّه را
متقابلًا از آن طرف تندرو و فحاش به وجود
می‌آورند که اینها به جان هم بیفتند و هر کدام هم
یک خیل عظیمی از مردم دنبالشان‌اند. چه بهتر از
این برای صهیونیست‌ها؟ چه بهتر از این برای
رژیم صهیونیستی؟ بیدار شویم! بفهمیم چه دارد در
منطقه می‌گذرد!. ۱۱

سیاست جمهوری اسلامی

در مقابله با سیاست استکبار در سوریه

سیاست استکبار ... در سوریه، سیاست استکبار

این است که به هر قیمتی هست، دولتی را که

شناخته شده است به مقاومت در مقابل صهیونیسم،

سرنگون کنند؛ سیاست ما ضد این است. ما البته

در مورد عراق، در مورد سوریه، در مورد یمن، در

مورد بحرین، در مورد لبنان، در مورد همه کشورها

معتقدیم تصمیم‌گیر، خود ملت‌های آن کشورهایند؛

از بیرون، نه ما و نه غیر ما حق نداریم تصمیم

بگیریم نسبت به سرنوشت ملت‌ها؛ خودشان باید

تصمیم بگیرند. این اعتقاد ماست. سیاست استکبار

در قبال سوریه این است که بنشینند، بیرون از اراده

ملت، این دولتی را و این ملتی را که شناخته شده

است که در مقابله با صهیونیست‌ها قرص و محکم

ایستاده - که هم رئیس‌جمهور فعلی، (بشار اسد) هم

رئیس‌جمهور قبلی، (حافظ اسد) صریحاً در مقابل

رزیم جعلی صهیونیستی ایستاده بودند - بگویند

این دولت نباشد. ما می‌گوییم نه، دولتی که

شعارش، هدفش و نیتش ایستادگی در مقابل
صهیونیست‌هاست، این دولت برای دنیای اسلام
مغتنم است. ما هیچ نفع خاصّ شخصی‌ای در
سوریه یا در عراق نداریم؛ ما به فکر دنیای
اسلامیم، ما به فکر امت اسلامی هستیم؛ مواضع ما
با استکبار این جور در مقابل هم قرار دارد.^{۱۱}

سیاست جمهوری اسلامی

در حمایت از گروه مقاومت در لبنان

سیاست استکبار ... در لبنان؛ سال‌های متمادی رژیم صهیونیستی بخش مهمی از لبنان را اشغال کرده بود، و استکبار و در رأس آنها آمریکا سکوت کردند؛ سکوت توأم با رضایت. بعد یک گروه مقاومت مؤمن فدکاری پیدا شدند که شریف‌ترین گروه‌های دفاع ملی، همین گروه مقاومت در لبنان و حزب‌الله لبنان است - اینها جزو شریف‌ترین گروه‌های مقاومت ملی و دفاع ملی در سطح جهان‌اند؛ ما کمتر گروه مقاومتی را داشته‌ایم در کشورها که این جور پاکیزه، بایمان، فدکارانه و موفق عمل کنند - و کمر به قتل اینها بسته‌اند و اینها را متهم می‌کنند به تروریسم. حزب‌الله تروریست است؟ نیروی عظیم دفاع ملی از لبنان، تروریست است؟ اسم این تروریست است؟ پس نیروهای مقاومتی که شما اروپایی‌ها و دیگران بهشان افتخار می‌کنید در طول تاریخ - در فرانسه و در کشورهای دیگر - که به عنوان دفاع از میهن‌شان ایستاده‌اند، آنها هم تروریست بودند؟ نیرویی که در مقابل مت加وز ایستاده است، در مقابل عوامل استکبار ایستاده است و فدکاری می‌کند، تروریست است؟ آنوقت دست رژیم کودک‌کشِ جبارِ جنایت‌کار

صهیونیستی را به عنوان برادر، به عنوان دوست همیشگی می فشنند؛ سیاست آنها این است.

علت اینکه ما از مقاومت لبنان دفاع می کنیم این است: چون اینها یک گروه مقاومت - به معنای واقعی - در مقابل دشمناند، یک گروه دفاع‌اند، یک گروه شجاع‌اند، فداکاراند و ایستاده‌اند در مقابل آنها. اگر اینها نبودند، اسرائیل که یک روزی تا صیدا و جلوتر از صیدا و تا خود بیروت هم آمد، امروز بیروت را اشغال می کرد، لبنانی باقی نمی‌ماند؛ گروه مقاومت است که جلوی اینها را گرفته است. آنوقت آمریکایی‌ها، حضرات سیاستمداران صادق و راستگوی آمریکا! اینها را می‌گویند تروریست و ایران را به خاطر حمایت از اینها می‌گویند مدافع تروریسم! مدافع تروریسم، شما هستید. شما هستید که داعش راه می‌اندازید، شما هستید که تروریست تربیت می‌کنید، شما هستید که صهیونیست‌های خبیث و تروریست را زیر بال خودتان نگه می‌دارید، شما مدافع تروریست هستید؛ شما باید محکمه بشوید به عنوان حمایت و کمک به تروریست. همین مسئله در مورد یمن هست، در مورد بحرین هست، در مورد کشورهای دیگر هم هست.^{۱۱}

حمایت بی‌شروعانه آمریکا

از رئیس‌جمهور فراری یمن و علت بی‌اعتمادی ما

در یمن؛ آن رئیس‌جمهوری (عبدالله منصور هادی) که در حسّاس‌ترین مقطع استعفا می‌دهد برای اینکه خلاً سیاسی ایجاد کند، بعد هم با لباس زنانه از کشورش فرار می‌کند، مشروعیت دارد؟ این رئیس‌جمهور حق دارد از یک کشور دیگر بخواهد که به کشورش حمله کنند، مردم را بکشنند؟ الآن نزدیک چهار ماه – یا سه ماه و خردگانی – است که دارند یمن را می‌کویند. چه کسی را می‌زنند؟ مساجد را می‌زنند، بیمارستان‌ها را می‌زنند، شهرها را می‌زنند، خانه‌ها را می‌زنند، مردم بی‌گناه را می‌کشنند، بچه‌ها را می‌کشنند؛ جرم اینها چیست؟ آمریکا از اینها حمایت می‌کند. ... الآن هم شما دارید اشتباه می‌کنید. اشتباهات گذشته را می‌گویند؛ بیست و هشتم مرداد را می‌گویند؛ می‌گویند ما اشتباه کردیم. بله، خیلی اشتباه بزرگی کردید اما الآن هم دارید اشتباه می‌کنید؛ با مستبدترین رژیم‌ها دست دوستی می‌دهید، دستتان در یک کاسه است، آن وقت نظام جمهوری اسلامی را که صدر تا ذیلش با انتخابات به وجود می‌آید، می‌گویید نظام مستبد! شما بالنصاف اید؟ شما آمریکایی‌ها، شما سیاستمداران

آمریکا در نهایت بی انصافی حرف می زنید و قضاوت می کنید؛ حتی در مورد واقعیات واضح. انسان تعجب هم می کند؛ اینها چه رویی هم دارند! با دولتهایی که اجازه نمی دهند ملت‌هایشان اسم انتخابات به گوششان بخورد - که در بعضی از این کشورها اگر کسی در خیابان، اسم انتخابات را بیاورد، می گیرند می اندازند زندان و سرنوشت‌ش معلوم نیست چه خواهد شد - رفیق، هم کاسه، برادر، عقداخوّت‌بسته، آن وقت نظام جمهوری اسلامی را که در طول ۳۶ سال، سی و چند انتخابات داشته، می گویند استبداد! اینها قابل اعتماداند؟ اینکه ما می گوییم به اینها نمی شود اعتماد کرد، این است. به اینها نمی شود اعتماد کرد؛ اینها کسانی نیستند که حرف راست از دهانشان خارج بشود؛ صداقت در اینها نیست. در همین آزمایش دشواری هم که آقای رئیس جمهور اشاره کردند (در مورد مذاکرات و توافق هسته‌ای) ... بی صداقتی‌های متعدد و مکرر آنها در طول این زمان نشان داده شد. خب! البته مسئولین ما خوبیختانه بخورد کردند؛ در یک مواردی برخوردهای واقعاً انقلابی کردند، کار کردند، و به یک نتیجی تا حالا رسانده‌اند؛ تا ببینیم چه می شود.^{۱۱}

نقشه نفوذ دشمن و بستن قاطع راه آن

نقشه این دشمن [آمریکا] در این منطقه عمدتاً بر دو پایه استوار است - البته شعب زیادی دارد لکن عمدۀ این دوتا است - یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت است از نفوذ. ... نقشه دوم دشمن نفوذ است؛ میخواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه، یک نفوذی به وجود بیاورند که تا ده‌ها سال ادامه داشته باشد. امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ میخواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است؛ در ایران هم نیتشان این است. آنها به خیال خودشان، در این جریان مذاکرات هسته‌ای - این توافقی که حالا نه در اینجا هنوز تکلیف‌ش معلوم است، نه در آمریکا؛ هم اینجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول، هم آنجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول - نیت آنها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ما این راه را بستیم و این راه را به طور قاطع خواهیم بست؛ نه

نفوذ اقتصادی آمریکایی‌ها را در کشورمان اجازه خواهیم داد، نه نفوذ سیاسی آنها را، نه حضور سیاسی آنها را، نه نفوذ فرهنگی آنها را؛ با همه توان – که این توان هم بحمدالله امروز توان زیادی است – مقابله خواهیم کرد؛ اجازه نخواهیم داد. در منطقه هم همین‌جور؛ در منطقه هم آنها می‌خواهند نفوذ ایجاد کنند؛ حضور برای خودشان دست‌وپا کنند و اهداف خودشان را در منطقه دنبال کنند. ما به حول و قوّة الله تا آنجایی که بتوانیم نخواهیم گذاشت این اتفاق بیفتد.^{۱۴}

موضع حمایتی ایران

از کشورهای منطقه در مصاف با استکبار

سیاست‌های ما در منطقه، نقطه مقابل سیاست‌های آمریکاست. ما تمامیت ارضی کشورهای منطقه برایمان بسیار مهم است؛ تمامیت ارضی عراق و تمامیت ارضی سوریه، برای ما کاملاً مهم است؛ آنها دنبال تجزیه‌اند. بنده از قبل گفتم که آمریکایی‌ها دنبال تجزیه عراق‌اند، بعضی‌ها تعجب کردند؛ اخیراً خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که دنبال تجزیه عراق‌اند! می‌خواهند عراق را تجزیه کنند؛ اگر بتوانند می‌خواهند سوریه را تجزیه کنند؛ می‌خواهند کشورهای کوچک کوچک و تحت فرمان به وجود بیاورند؛ به قول قوه‌اللهی این اتفاق نخواهد افتاد. ما از مقاومت در منطقه دفاع می‌کنیم؛ از مقاومت فلسطین - که یکی از برجسته‌ترین فصول تاریخ امت اسلامی، در طول این سال‌ها مقاومت فلسطین است - دفاع می‌کنیم. هر کسی با اسرائیل مبارزه کند و رژیم صهیونیستی را بکوبد و مقاومت را تأیید کند، ما از

او حمایت می‌کنیم؛ انواع حمایت‌هایی که برای ما ممکن باشد؛ همه‌جور حمایتی که برای ما ممکن است، از هر کسی که با رژیم صهیونیستی مقابله کند، [حمایت] خواهیم کرد. از مقاومت حمایت می‌کنیم، از تمامیت ارضی کشورها حمایت می‌کنیم؛ از همه کسانی که در مقابلۀ با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتش لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمۀ علیهم السلام آن را ترویج کردند و آن را خواستند. تشیعی که بر پایه ایجاد اختلاف، بر پایه تمہید و صاف‌کردن جاده برای حضور دشمن‌های اسلام است، این تشیع، تشیع نیست؛ این انحراف است. تشیع مظہر تام اسلام ناب است، مظہر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت می‌کنند حمایت می‌کنیم، با کسانی که ضد وحدت عمل می‌کنند مخالفت می‌کنیم، از همه مظلومان دفاع می‌کنیم. ما با این حرف‌هایی که

بگویند «شما در قضیه بحرین و مانند آن دخالت کردید.» از میدان خارج نمی‌شویم؛ ما هیچ دخالتی هم نکردیم اما از آنها حمایت می‌کنیم. ما برای مردم مظلوم بحرین، برای مردم مظلوم یمن غصه می‌خوریم، برایشان دعا می‌کنیم، هر کمکی بتوانیم بهشان می‌کنیم. امروز حقیقتاً مردم یمن و ملت یمن، مظلوم‌اند؛ یک کشور را دارند ویران می‌کنند به‌خاطر اهداف استکباری و سیاسی، همراه با حماقت؛ هدف‌های سیاسی را جور دیگر هم می‌شد دنبال کنند، اینها دارند این اهداف سیاسی را با حماقت دنبال می‌کنند. برای ما حوادث یمن دردناک است و [همین‌طور] بسیاری از حوادث دنیای اسلام؛ در پاکستان و افغانستان و مانند اینها هم حوادث زیادی هست که واقعاً دردآور است. اینها را بایستی دنیای اسلام با بیداری و بصیرت علاج بکند.^{۱۴}

دشمن واقعی

ملّت ایران، تجربه‌ای دارد در مواجهه با دشمن، در شناسایی دشمن، در اعتماد نکردن به دشمن، در اشتباه نکردن در شناختن دوست از دشمن؛ ما تجربه داریم. ما دچار اشتباه نشدیم در شناسایی دوست از دشمن؛ از اوّل انقلاب تا حالا فهمیدیم و دانستیم که دشمن حقيقی، دشمن لدود(سرسخت، ستیزه‌جو) و لجوج و پیگیر، عبارت است از استکبار جهانی و صهیونیسم؛ این را فهمیدیم. گاهی اوقات همین دشمن اساسی و واقعی، حرف خود را از زبان دیگران گفته است؛ ما دچار خطأ نشدیم در اینکه خیال کنیم دشمن این است؛ نه، تصریح کردیم و گفتیم دشمن استکبار است.

شما نگاه کنید به شعارهای ملت ایران در بیست و دوّم بهمن، در روز قدس، در اجتماعات عظیم که شعارشان علیه استکبار است، علیه آمریکاست، علیه صهیونیست‌ها و رژیم اشغالی صهیونیست است؛ شعارشان علیه اینهاست. در حالی که همین‌ها گاهی اوقات حرف خودشان را

از زبان فلان کشور و عمل خودشان را به وسیله
 فلان کشور اسلامی انجام می‌دهند اما ما علیه آن
 کشور اسلامی شعار ندادیم، ملت ما علیه آن کشور
 اسلامی شعار نداده است؛ چرا؟ چون می‌داند که او
 دشمن واقعی نیست، او فریب‌خورده است، او
 آلت‌دست است؛ این دشمن‌شناسی است، این
 تجربهٔ ماست. بعضی از گروه‌هایی که گروه‌های
 اسلامی هم بودند و در بعضی از کشورها توانستند
 یک فرصتی هم پیدا کنند، این تجربه را نداشتند و
 دچار اشتباه شدند؛ با آن کسی که دشمنِ واقعی
 بود ساختند، علیه آن کسی‌که دوست محسوب
 می‌شد، حرکت کردند و ضربه‌اش را خوردن.
 نعمتی را خدای متعال به اینها داده بود، این نعمت
 ۱۵ را قدر ندانستند.

توطئه استکبار علیه اسلام

کشورهای اسلامی، امروز با توطئه مواجه‌اند؛ این را می‌فهمیم یا نه؟ امروز نه علیه شیعه، نه علیه ایران، نه علیه فلان مذهب خاص، بلکه علیه اسلام توطئه است. چون قرآن مال اسلام است؛ آن مرکزی و کانونی که فریاد می‌زند «لَنْ يَجِعَ اللَّهُ لِكُفَّارِنَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء ۱۴۱ «هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.») که تشیع نیست؛ آن قرآن است، آن اسلام است؛ لذا با آن مخالف‌اند. با هر مرکزی، با هر حنجره‌ای که مردم را و ملت‌ها را بیدار کند مخالف‌اند؛ با هر دستی که با استکبار در بیفتند مخالف‌اند و آن دست دست اسلام است، آن حنجره حنجره اسلام است؛ لذا با اسلام مخالف‌اند.

شیوه‌های برخورد با اسلام و دشمنی با اسلام هم متنوع است؛ انواع و اقسام. می‌نشینند فکر می‌کنند، راه پیدا می‌کنند برای نفوذ کردن، برای ضربه زدن. سال‌های اوّل پیروزی انقلاب اسلامی بود که ما اطلاع پیدا کردیم رژیم صهیونیستی یک جمعیتی را معین کرده است و پول به اینها داده که بنشینند راجع به اسلام و راجع به شیعه فکر کنند، مطالعه کنند، بررسی کنند؛ خب! این مطالعه برای چیست؟ این مطالعه برای

این است که ببینند چه جور می‌شود این عامل عظیم را، این بیداری را، این یقظه^(بیداری، هوشیاری) اسلامی را ختنی کرد؛ اینکه چه طور می‌شود به ملت‌های مسلمان که بیدار شده‌اند، فهمیده‌اند که قدرت دارند، فهمیده‌اند می‌توانند کار کنند ضریبه زد. نشستند پول‌ها خرج کردند. اینکه گفتم، یکی اش بود؛ ده‌ها مرکز و کانون - که بعضی را خبر داریم، بعضی را هم حدس می‌زنیم - در اروپا، در آمریکا، در رژیم صهیونیستی، در بعضی از کشورهای وابسته و تحت فرمان اینها به وجود آمد، برای اینکه ببینند راه‌ها چیست. آنوقت شما می‌بینید ایجاد اختلاف را، ایجاد خشونت را، بدنام کردن اسلام را، تجزیه کردن کشورهای اسلامی را، به جان هم انداختن ملت‌های مسلمان را و به جان هم انداختن آحاد یک ملت را جزو کارهای لازم خودشان می‌دانند؛ یک روز وسیله‌اش فرض کنید که بلک واتر آمریکایی است، (یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خصوصی نظامی که بسیاری از مأموریت‌های حسّاس پنتاگون و سیا را انجام می‌دهد). یک روز هم وسیله‌اش داعش عراقی یا سوری یا امثال اینها است. می‌گردد وسیله پیدا می‌کنند برای اینکه ایجاد

^{۱۵} اختلاف کنند.

جهت‌گیری در سیاست خارجی

سیاست جمهوری اسلامی ایران و

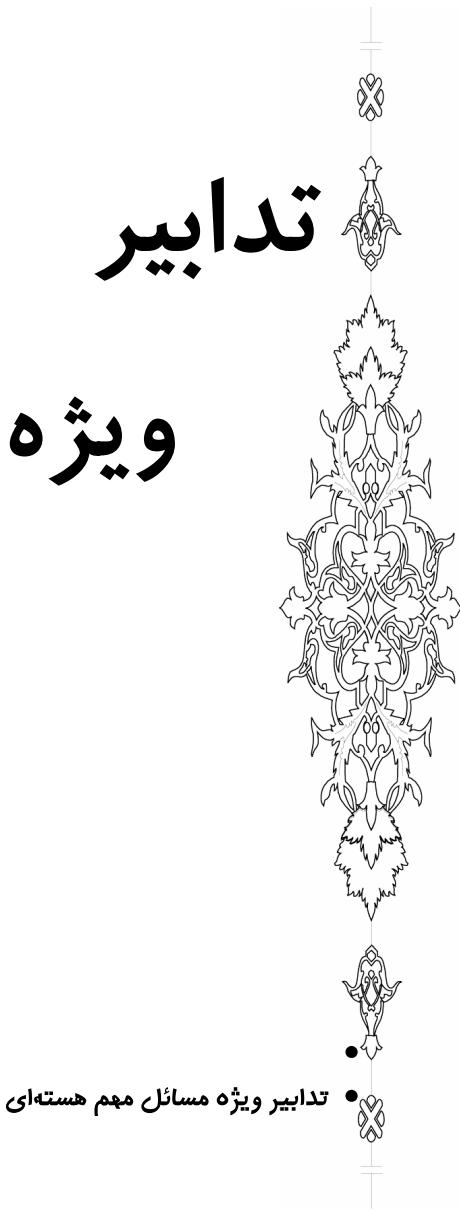
سیاست خائنانه قدرت‌های استکباری در عراق

سیاست قدرت‌های استکباری در این منطقه، سیاست‌های خائنانه است؛ آشکارا خائنانه است. در عراق، سیاست قدرت‌های استکباری این است که نظام برآمده از انتخابات و اکثریت و دموکراسی را سرنگون کنند؛ دنبال این هستند؛ تضعیف کنند، اخلال کنند، نگذارند کار کند؛ و شیعه و سنّی را در عراق به جان هم بیندازند. ما عراق را قبل از این قضایا دیده‌ایم؛ شیعه و سنّی با هم زندگی می‌کردند، در کنار هم زندگی می‌کردند، با هم ازدواج می‌کردند، و امروز باید در مقابل هم بایستند، علیه هم اسلحه بکشند! درنهایت هم اینها دنبال این هستند که عراق را تجزیه کنند. سیاست ما، درست نقطه مقابل این است؛ ما معتقدیم دولت برآمده از انتخابات را در عراق باید تقویت کرد؛ معتقدیم در مقابل کسانی که اختلافات داخلی به وجود می‌آورند باید ایستادگی کرد، مقاومت کرد، تمامیت ارضی عراق را باید حفظ کرد. این سیاست، درست نقطه مقابل سیاست استکبار در عراق است.^{۱۱}

جهتِ گيري تحولی در جهان

آينده قطعاً متعلق به اسلام

ان شاء الله آينده خوبی در انتظار است. من به شما عرض بکنم على رغم رجزخوانی هایی که استکبار می کند و تلاش فراوانی که از لحظه مالی و نظامی و سیاسی و امتیتی، استکبار و همراهان استکبار و دنباله های استکبار انجام می دهند، در این منطقه و در کل دنیای اسلام، آینده قطعاً متعلق به اسلام است؛ روز به روز ان شاء الله عزّت اسلام بیشتر خواهد شد، قدرت اسلام بیشتر خواهد شد. البته لازم است مجاهدت بشود و انسان های مجاهد، مردان و زنان مجاهد، جوانان مجاهد در همه دنیای اسلام، بحمد الله زیادند، قدر آنها را باید بدانیم، شعارهایمان را، حرکت هایمان را، کلماتمان را، فعالیت هایمان را باید در این جهت قرار بدھیم و یقیناً خدای متعال کمک خواهد کرد. «ان تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يَثْبِتُ أَقْدَامَكُمْ». (محمد ۷ «اگر خدا را باري کنید، باريتان می کند و گام هایتان را استوار می دارد.»).



• تدابیر ویژه مسائل مهم هسته‌ای

تدایر ویژه مسائل مهم هسته‌ای

مسائل مهم هسته‌ای

در مسئله هسته‌ای، سه نکته را ابتدائاً و مقدمتاً عرض می‌کنم، بعد هم مطالبی را که در این زمینه هست، به عرض می‌رسانم.

۱- تکذیب خط تبلیغی عبور از خط قرمزها:

نکته اوّل اینکه آنچه بنده اینجا در این جلسه یا در جلسات عمومی می‌گوییم، عیناً همان حرف‌هایی است که در جلسات خصوصی به مسئولین، به رئیس جمهور محترم و به دیگران می‌گوییم. این خط تبلیغی‌ای که دیدیم و می‌بینیم دنبال می‌کنند که بعضی از خط قرمزهایی که رسماً اعلام می‌شود، در جلسات خصوصی از آنها صرف‌نظر می‌شود، حرف خلاف واقع و دروغی است. آنچه ما اینجا به شما می‌گوییم یا در

جلسات عمومی می‌گوییم، عیناً همان حرف‌هایی است که به دوستان، به مسئولین، به هیئت مذاکره‌کننده، همان‌ها را بیان می‌کنیم؛ حرف‌ها یکی است.

۲ - ویژگی‌های بارز هیئت مذاکره‌کننده:

نکته دوّم، بنده هیئت مذاکره‌کننده را - همین دوستانی که این مدّت این زحمات را بر دوش گرفته‌اند - هم امین می‌دانم، هم غیور می‌دانم، هم شجاع می‌دانم، هم متدين می‌دانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضّاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس می‌گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً اذعان می‌کردید. من البته علاوه بر اینها، بعضی از این دوستان را از نزدیک می‌شناسم، بعضی را از دور با سوابقشان می‌شناسم؛ اینها مردمانی هستند متدين و امین؛ اینها امین‌اند؛ قصدشان این است که کار کشور را پیش ببرند، گره را باز کنند و دارند تلاش می‌کنند برای این

کار. انصافاً غیرت ملی هم دارند، شجاعت هم دارند، در مقابل یک تعداد کثیری از کسانی قرار می‌گیرند - که حالا نمی‌خواهم تعبیرِ متناسب واقعی را بکنم، چون گاهی تعبیرهایی هست که واقعاً شایسته آن تعبیراند اما خب! مناسب نیست که ما به زبان بیاوریم - و انصافاً در مقابل آنها با شجاعت کامل، با دقّت کامل مواضع خودشان را بیان می‌کنند، دنبال می‌کنند و تعقیب می‌کنند.

۳- آسانی انتقاد:

نکته سوم در مورد متقدین محترم است. بنده با انتقاد مخالف نیستم، عیی ندارد، انتقاد لازم است و کمک کننده است، منتها این را همه توجه داشته باشند که انتقاد کردن آسان‌تر از عمل کردن است. عیوب‌های طرف مقابل را در آن عرصه‌ای که قرار دارد، ما راحت می‌بینیم، درحالی‌که خطرات او، دشواری‌های او، نگرانی‌های او، مشکلات او را انسان نمی‌بیند. مثل این است که شما کنار یک استخراج ایستاده‌اید، دارید تماشا می‌کنید؛ یک نفر هم رفته است روی ارتفاع، از ده‌مترا می‌خواهد

شیرجه بزند. خب! شیرجه می‌زند، شما که اینجا
کنار استخر ایستاده‌اید، می‌گویید هان! این پایش
خم شد، زانویش خم شد؛ این یک اشکال. بله، این
اشکال است اما شما زحمت بکشید از این دایو
بروید بالا، سر آن دهمری به آب یک نگاهی
بکنید، آنوقت قضاوت بکنید! انتقاد کردن آسان
است. [البته] این حرف من مانع از انتقاد نشود؛
انتقاد بکنید لکن توجه داشته باشید که انتقادها با
لحاظ این معنا باشد که آن طرف مقابل بعضی از
عيوبی را که ما در انتقادمان ذکر می‌کنیم ممکن
است می‌دانند، [اما] خب به این نتیجه رسیده‌اند یا
ضرورت‌ها آنها را به اینجا کشانده یا به هر دلیل
دیگری. البته بنده نمی‌خواهم بگویم اینها
معصوم‌اند؛ نه، معصوم نیستند؛ ممکن است انسان
یک جاهایی در تشخیص، در عمل خطأ هم بکند،
اما مهم این است که به امانت اینها و به دیانت
اینها و به غیرت اینها و به شجاعت اینها ما اعتقاد
داریم. این سه نکته لازمی که در مقدمه عرایضم

^۱ عرض کردم.

تاریخچه مذاکره با آمریکایی‌ها

من یک تاریخچه کوتاهی از این مذاکرات عرض بکنم. این مذاکراتی که در واقع فراتر از مذاکرات ما با پنج به علاوه یک است؛ مذاکره با آمریکایی‌هاست. متقاضی این مذاکرات آمریکایی‌ها بودند. مربوط به زمان دولت دهم هم هست. قبل از آمدن این دولت این مذاکرات شروع شد. آنها درخواست کردند، واسطه‌ای قرار دادند و یکی از محترمین منطقه، آمد اینجا با من ملاقات کرد، گفت که رئیس جمهور آمریکا با او تماس گرفته و از او خواهش کرده و گفته است که ما می‌خواهیم مسئله هسته‌ای را با ایران حل و فصل کنیم و تحریم‌ها را هم می‌خواهیم برداریم. دو نقطه اساسی در حرف او وجود داشت: یکی اینکه گفت ما ایران را به عنوان یک قدرت هسته‌ای خواهیم شناخت؛ دوم اینکه گفت ما تحریم‌ها را در ظرف شش ماه به تدریج بر می‌داریم. بیایید بشنینید مذاکره کنید، این کار انجام بگیرد. من به آن واسطه محترم گفتم که ما به آمریکایی‌ها اطمینانی نداریم، به حرف اینها اطمینانی نیست. گفت حالا امتحان کنید؛ گفتم خیلی خب! این دفعه هم امتحان می‌کنیم. مذاکرات این جوری شروع

شد. ... ما آن روزی که وارد این مذاکرات شدیم، دستاورد قابل قبول و مهمی داشتیم؛ احساس کردیم با دست قوی داریم وارد می‌شویم. دستاورد آن روز ما از جمله این بود که ما توانسته بودیم درحالی‌که همه قدرت‌های هسته‌ای دنیا امتناع کردند که به ما سوخت بیست درصد را برای مرکز [تحقیقاتی] تهران بدهنند - که احتیاج به داروهای هسته‌ای داشتیم - ما خودمان توانستیم در شرایط تحریم، سوخت بیست درصد را تولید کنیم، [بعد] این سوخت بیست درصد را تبدیل کنیم به صفحه سوخت و از آن استفاده کنیم. طرف مقابل مات شد! داستان مفصلی دارد، شاید خیلی از شما هم در جریانید؛ طی مذاکرات طولانی، حاضر نشدنند به ما [سوخت] بیست درصد را بدهنند - یعنی بفروشند - یا اجازه بدهنند که آن را کس دیگری به ما بفروشد. ما گفتیم در داخل تولید می‌کنیم؛ جوان‌های ما، همین دانشمندان ما، همین قشر زحمتکش پرآمید متکی به نفس، توانستند چشم طرف را خیره کنند؛ [سوخت] بیست درصد را تولید کردند. و شما توجهه دارید، من شاید یک بار دیگر هم گفته‌ام، (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز نیروی هوایی ۱۱/۹/۱۳۹۳) در حرکت غنی‌سازی

هسته‌ای بخش مهم و دشوار، حرکت از سه درصد و چهار درصد به بیست درصد است؛ از بیست درصد تا نود درصد یک حرکت خیلی ساده‌ای است. وقتی کسی به بیست درصد رسید، مراحل بعدی بسیار آسان است. بخش دشوار و مهم، این قسمت $\frac{3}{5}$ درصد تا بیست درصد است. این راه دشوار را جوان‌های ما رفتند و [سوخت] بیست درصد را تولید کردند و صفحه سوخت را تولید کردند؛ این یکی از دستاوردهای ما بود. ما با این روحیه وارد مذاکره شدیم. راهبرد ایستادگی و تاب‌آوری در مقابل فشارها جواب داد. آمریکایی‌ها اذعان کردند که تحریم اثری ندارد، همچنان‌که اشاره کردند؛ این کاملاً تحلیل درستی است. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که تحریم، دیگر اثر مطلوب آنها را ندارد. بنال راه دیگری بودند ... فهمیدند ما بدون وابستگی می‌توانیم به فناوری پیشرفت‌هه دست پیدا کنیم؛ ما هم با این منطق، توکل کردیم و وارد مذاکره شدیم.

البته احتیاط را از دست ندادیم. از اول نگاه ما به مذاکره‌کنندگان و طرف آمریکایی نگاه شک‌آلود بود. طبق تجربه‌هایی که داشتیم، به اینها اطمینان نداشتیم،

[لذا] از اوّل با ملاحظه وارد شدیم. نظرمان هم این بود که اگرچنانچه اینها سرِ حرف خودشان ایستادند که خب اشکالی ندارد؛ ما حاضر بودیم هزینه هم بدهیم، یعنی ما عقیده نداریم که در یک مذاکره هیچ هزینه‌ای نباید داد، هیچ عقب‌گردی نسبت به بخشی از موضوعات نباید کرد؛ نه، به قدر صحیح و منطقی و عقلایی حاضر به هزینه دادن هم بودیم؛ متنه ما دنبال توافق خوب بودیم. من این را همینجا عرض بکنم: ما هم می‌گوییم توافق خوب، آمریکایی‌ها هم می‌گویند توافق خوب؛ متنه ما که می‌گوییم توافق خوب، منظورمان توافق منصفانه و عادلانه است؛ آنها که می‌گویند توافق خوب، توافق تمامت‌خواهانه است. اندکی در مذاکرات پیش رفته بودیم که زیاده‌خواهی‌های حضرات شروع شد؛ هرروز یک حرفی، یک بهانه‌ای؛ شش ماه تبدیل به یک سال شد، طولانی‌تر شد، مذاکرات شکل‌های گوناگونی پیدا کرد، چانه‌زنی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها مذاکرات را طولانی کرد، تهدید کردند، تهدید به تحریم بیشتر، حتی تهدید به بکارگیری نظامی‌گری؛ این تهدیدها را کردند؛ روی میز و زیر میز و این حرف‌هایی که شنیده‌اید. (خنده حضار) این رفتار این حضرات تا امروز بوده.^۱

زیاده‌خواهی‌های آمریکا

هر کس روند مطالبات آمریکایی‌ها را در این مدّت [مذاکرات هسته‌ای] مطالعه کند و کیفیت حرف‌های اینها را نگاه کند، به این نتیجه می‌رسد:

۱- ریشه‌کنی صنعت هسته‌ای کشور:

... هدف اینها ریشه‌کن کردن و از بین بردن صنعت هسته‌ای در کشور است؛ هدف این است، دنبال این هستند؛ قصدشان این است که ماهیت هسته‌ای کشور را از بین برند؛ ولو حالاً یک اسمی، یک تابلوی بسی محتوایی، یک چیز کاریکاتوری ای وجود داشته باشد، اما اینها قصد دارند که نگذارند این حرکت هسته‌ای کشور، صنعت هسته‌ای یک کشور با اهدافی که نظام جمهوری اسلامی دارد تحقّق پیدا کند. ما اعلام کردیم تا یک سررسید معینی بایست بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشیم، این نیاز کشور است؛ بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای نیاز ضروری کشور است؛ این محاسبه شده دستگاه‌های محاسبه‌کننده کشور است که البته در حاشیه آن،

منافع زیاد و برآوردن نیازهای فراوان دیگر هم وجود دارد؛ اینها می‌خواهند این اتفاق نیفتد. البته در عین اینکه این صنعت را می‌خواهند نابود کنند، فشار را هم می‌خواهند حفظ کنند، قصد برداشتن تحریم‌ها به صورت کامل را هم - همین‌طور که ملاحظه می‌کنید - ندارند، تهدید هم می‌کنند که تحریم‌های بیشتری را تحمیل خواهیم کرد. این یک نکته است.

۲- نیاز دولت کنونی آمریکا به توافق:

... طرف مقابل ما، یعنی دولت کنونی و مدیریت کنونی آمریکا، به این توافق احتیاج دارد؛ این هم یک طرف دیگر قضیه است؛ اینها نیاز دارند به این؛ یک پیروزی بزرگی برای آنها محسوب می‌شود اگر بتوانند به آن مقصود خودشان در اینجا برسند. این در واقع پیروزی بر انقلاب اسلامی است؛ پیروزی بر ملتی است که داعیه استقلال دارد؛ پیروزی بر کشوری است که می‌تواند الگوی کشورهای دیگر باشد؛ دستگاه مدیریت آمریکا به این [توافق] نیازمند است. همه

بگومگوها و چکوچانهها و بدعهدیها و
تقلّب‌هایی که حضرات می‌کنند، بر محور این دو
موضوع می‌چرخد.

ما از اوّل، منطقی وارد شدیم، منطقی حرف
زدیم، زیاده‌خواهی نکردیم؛ ما گفتیم طرف، یک
تحریم ظالمانه‌ای را تحمیل کرده است، ما
می‌خواهیم این تحریم برداشته بشود؛ خیلی خب!
این یک بدۀ‌بستان است، حرفی نداریم که در این
زمینه یک چیزی بدهیم، یک چیزی بستانیم تا
تحریم‌ها برداشته بشود؛ اما صنعت هسته‌ای
متوقف نباید بشود، لطمه نباید بخورد؛ این حرف
اوّل است؛ از اوّل این حرف را زدیم و دنبال
کردیم تا امروز.^۱

اهم خطوط قرمز

اهم خطوط قرمزی ... که [در مذاکرات هسته‌ای]
وجود داشته اینهاست که من عرض می‌کنم. ما یک
چیزهایی را به عنوان نقاط اصلی ذکر کردیم؛
مهم‌ترین‌هایش اینها هستند؛ البته غیر از اینها هم
چیزهایی هستند:

۱- تعیین محدودیت مدت:

یکی اینکه آنها اصرار دارند بر محدودیت
بلندمدّت؛ ما گفتیم ما محدودیت ده سال و دوازده
سال و مانند اینها را قبول نداریم؛ ده سال یک عمر
است؛ همه آنچه ما در این مدت به دست آوردیم، در
حدود ده سال طول کشیده است! بله، سابقه هسته‌ای
در داخل کشور بیش از اینهاست که بعضی اوقات هم
گفته می‌شود در بعضی از بیانات، لکن در آن سال‌های
اوّل در واقع کاری انجام نگرفته بود؛ کار اساسی و
عمده مال همین حدود ده پانزده سال اخیر است.
محدودیت ده‌ساله را ما قبول نداریم؛ ما مقدار سال‌های
معینی را که مورد قبول ماست به مجموعه هیئت
مذاکره‌کننده گفته‌ایم که چه مقدار، محدودیت را قبول
کرده‌ایم، اما تعداد سال‌های محدودیت را گفته‌ایم ده

سال و دوازده سال و این چیزهایی که این حضرات
می‌گویند قبول نداریم.

۲- تداوم کار تحقیق، توسعه، ساخت و ساز:

در همین مدتِ محدودیت هم که ما قبول می‌کنیم،
کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز باید ادامه پیدا
کند، که این هم از جمله خطوط قرمزی است که
مسئولین محترم روی آن تکیه کردند؛ گفتند ما حاضر
نیستیم از تحقیق و توسعه دست برداریم؛ حق با
اینهاست. در طول این سال‌های محدودیت هم، بایست
تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آنها حرف دیگری
می‌زنند؛ آنها می‌گویند شما ده سال دوازده سال یا
بیشتر هیچ کاری نکنید، بعد از آن شروع کنید به تولید،
شروع کنید به ساخت! که این حرف زور مضاعفی
است، حرف غلط مضاعفی است.

۳- لغو فوری همه تحریم‌ها:

از جمله نقاط مهم این است: بنده تصریح می‌کنم،
تحریم‌های اقتصادی و مالی و بانکی، چه آنچه به
شورای امنیت ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به کنگره
آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به دولت آمریکا
ارتباط پیدا می‌کند، همه باید فوراً در هنگام امضای

موافقت‌نامه لغو بشود؛ بقیه تحریم‌ها هم در فاصله‌های معقول [لغو بشود]. البته آمریکایی‌ها در زمینه تحریم‌ها یک فرمول پیچیده چند لایه عجیب و غریبی را مطرح می‌کنند که اصلاً اعماق آن معلوم نیست؛ از انتهای آن چه در می‌آید هیچ معلوم نیست. عرض کردم بنده بیانم بیان صریح است، تعبیرات دیپلماسی را بنده خیلی بلد نیستم؛ آنچه ما می‌گوییم صریح و همین [است] که گفتیم؛ این مورد نظر ماست.

۴- متناظر بودن لغو تحریم‌ها:

یک نکته اساسی دیگر اینکه لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهدات ایران نیست؛ نمی‌شود بگویند: شما راکتور آب سنگین اراک را خراب بکنید، سانتریفیوژها را به این تعداد کاهش بدهید، این کارها را بکنید، آن کارها بکنید، بعد که کردید، بعد آن وقت آژانس باید شهادت بدهد، گواهی کند که شما راست می‌گویید و این کارها را انجام داده‌اید، بعد ما تحریم‌ها را برداریم! نه، این را ما مطلقاً قبول نداریم؛ لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهداتی که ایران می‌کند نیست. البته لغو تحریم یک مراحل اجرایی‌ای دارد، ما این را قبول داریم؛ اجرائیات لغو تحریم با اجرائیاتی که ایران به

عهده می‌گیرد، باید منتظر باشند؛ بخشی از این در مقابل بخشی از آن، بخش دیگری از این در مقابل بخش دیگری از آن.

۵- موکول نشدن انجام اقدامات به گزارش آژانس:

یک نکته اساسی دیگر این است که ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس مخالفیم. ما به آژانس بدینیم؛ آژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست؛ مستقل نیست زیرا تحت تأثیر قدرت‌هاست؛ عادل نیست [چون] بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به علاوه، اینکه بگویند «آژانس باید باید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته‌ای در کشور نیست» این یک حرف غیر معقولی است. خب! چه جور می‌شود اطمینان پیدا کند؟ اصلاً اطمینان پیدا کردن یعنی چه؟ مگر تک تک خانه‌ها و وجب به وجوب سرزمهین کشور را اینها بگردند! چه جوری می‌شود اطمینان پیدا کرد؟ موکول کردن به این مسئله، نه منطقی است، نه عادلانه است.

۶- بازرسی‌های غیر متعارف:

با بازرسی‌های غیر متعارف هم بنده موافق نیستم.

۷- گفتگو با شخصیت‌ها:

پرس‌وجوی از شخصیت‌ها را هم به هیچ‌وجه قبول ندارم و موافق نیستم.

۸- بازرسی از مراکز نظامی:

بازرسی از مراکز نظامی را هم نمی‌پذیریم همچنان که قبل‌اً هم گفته‌یم.

۹- محدودیت زمان‌ها:

زمان‌های ۱۵ سال و ۲۵ سال - که مدام می‌گویند ۱۵ سال برای فلان چیز، ۲۵ سال برای فلان چیز - و این زمان‌های این جوری را هم ما قبول نداریم؛ مشخص است، این زمان اوّل و آخری دارد و تمام خواهد شد.

اینها موارد عمدۀ و مهّمی است که روی آن تکیه داریم؛ البته خطوط قرمز فقط اینها نیست؛ دوستان مذاکره‌کننده در جریان نظرات ما هستند؛ جزئیات را با آنها در میان گذاشته‌ایم؛ [البته] جزئیات مورد نظر و آن چیزهایی که بنده وارد می‌شوم؛ در خیلی از جزئیات هم ما وارد نمی‌شویم.^۱

اتفاق در توافق

[در مذاکرات هسته‌ای] ما دنبال توافقیم. اگر کسی بگوید که در مسئولین جمهوری اسلامی کسی هست که توافق را نمی‌خواهد، خلاف گفته؛ این را همه بدانند. مسئولین جمهوری اسلامی – بنده، دولت، مجلس، قوهٔ قضائیه، دستگاه‌های گوناگون امنیتی، نظامی، غیره – همه در این جهت متفق‌ایم و موافق‌ایم که توافق باید انجام بگیرد. در این جهت هم باز همه متفق‌اند که این توافق باید عزّتمندانه باشد، مصالح جمهوری اسلامی به دقت و با وسوس اس باید در آن رعایت بشود؛ در این هم هیچ اختلافی نیست؛ دولت، مجلس، بنده، دیگران و دیگران همه در این جهت متفق‌ایم، نظرمان یکی است. توافق بایستی توافقی باشد منصفانه و منافع جمهوری اسلامی را بایستی تأمین بکند.^۱

فرصت تحریم‌ها

[در مذاکرات هسته‌ای] ما دنبال از بین بردن و برداشتن تحریم‌ها هستیم؛ هدف ما از این مذاکرات لغو تحریم‌هاست؛ جدّاً دنبال این هستیم که این تحریم‌ها لغو بشود؛ اما در عین حال خود این تحریم‌ها را ما فرصت می‌دانیم. این جور نباشد که بعضی‌ها تعجب کنند که چطور تحریم فرصت است؛ چطور تحریم - چیز به این بدی - فرصت است؟ این تحریم موجب شد ما به خودمان برگردیم؛ این تحریم موجب شد ما به نیروی داخلی خودمان بیندیشیم، دنبال ظرفیت‌های داخلی باشیم؛ اینکه همه چیز را از بیرون وارد کنیم با پول نفت، برای یک کشوری مثل کشور ما بدترین بلیه و بزرگ‌ترین مشکل است که متأسفانه از قبل از انقلاب این مشکل گریبان‌گیر کشور ما شده و هنوز هم تا حدود زیادی ادامه دارد که باقیستی این را قطع کنیم. ما در علم، در فناوری، در کارهای گوناگون دنبال ظرفیت‌های داخلی آمدیم، ان شاء الله

^۱ در مورد اقتصاد هم همین جور بشود.

نکات لازم پیرامون مذاکرات هسته‌ای

یک مسئله هم مسئله داخلی ماست که مسئله مذاکرات هسته‌ای است. چند نکته را در زمینه این مسئله لازم است عرض کنم.

۱- ... تشکر از دست‌اندرکاران این مذاکرات طولانی و نفس‌گیر است، رئیس جمهور محترم و بالخصوص هیئت مذاکره‌کننده که حقیقتاً زحمت کشیدند و تلاش کردند؛ چه این متنی که تهیه شده است، در مجاری قانونی پیش‌بینی شده خود تصویب بشود و چه نشود، اجر آنها محفوظ است؛ این را به خود آن برادران هم از نزدیک عرض کردیم. البته برای تصویب این متن، یک مسیر قانونی پیش‌بینی شده‌ای وجود دارد که باید این مسیر را طی کند و خواهد کرد؛ ان شاء الله. انتظار ما این است که دست‌اندرکاران، با دقّت مصالح را - مصالح کشور را، مصالح ملّی را - در نظر بگیرند و آنچه را تحويل ملت خواهند داد، بتوانند با گردن افراشته، در مقابل خدای متعال هم ارائه بدهنند.

۲- ... چه این متن تصویب بشود و چه نشود، به حول و قوّه الهی، اجازه هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای از آن

داده نخواهد شد؛ اجازه خدشة در اصول اساسی نظام اسلامی به کسی داده نخواهد شد؛ قابلیت‌های دفاعی و حریم امنیت کشور، به فضل الهی حفظ خواهد شد، اگرچه می‌دانیم دشمنان بر روی این نقطه به خصوص، تکیه زیادی دارند. جمهوری اسلامی، در زمینه حفظ قابلیت‌های دفاعی و امنیتی خود - آن‌هم در این فضای تهدیدی که دشمنان برایش به وجود می‌آورند - هرگز تسليم زیاده‌خواهی دشمن نخواهد شد.

۳- ... چه این متن تصویب بشود و چه نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید: از ملت مظلوم فلسطین، از ملت مظلوم یمن، از ملت و دولت سوریه، از ملت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین، از مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین؛ اینها همواره مورد حمایت ما خواهند بود.

۴- ... با این مذاکرات و با متنی که تهیه شده است، در هر صورت سیاست ما در مقابل دولت مستکبر آمریکا چیچ تغییری نخواهد کرد. همان‌طور که بارها تکرار کردیم، ما با آمریکا در مورد مسائل

گوناگون جهانی و منطقه‌ای مذاکره‌ای نداریم؛ در مورد مسائل دوجانبی مذاکره‌ای نداریم؛ گاهی در موارد استثنائی مثل این مورد هسته‌ای، براساس مصلحت، مذاکره کرده‌ایم؛ این مورد هم فقط نبوده است، قبل از این هم مواردی بوده است که من در سخنرانی‌های عمومی قبلی به آنها اشاره کرده‌ام. سیاست‌های آمریکا در منطقه با سیاست‌های جمهوری اسلامی ۱۸۰ درجه اختلاف دارد. آمریکایی‌ها حزب‌الله را و مقاومت لبنان را - که فدایکارترین نیروهای دفاع ملّی در یک کشورند - متهم به تروریسم می‌کنند، از این بسی انصافی بالاتر نمی‌شود. آن وقت در مقابل، دولت تروریست صهیونیستی کوک‌کوش را مورد حمایت خودشان قرار می‌دهند، با یک‌چنین سیاستی چگونه می‌شود معامله کرد، چگونه می‌شود مذاکره کرد، چگونه می‌شود به توافق رسید؟ حالا موارد دیگر هم هست که من تفصیلش را می‌گذارم برای جای دیگر.

۵- نکته بعدی در مورد رجزخوانی‌های آمریکا در این چند روز است. در این چند روزی که از پایان این مذاکرات گذشته است، حضرات مسئولین آمریکایی -

دولت مردانشان، دولت زنانشان - مشغول

رجزخوانی اند، هر کدام با زبانی رجزی می خوانند.
البته ما ایرادی به این کار آنها نداریم؛ مشکلات
داخلی آنها، آنها را ناچار می کند که این
رجزخوانی ها را بگتند که بله، ما ایران را سر میز
مذاکره کشاندیم، ما ایران را تسلیم کردیم، ما مانع از
سلاح هسته‌ای ایران شدیم، ما فلان امتیاز را گرفتیم
و از این قبیل! خب، حقیقت قضیه چیز دیگری
است. می گویند ما جلوی سلاح هسته‌ای ایران را
گرفتیم؛ سلاح هسته‌ای ایران، ربطی به گفتگوی با
آمریکا و غیر آمریکا ندارد؛ خود آنها هم می دانند؛
گاهی هم اهمیت فتوای حرمت سلاح اتمی را بر
زبان آورده‌اند؛ ما براساس حکم قرآن و شریعت
اسلامی، تولید سلاح هسته‌ای و نگهداری آن و به کار
بردن آن را حرام می دانیم و به آن اقدام نمی کنیم؛ این
هیچ ربطی به آنها ندارد، به این مذاکرات هم ربطی
ندارد. آنها خودشان می دانند که این واقعیت است -
می دانند که آنچه مانع جمهوری اسلامی در زمینه
تولید سلاح هسته‌ای است، تهدید و توب و تشر آنها
نیست؛ یک مانع شرعی است؛ اهمیت این فتووا را

می دانند - در عین حال باز می گویند که ما بودیم که نگذاشتیم؛ به ملت خودشان راست نمی گویند، حقیقت را نمی گویند. آنها درباره مسائل گوناگون دیگر، می گویند ما درباره صنعت هسته‌ای این جور کردیم، این جور گفتیم، ایران را تسليم کردیم؛ تسليم ایران را مگر به خواب بینند. پنج رئیس جمهور دیگر آمریکا از اوّل انقلاب تا امروز، در این آرزو که جمهوری اسلامی را تسليم کنند یا مُردند یا در تاریخ گم شدند، شما هم مثل آنها؛ شما هم این آرزو را هرگز به دست نخواهید آورد که ایران اسلامی را تسليم کنید.

۶- یک نکته‌ای در خلال حرف‌های رئیس جمهور آمریکا در این چند روز وجود داشت و آن اعتراف به اشتباهات گذشته آمریکا بود؛ البته مشتی از خروار را ایشان گفت. اعتراف کرد که در بیست و هشتم مرداد، آمریکایی‌ها در ایران خطأ کردند؛ اعتراف کرد که در کمک به صدام حسین، آمریکایی‌ها خطأ کردند؛ دو سه مورد را گفت، اما ده‌ها مورد را نگفت؛ ۲۵ سال حکومت ظالمانه و جائزانه پهلوی دوّم را نگفت؛ شکنجه‌ها، غارت‌ها، کشتارها، جنایتها،

فاجعه‌آفرینی‌ها، از بین بردن عزّت ملت ایران، لگدکوب کردن منافع داخلی و خارجی ملت ایران را که به‌وسیله آمریکا انجام گرفت نگفت، تسلط صهیونیست‌ها را نگفت، نابود کردن مسافرین هوایی‌مای مسافربری را به‌وسیله شلیک موشک از دریا نگفت، و بسیاری چیزهایی دیگر؛ اما چند اشتباه را تکرار کرد. من جمله‌ای را می‌خواهم ناصحانه به این حضرات بگویم: امروز شما بعد از گذشت سال‌های طولانی از بیست و هشت‌تم مرداد یا از جنگ هشت‌ساله و دفاع جمهوری اسلامی، اعتراف می‌کنید که اشتباه کردید؛ من می‌خواهم بگویم الان هم دارید اشتباه می‌کنید، الان هم در جاهای مختلف این منطقه و به خصوص نسبت به جمهوری اسلامی و ملت ایران مشغول اشتباه هستید؛ چند سال دیگر یک کس دیگری می‌آید و همین اشتباه شما را به رخ خواهد کشید، همچنان‌که شما امروز اشتباه گذشتگانتان را به رخ می‌کشید؛ شما هم دارید اشتباه می‌کنید، بیدار شوید، از اشتباه خارج شوید، حقیقت را بفهمید. در منطقه اشتباهات بزرگی را دارند مرتكب می‌شوند.^{۱۰}

پاسخ به نامه رئیس جمهور درباره مذاکرات هسته‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس جمهور

با سلام و تحييت و تشکر از زحمات فراوان
جناب عالی، اولًا لازم می‌دانم از تلاش پیگیر و پ्रطاقت
هیئت مذاکره‌کننده هسته‌ای صمیمانه تشکر و قدردانی
کنم و پاداش الهی را برای آنان مسئلت نمایم، سپس،
به سرانجام رسیدن این مذاکرات، گام مهمی است، با
این حال لازم است متنی که فراهم آمده با دقت
ملحوظه و در مسیر قانونی پیش‌بینی شده قرار گیرد و
آنگاه در صورت تصویب، مراقبت از نقض عهدهای
محتمل طرف مقابل صورت گرفته و راه آن بسته شود.
به خوبی می‌دانید که برخی از شش دولت طرف مقابل
به هیچ رو قابل اعتماد نیستند.

از ملت عزیز انتظار دارم که همچنان وحدت و
متانت خود را حفظ کنند تا بتوان در فضای آرام و
خردمدانه به منافع ملی دست یافت.^۹

والسلام عليکم و رحمة الله

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۴/۴/۲۴

سایر تدابیر

- نیاز کشور به عزم راسخ خانواده‌های شهیدان
- ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه
- ایجاد ازدواج آسان
- جلوگیری از منع باروری

نیاز کشور به عزم راسخ خانواده‌های شهیدان
برکات شهدا خیلی زیاد است؛ یعنی واقعاً با
این تعبیرات نمی‌شود حق شهیدان را ادا کرد؛ واقعاً
نمی‌شود کاری را که آنها کردند، خدمتی را که آنها
کردند ادا کرد.

خانواده شهدا هم همین جورند. در این جلسه
امروز ما خانواده‌هایی تشریف دارند که سه شهید

داده‌اند، سه شهید یا بیشتر؛ تحمل از دست دادن
پاره‌های جگر انسان و عزیزان انسان، این به زبان
آسان است. خانواده‌هایی هستند که فقط دو پسر
داشتند و همین دو پسر را در راه خدا در میدان
دفاع مقدس تقدیم کردند؛ بانوانی در اینجا تشریف
دارند که هم همسر خودشان و هم فرزند خودشان
را در راه خدا دادند. اینها به زبان آسان است! ما در
تاریخ صدر اسلام می‌خواندیم که در جنگ اُحد،
بانویی سه پیکر شهید را سوار راحله‌ای (چهارپایی
بارکش از جمله شتر) کرده بود و از میدان اُحد می‌آورد
مدینه؛ تعجب می‌کردیم که چطور چنین چیزی
ممکن است! واقعاً به نظر انسان مثل افسانه می‌آمد؛
حالا در مقابل چشمان این واقعیت‌های
افسانه‌گون و افسانه‌مانند را داریم می‌بینیم. با
روحیه‌های بالا، با روحیه‌های خوب، روحیه‌هایی
که می‌تواند افراد کم‌روحیه را هم مبتهج کند،
روحیه بدهد، عزم آنها را تثبیت کند و تقویت
bekند. و امروز کشور ما به این عزم راسخ
۲
احتیاج دارد.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر روحانی رئیس جمهور محترم

با سلام و تحييت،

اینک که در آستانه ماههای آغازین دهه دوم
چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور قرار داریم، سیاست‌های کلی
برنامه پنج ساله ششم توسعه ابلاغ می‌گردد.

این مجموعه پس از بررسی‌های فراوان و مشورت
با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بر پایه محورهای
سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پیشناختی در عرصه علم و
فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تنظیم شده
است.

اتکاء بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات
داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از زیرساخت‌های
موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت جهادی و
روحیه انقلابی و تکیه بر اولویت‌های اساسی آمده در
سیاست‌های کلی: «اصل ۴۴»، «اقتصاد مقاومتی»، «علم و
فناوری»، «نظام اداری» و «جمعیت» و از همه بالاتر توکل
به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به رغم تمایل و
اراده دشمنان عنود، با تحقق اهداف برنامه ششم در ارائه
الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت، که

به کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است،
یاری رساند.

در تدوین این سیاست‌ها تلاش شده است با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه داخلی و خارجی، مجموعه‌ای به عنوان سیاست‌های کلی که مبنای تنظیم قانون پنج ساله ششم خواهد بود، تعیین شود که در یک دوره پنج ساله کاملاً دست یافتنی باشد.

مراقبت و دقّت نظر جناب عالی و سایر مسؤولان در قوای سه‌گانه و نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطمینان لازم را برای حُسن اجرای این سیاست‌ها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه، تأمین خواهد کرد.

لازم است قدردانی خود را از تلاش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت دولت، دبیرخانه مجمع و کارشناسان فعال و همکار در این مجموعه‌ها و سایر دست‌اندرکاران تنظیم و تدوین این سیاست‌ها در روند جدید، ابراز دارم.

نسخه‌ای از این سیاست‌ها همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۴ / تیر ماه / ۹

بسم اللہ الرحمن الرحیم

سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

- امور اقتصادی

- ۱- رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به گونه‌ای که با بسیج همه امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.
- ۲- بهبود مستمر فضای کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.
- ۳- مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی با ایغای نقش ملی و فرامملی آنها در تحقق اقتصاد مقاومتی.
- ۴- توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور به ویژه با کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چند جانبی با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۱، ۱۰ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
- ۵- گسترش و تعیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی

و افزایش سهم مؤثر بازار سرمایه در جهت توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور با تأکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی.

۶- تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به وسیله نظام بانکی.

۷- ارتقاء کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای رقابتی، بیمه‌اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به منظور توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور.

۸- جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی با ایجاد انگیزه و مشوقهای لازم.

۹- اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمتشكل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات.

۱۰- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه

صندوق توسعه ملی با تنفيذ اساسنامه موجود و واريز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.

۱۰/۱- استقلال مدیریت حساب‌ها از بانک مرکزی.

۱۰/۲- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های غیردولتی به صورت ارزی.

۱۰/۳- استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکاليف بودجه‌ای و قوانین عادی.

۱۰/۴- سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک‌های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک‌های مذکور برای ارائه تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه ملی.

۱۱- تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.

۱۲- حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور به‌ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴.

-
- ۱۳- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک مقیاس.
- ۱۴- تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- ۱۵- واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم.
- ۱۶- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی).
- ۱۷- دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفای.
- ۱۸- افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاههای نفت و گاز.

۱۹- تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استانها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید شروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی.

۲۰- اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشايری (کانون تولید و ارزش‌آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقاء شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند^۹ سیاست‌های کلی کشاورزی.

۲۱- توسعه اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار - خرمشهر با تأکید بر سواحل مکران.

۲۲- برنامه‌ریزی برای دستیابی به ضریب
جینی ۰/۳۴

۲۳- توسعه بازارهای دریایی و ایجاد مناطق
مهم اقتصادی در زمینه‌های دارای مزیت.

۲۴- اولویت بخش ریلی در توسعه حمل و نقل
و ایجاد مزیت رقابتی برای آن.

۲۵- توسعه حمل و نقل ریلی باری با اولویت
تجهیز شبکه و پایانه‌های باری و اتصال شبکه به
مراکز بزرگ اقتصادی، تجاری و صنعتی و مبادی
ورودی و خروجی مهم کشور و شبکه‌های ریلی
منطقه‌ای و جهانی بهویژه کریدور شمال - جنوب
با هدف توسعه صادرات و ترانزیت بار.

۲۶- افزایش نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های
صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات
محصولات آن با اجرای سیاست‌های کلی
صنعت و معدن.

۲۷- دانش‌بنیان نمودن شیوه تولید و محصولات
صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان‌سازی تجاری
و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان.

۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی

(از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.

۲۹- اولویت دادن به تأمین مواد مورد نیاز صنایع

داخلی کشور با تأکید بر تکمیل ظرفیت زنجیره ارزش افزوده مواد معدنی و اجرای بند ۳ سیاست‌های کلی معدن.

۳۰- تدوین و اجرای سند جامع و نقشه راه تحول

نظام استانداردسازی کشور و مدیریت کیفیت.

۳۱- استقرار نظام جامع و کارآمد آمار و

اطلاعات کشور.

- امور فناوری اطلاعات و ارتباطات

۳۲- کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه دولت

الکترونیک در بستر شبکه ملی اطلاعات.

۳۳- توسعه محتوى در فضای مجازی براساس

نقشه مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر

وضعیت کنونی و بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی.

۳۴- ایجاد، تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و تأمین امنیت آن، تسلط بر دروازه‌های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن و ساماندهی، احراز هویت و تحول در شاخص ترافیکی شبکه به طوری که ۵۰ درصد آن داخلی باشد.

۳۵- بهره‌گیری از موقعیت ممتاز کشور با هدف تبدیل ایران به مرکز تبادلات پستی و ترافیکی ارتباطات و اطلاعات منطقه و گسترش حضور در بازارهای بین‌المللی.

۳۶- حضور مؤثر و هدفمند در تعاملات بین‌المللی فضای مجازی.

۳۷- افزایش سهم سرمایه‌گذاری زیرساختی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تا رسیدن به سطح کشورهای برتر منطقه.

۳۸- توسعه فناوری فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب و بهره‌برداری از سامانه‌های فضایی و حفظ و بهره‌برداری حداقلی از نقاط مداری کشور.

- امور اجتماعی

۳۹- ارتقاء سلامت اداری و اقتصادی و مبارزه با فساد در این عرصه با تدوین راهبرد ملی مبارزه با فساد و تصویب قوانین مربوط.

-
- ۴۰- استقرار نظام جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد و چند لایه تأمین اجتماعی کشور.
- ۴۱- توانمندسازی و خوداتکائی اقشار و گروههای محروم در برنامه‌های مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی.
- ۴۲- ارتقاء کیفیت و اصلاح ساختار بیمه‌های تأمین اجتماعی پایه (شامل بیمه درمان، بازنشستگی، از کارافتادگی و...) برای آحاد مردم.
- ۴۳- اجرای سیاست‌های کلی سلامت با تصویب قوانین و مقررات لازم با تأکید بر:
- ۴۳/۱- تهییه پیوست سلامت برای قوانین مرتبط و طرح‌های کلان توسعه‌ای.
- ۴۳/۲- اصلاح ساختار نظام سلامت براساس بند ۷ سیاست‌های کلی سلامت.
- ۴۳/۳- تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت و توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت.
- ۴۳/۴- افزایش و بهبود کیفیت و ایمنی خدمات شبکه بهداشتی و درمانی منطبق بر نظام سطح‌بندی و ارجاع.

-
- ۴۴- توسعه تربیت بدنی و ورزش همگانی.
- ۴۵- فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت.
- ۴۶- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفاده از حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.
- ۴۷- اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در تسهیلات مالی و فرصت‌ها و امکانات و مسئولیت‌های دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.
- ۴۸- هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی - ایرانی.
- ۴۹- سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.
- ۵۰- توسعه پایدار صنعت ایرانگردی به گونه‌ای که ایرانگردهای خارجی تا پایان برنامه ششم به حداقل پنج برابر افزایش یابد.
- ۵۱- حمایت از صنایع دستی و صیانت از میراث فرهنگی کشور.

- امور دفاعی و امنیتی

۵۲- افزایش توان دفاعی در تراز قدرت منطقه‌ای در جهت تأمین منافع و امنیت ملی با تخصیص حدائق در صد بودجه عمومی کشور برای بنیه دفاعی.

۵۳- ارتقاء توان بازدارندگی کشور با:

۵۳/۱- توسعه توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و تجهیزات عمدۀ دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع تهدیدات.

۵۳/۲- گسترش هوشمندانه و مصون‌سازی پدافند غیرعامل با اجرای کامل پدافند غیرعامل در مراکز حیاتی و حساس کشور.

۵۳/۳- افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم و دفاع سایبری و تأمین پدافند و امنیت سایبری برای زیرساخت‌های کشور در چارچوب سیاست‌های کلی مصوب.

۵۴- تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان.

۵۵- تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی با انسداد کامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، توسعه و تقویت یگان‌های مرزبانی، مشارکت‌دهی مرزنشینان در طرح‌های امنیتی، توسعه فعالیت‌های اطلاعاتی و تقویت دیپلماسی مرزی.

۵۶- برنامه‌ریزی برای کاهش جرم و جنایت با

هدف کاهش ۱۰ درصدی سالانه مصادیق مهم آن.

۵۷- مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روانگردان‌ها

در چارچوب سیاست‌های کلی ابلاغی و مدیریت

صرف با هدف کاهش ۲۵ درصدی اعتیاد تا

پایان برنامه.

۵۸- پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز از

مبادی و روودی تا محل عرضه آن در بازار.

- امور سیاست خارجی

۵۹- حفظ و افزودن بر دستاوردهای سیاسی

جمهوری اسلامی در منطقه آسیای جنوب غربی.

۶۰- اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف

توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی

و دستیابی به فناوری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

و سند چشم‌انداز.

۶۱- توسعه کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با

زبان‌های رایج بین‌المللی.

۶۲- ایجاد زمینه‌های لازم در جهت جلب سرمایه و

توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در

توسعه ملی و تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه در دفاع از

منافع ملی.

۶۳- بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی.

- امور حقوقی و قضایی

۶۴- بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محاکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرایم.

۶۵- بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها.

۶۶- حمایت قضائی مؤثر در تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها به منظور توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی.

۶۷- توسعه ثبت رسمی اسناد و املاک و مالکیت‌های معنوی و ثبت رسمی مالکیت‌های دولت و مردم بر املاک و اراضی کشور در نظام کاداستر و گسترش فناوری‌های نوین در ارائه خدمات ثبتی.

- امور فرهنگی

۶۸- تلاش شایسته برای تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی.

-
- ۶۹- ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ‌سازی درباره اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.
- ۷۰- اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم.
- ۷۱- حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری مقوم اخلاق، فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی.
- ۷۲- حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی - ایرانی و مقابله با تهدیدات.
- ۷۳- توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی - ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- امور علم، فناوری و نوآوری
- ۷۴- دستیابی به رتبه اول منطقه در علم و فناوری و تثیت آن با اهتمام به تحقق سیاست‌های کلی علم و فناوری.

- ۷۵- اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأکید بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی.
- ۷۶- افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزشی کشور.
- ۷۷- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی، نظریه‌پردازی و نوآوری در چارچوب سیاست‌های کلی علم و فناوری و نقشه جامع علمی کشور.
- ۷۷/۱- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.
- ۷۷/۲- تحول و ارتقاء علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی.
- ۷۸- تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.
- ۷۹- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی بویژه جهان اسلام و توسعه تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان.

۸۰ توسعه و ساماندهی نظام ملی نوآوری و
حمایت از پژوهش‌های مسئله محور و تجاری‌سازی
پژوهش و نوآوری، و توسعه نظام جامع تأمین مالی در
جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش‌بنیان.^۴

ایجاد ازدواج آسان

به پدرها و مادرها تذکر می‌دهم؛ من خواهش می‌کنم و تقاضا می‌کنم از شما که یک خردۀ امکانات ازدواج را آسان کنید. پدر و مادرها سخت‌گیری می‌کنند؛ هیچ سخت‌گیری لازم نیست. بله، یک مشکلات طبیعی وجود دارد — مسئله مسکن، مسئله شغل و از این مسائل — لکن «ان يكُونُوا فُقَرَاءَ يغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (نور ۳۲) «اگر تنگستند خداوند آنان را از فضل خوبیش بی‌نیاز خواهد کرد.» خب! این قرآن است. ممکن است جوان، الان هم امکانات مالی مناسبی نداشته باشد، اما انشاء‌الله بعد از ازدواج خدای متعال گشايش می‌دهد. ازدواج جوان‌ها را متوقف نکنند؛ من خواهش می‌کنم که پدرها و مادرها به این مسئله توجه کنند.

البته یکی از مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت کردن برای ازدواج دخترها، متأسفانه کمنگ شده؛ این چیز لازمی است. افرادی هستند — سابق‌ها همیشه معمول بود، حالا هم با کثرت نسل جوان در جامعه‌ما، باید این

رواج داشته باشد - پسرهایی را می‌شناسند، به خانواده دختر معرفی می‌کنند؛ دخترهایی را می‌شناسند، به خانواده پسر معرفی می‌کنند؛ تسهیل می‌کنند و آماده‌سازی می‌کنند ازدواج را؛ این کارها را بگنند. هرچه که ما بتوانیم در جامعه مسئله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه ماست؛ به نفع دنیا و آخرت کشور ماست.^۷

جلوگیری از منع باروری

مسئله نسل که من رویش خیلی تکیه دارم مهم است. باز من همین‌جا هم به آقای وزیر محترم بهداشت عرض می‌کنم؛ گزارش‌هایی به من می‌رسد که آن خواسته شما که همان خواسته ماست، یعنی مسئله جلوگیری از منع باروری - که منع باروری یک سیاستی بود؛ بنا بر این گذاشته شد که از این سیاست جلوگیری بشود - درست انجام نمی‌گیرد؛ بعضی جاها همچنان در بر پاشنئ قبل می‌گردد.^۷

پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۴/۰۴/۰۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام
۲. ۹۴/۰۴/۰۶ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر
۳. ۹۴/۰۴/۰۷ و جمیع از خانواده‌های شهدای استان تهران
۴. ۹۴/۰۴/۰۹ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه
۵. ۹۴/۰۴/۱۰ ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه
۶. ۹۴/۰۴/۱۳ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در هفدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶
۷. ۹۴/۰۴/۲۰ بیانات در دیدار داشتجویان در پیست و چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶
۸. ۹۴/۰۴/۲۳ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت
۹. ۹۴/۰۴/۲۴ پاسخ به نامه رئیس جمهور درباره مذاکرات هسته‌ای
۱۰. ۹۴/۰۴/۲۷ خطبه‌های نماز عید فطر ۱۴۳۶
۱۱. ۹۴/۰۴/۲۷ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی
۱۲. ۹۴/۰۵/۰۴ (گزارش خبری) بیانات در دیدار جمیع از سبیجان مدار آور المپیادهای علمی
۱۳. ۹۴/۰۵/۱۸ پیام در پی تدفین دو تن از شهدادن غواص در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
۱۴. ۹۴/۰۵/۲۶ بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی
۱۵. ۹۴/۰۵/۳۱ بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج هفتم ذی القعده ۱۴۳۶